

مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

ISSN: 2645-4475

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۵ (پیاپی: ۱۸)، زمستان ۱۴۰۰، جلد یک

ارزیابی وابستگی به چوب سوخت در روستاهای جنگلی شهرستان
لردگان

یاسر محمدی، بیت الله محمودی، داود مافی غلامی

بررسی وضعیت آسیب‌های روانی با تأکید بر تنش شغلی کارکنان
پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد
کامروز امینی، فاطمه یاری نسب

بررسی پدیده وندالیسم مجازی در شبکه اجتماعی اینستاگرام
مهناز امیرپور، فاطمه پایان

بررسی نقش سرمایه اجتماعی شهروندان بر میزان گرایش آن‌ها نسبت
به ورود گردشگران؛ مورد مطالعه: شهروندان شهر بابلسر
وحید دستیار، شجاعت پورصدیقی، سلیمان نستر

رابطه مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری
مهسا محمدزاده

تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود سازگاری اجتماعی دانش
آموزان با نیازهای ویژه شهرستان سرپل ذهاب
مهناز رشتیانی

رابطه خشم سرکوب شده و احساس خودکفتری با گرایش به خودکشی
در دانش‌آموزان دختر و پسر شهر نوک آباد شهرستان خاش
بهروز میرکازهی ریگی، مجید هاشم زهی کهنوکی

زمینه‌های شکلگیری و گسترش جنبش‌های نوپدید دینی
امید ابرقوئی

- دکتر خدیجه اسدی سروسناتی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر محمد امیرپناهی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر فاروق امین مظفری، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز
- دکتر محمدرضا حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر عبدالرسول حسینی‌فر، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دکتر غلامرضا لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر مهدی معینی، عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

فراخوان پذیرش مقاله:

نشریه «مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی» توسط موسسه مطبوعاتی مطالعات کاربردی شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی می‌پردازد. از این‌رو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران دعوت می‌شود با ارسال مقالات علمی خود از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.ASSCS.ir در پربارتر کردن این نشریه، ما را یاری نمایند. برای ارسال مقاله کافی است تا در وبسایت ثبت‌نام نموده و با ورود به پنل کاربری، مقاله خود را ثبت کنید.

محورها و موضوعات پذیرش مقاله:

- جامعه‌شناسی
- مردم‌شناسی
- جمعیت‌شناسی
- فلسفه علوم اجتماعی
- آسیب‌های اجتماعی
- برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی
- مطالعات جوانان
- برنامه‌ریزی توسعه‌ای منطقه‌ای
- مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگ
- مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی

نشریه

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری، کوچه شهید سبحانی، پلاک ۲۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵
www.ASSCS.ir
Shij.journals@gmail.com

چاپ

نشانی: تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸، پلاک ۳۹۳
انتشارات هنر و علوم دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱ ۳۳۸۴۰۷۹۲

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	ارزیابی وابستگی به چوب سوخت در روستاهای جنگلی شهرستان لردگان ياسر محمدی، بیت الله محمودی، داود مافی غلامی
۷	بررسی وضعیت آسیب‌های روانی با تأکید بر تنش شغلی کارکنان پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد کامروز امینی، فاطمه یاری نسب
۱۵	بررسی پدیده وندالیسم مجازی در شبکه اجتماعی اینستاگرام مهناز امیرپور، فاطمه پایان
۲۷	بررسی نقش سرمایه اجتماعی شهروندان بر میزان گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگران؛ مورد مطالعه: شهروندان شهر بابلسر وحید دستیار، شجاعت پورصدیقی، سلیمان نسترن
۴۳	رابطه مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری مهسا محمدزاده
۵۳	تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود سازگاری اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه شهرستان سرپل ذهاب مهناز رشتیانی
۶۱	رابطه خشم سرکوب شده و احساس خودکهتری با گرایش به خودکشی در دانش آموزان دختر و پسر شهر نوک آباد شهرستان خاش بهروز میرکازهی ریگی، مجید هاشم زهی کهنوکی
۷۷	زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های نوپدید دینی امید ابرقوئی

ارزیابی وابستگی به چوب سوخت در روستاهای جنگلی شهرستان لردگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

کد مقاله: ۷۱۱۱۷

یاسر محمدی^۱، بیت الله محمودی^{۲*}، داود مافی غلامی^۳

چکیده

از شکل های متداول بهره برداری از جنگل های زاگرس، استفاده از چوب هیزمی برای مصارف سوختی است. این نوع بهره گیری سنتی آسیب های زیادی را به ساختار و موجودیت اکولوژیک جنگل ها وارد ساخته است. شناخت و ارزیابی میزان وابستگی خانوارهای جنگلی به چوب هیزمی، علاوه بر اینکه تصویر روشنی از میزان وابستگی جوامع محلی به جنگل را نشان می دهد، زمینه و بستری جهت اجرای راهکارهای جایگزین چوب هیزمی را نیز فراهم می سازد. در همین راستا در این تحقیق با بهره گیری از روش پیمایش و تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه با ۱۳۱ خانوار روستایی در ناحیه عرفی منج شهرستان لردگان در استان چهارمحال و بختیاری، درصد وابستگی به چوب سوخت در مصارف مختلف روستایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. مطابق نتایج ۵۷/۷ درصد خانوارها جهت طبخ غذا از اجاق هیزمی، ۶۹/۴ درصد از تنور هیزمی، ۳۵ درصد از بخار هیزمی، ۳۴ درصد از آبگرمکن هیزمی برای گرم کردن آب و ۴۶ درصد از روستاییان از اجاق هیزمی برای گرم کردن شیر و دوغ استفاده می کنند. در واقع می توان گفت جنگل نشینان در سامان های عرفی مورد مطالعه وابستگی شدیدی به جنگل برای تأمین و مصرف چوب هیزمی دارند. توجه به توسعه زیرساخت های انرژی در روستاها و همچنین کاربرست انرژی های نو مانند انرژی خورشیدی، می توان تا حدود زیادی از وابستگی به چوب هیزمی کاست و در نتیجه روند تخریب جنگل ها آهنگی کاهنده به خود گیرد.

واژگان کلیدی: انرژی سوخت، چوب هیزمی، شهرستان لردگان، جنگل های زاگرس

۱- دانشجوی دکتری علوم جنگل دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۲- عضو هیأت علمی دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول: mahmoudi@sku.ac.ir)

۳- عضو هیأت علمی دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین دانشگاه شهرکرد

۱- مقدمه

مساحت جنگل‌های زاگرس مرکزی حدود ۷۰۷ هزار و ۹۴۱ هکتار برآورد می‌شود که ۱۴/۱ درصد از وسعت جنگل‌های زاگرس را پوشش داده است. بیش از ۵۰ درصد وسعت این جنگل‌ها انبوهی تاج پوشش در آنها کمتر از ۱۰ درصد است. ۹۱ گونه درختی و درختچه‌ای در قالب ۲۹ خانواده و ۴۷ جنس در زاگرس مرکزی شناسایی شده است که این موضوع نشان می‌دهد ۵۴/۵ درصد گونه‌های چوبی زاگرس در محدوده زاگرس مرکزی گسترش دارند. چرای دام، زراعت زیر اشکوب، تأمین سوخت و مصارف روستایی، زغالگیری، فروش چوب هیزمی و استفاده از محصولات غیر چوبی جنگل، شکل‌های بهره‌برداری سنتی از جنگل‌های زاگرس مرکزی است که اثرات مخرب زیادی بر توان اکولوژیک این جنگل‌ها وارد نموده است. کاهش ارتفاع توده‌های جنگلی، کاهش پوشش تاجی درختان، فقدان تجدید حیات جنسی، کاهش حاصلخیزی خاک و کاهش تنوع زیستی از مهمترین اثرات بهره‌برداری‌های سنتی از این جنگل‌ها است (محمودی، ۱۳۹۹). مصرف چوب غیر صنعتی یا هیزمی از جمله محصولات کلیدی جنگل است که نقش معیشتی مهمی در زیست روستائیان جنگلی دارد که در تخریب عرصه‌های جنگلی در کشورهای در حال توسعه موثر است (Schwarzbauer & Stern, 2010).

از عوامل مهم و کلیدی تخریب جنگل‌های کشور، بهره‌برداری‌های سنتی است که جوامع محلی درون یا حاشیه عرصه‌های جنگلی از منابع و عناصر جنگلی دارند (جزیره‌ای و ابراهیمی‌رستاقی، ۱۳۸۲). این بهره‌برداری شامل چرای دام، زراعت زیر اشکوب، گردشگری و استفاده از چوب هیزمی برای مصارف سوختی و غیر سوختی است. این نوع بهره‌برداری‌های در جنگل‌های زاگرس نمود بیشتری دارند، به خصوص استفاده از چوب هیزمی که باعث شده است که فرم رویشی این جنگل‌ها در اکثر مناطق به شکل شاخه زاد درآید. بررسی‌هایی مختلف در مورد میزان مصرف چوبی هیزمی در مناطق رویشی جنگلی کشور به به خصوص در مورد جنگل‌های زاگرس به انجام رسیده است. میزان مصرف هیزمی تنه و سرشاخه درختان جنگلی زاگرس در استان چهارمحال و بختیاری برای هر خانوار روستا را به ترتیب ۵/۴۵ و ۱/۹ تن در سال برآورد شده است (جلالی، ۱۳۹۶). میزان مصرف هر خانوار روستایی در شهرستان خرم‌آباد ۲۴/۱۸ و خانوار عشایری ۱۰/۵ مترمکعب در بخش‌های استفاده بخاری، پخت نان، زغال‌گیری و استحمام تخمین زده شد (بازگیر و همکاران، ۱۳۹۴). میزان مصرف چوب هیزمی در هر خانوار بیلاقی شهرستان نوشهر به طور متوسط در هر سال ۷/۱۳ مترمکعب برآورد شده است (نورزاد مقدم و همکاران، ۱۳۹۳). عالی زاده و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی عوامل سرعت بخش تخریب جنگل در سطح استان لرستان افزایش جمعیت، قطع درختان، تخریب اراضی جنگل به منظور تهیه سوخت و زغال‌گیری، تخریب در اثر چرای دام، آتش‌سوزی و مدیریت ضعیف را مهم‌ترین عوامل تخریب جنگل‌های استان معرفی نموده‌اند. فلاحی (۱۳۹۵) با بررسی نقش عوامل اقتصادی اجتماعی در تخریب جنگل‌های بلوط روستای اولاد قبادکوه‌دشت نتیجه گرفت نقش عوامل انسانی نسبت به عوامل طبیعی در تخریب در اولویت بالاتری قرار دارند. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر خانوارهای جنگل‌نشین در تخریب جنگل انجام شده است.

در جنگل‌های زاگرس مصرف چوب سوختی شامل گرم کردن آب، پخت نان، بخاری، طبخ غذا، گرم کردن شیر و دوغ و زغالگیری شکل‌های استفاده هستند و در مصرف غیر سوختی چوب هیزمی برای خانه‌سازی، ابزار کشاورزی، ساخت انبار و طوبله، حصارکشی، سرشاخه برای دام و برداشت هیزم برای فروش مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرد. در واقع در مجموع ۱۲ نوع استفاده از چوب هیزمی در روستاهای جنگلی بختیاری نشین دیده می‌شود (اسحاقی و محمودی، ۱۳۹۸). اینکه مصرف چوب هیزمی در فرایند تولید انرژی سوخت برای استفاده‌های معیشتی جنگل‌نشینان چگونه صورت می‌گیرد، بسیار کمک خواهد کرد تا برنامه‌ریزی و مدیریت مناسبی برای طرح راهکارهای جایگزین قابل پذیرش به انجام رسد. در همین راستا در این مطالعه تلاش شد تا چگونگی تولید انرژی گرمایی از منابع مختلف در خصوص جنگل‌نشینان حوزه زاگرس مرکزی مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲- منطقه و روش مطالعه

این مطالعه در محدوده جنگل‌های زاگرس مرکزی در استان چهارمحال و بختیاری، شهرستان لردگان و ناحیه عرفی منج به انجام رسیده است. خانوارهای جنگلی مستقر در روستاها و سامان‌های عرفی منج نساء، کلواری، ده سوخته، آبی‌دک و تیرسامان که در ناحیه و بخش منج قرار دارند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در این تحقیق از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با تکمیل پرسشنامه، وضعیت چگونگی تولید و مصرف انرژی سوختی مورد بررسی قرار گرفته است. تکمیل پرسشنامه‌ها از طریق مصاحبه با سرپرست خانوارهای جنگل‌نشین انجام پذیرفته است. در همین راستا ۱۳۱ پرسشنامه بر اساس رابطه برآورد حجم نمونه کوکران و با در نظر گرفتن خطای ۰/۰۷ تکمیل گردید. از حجم کل خانوارهای روستایی ۳۷/۴ درصد آن مورد پرسش قرار گرفته‌اند. انتخاب نمونه‌ها پس از تقسیم به نسبت در هر روستا، به صورت تصادفی انجام پذیرفت. جهت روایی پرسش‌نامه از رویکرد روایی محتوایی استفاده شد و بر اساس ضریب الفای کرونباخ میزان پایایی آن ۰/۷۲ محاسبه شد. در جدول ۱ تعداد پرسش‌نامه‌های در نظر گرفته شده برای هر روستا و سامان عرفی آمده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیتی و تعداد پرسش‌نامه‌های روستاهای مورد نظر

روستا	تعداد خانوار	تعداد پرسش‌نامه‌ها	درصد در هر روستا
منج نساء	۱۲۳	۴۶	۳۵/۱۱
کلواری	۲۰	۹	۶/۸۹
ده سوخته	۵۳	۲۰	۱۵/۲۶
تیرسامان	۴۴	۱۸	۱۳/۷۴
آبیدک	۱۱۰	۳۸	۲۹/۰۰
مجموع	۳۵۰	۱۳۱	۱۰۰

۳- نتایج

۳-۱- مشخصات مصاحبه شوندگان

جدول ۲ توزیع جنسیتی مصاحبه شوندگان را به تفکیک سامان‌های عرفی نشان می‌دهد. ۷۰/۶ درصد از سرپرست خانوارهای مورد بررسی مرد و مابقی (۲۹/۴) زن هستند. جدول ۳ میزان تحصیلات مصاحبه شوندگان را به تفکیک سامان‌های عرفی نشان می‌دهد. غالب مصاحبه شوندگان (۵۹/۵) بی‌سواد هستند.

جدول ۲: درصد توزیع جنسیتی مصاحبه شوندگان

روستا	زن	مرد
منج نساء	۶۵/۷	۳۴/۳
کلواری	۱۱/۱	۸۹/۹
ده سوخته	۱۵/۸	۸۴/۲
تیرسامان	۱۶/۷	۸۳/۳
آبیدک	۱۷/۴	۸۲/۶

جدول ۳: تحصیلات مصاحبه شوندگان (درصد)

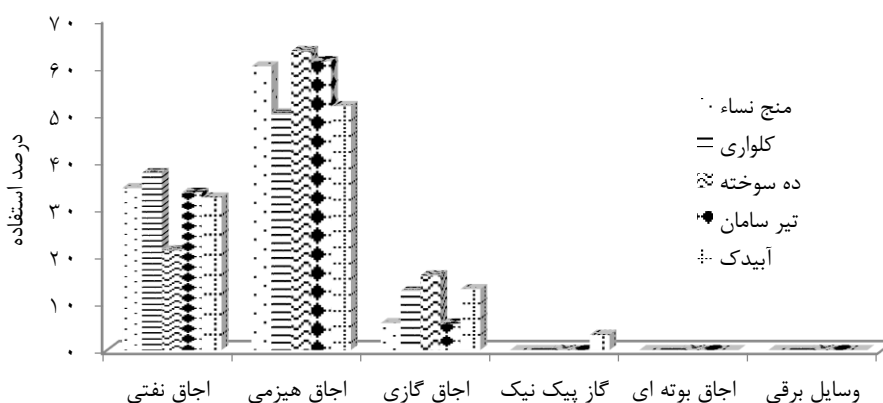
روستا	بی سواد	ابتدایی	سیکل	دیپلم	لیسانس	جمع
منج نساء	۵۸/۱	۲۵/۵	۵/۴	۵/۵	۵/۵	۱۰۰
کلواری	۵۵/۶	۲۲/۲	۰	۰	۲۲/۲	۱۰۰
ده سوخته	۵۷/۹	۳۱/۶	۱۰/۵	۰	۰	۱۰۰
تیرسامان	۶۱/۱	۲۲/۲	۱۱/۱	۵/۶	۰	۱۰۰
آبیدک	۶۳	۱۷/۴	۸/۷	۲/۲	۸/۷	۱۰۰

۳-۲- وسایل مورد استفاده برای تولید انرژی سوختی

روستاییان در منطقه مورد مطالعه جهت طبخ غذا، پخت نان، ایجاد گرما، تهیه آب گرم و گرم کردن شیر از وسایل گوناگونی مثل وسایل نفتی، هیزیمی وگازی و... استفاده می‌کنند که در ادامه به بررسی هر یک پرداخته شده است.

۱- طبخ غذا

مطابق شکل ۱ بیش‌ترین وسایل مورد استفاده جهت طبخ غذا اجاق هیزم می‌باشد که ۵۷/۷ درصد را شامل می‌شود.



شکل ۱: میزان استفاده از وسایل مختلف جهت طبخ غذا

۲- پخت نان

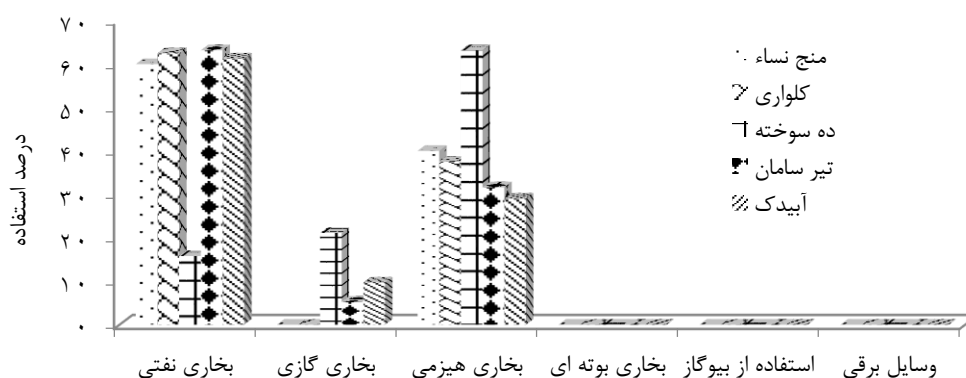
شکل ۲ میزان استفاده از وسایل مختلف جهت پخت نان را به تفکیک هر یک از روستاهای مورد نظر نشان می‌دهد. بیش‌ترین وسیله مورد استفاده جهت طبخ غذا تنور هیزمی می‌باشد که ۶۹/۴ درصد را شامل می‌شود.



شکل ۲: میزان استفاده از وسایل مختلف جهت پخت نان

۳- ایجاد گرما

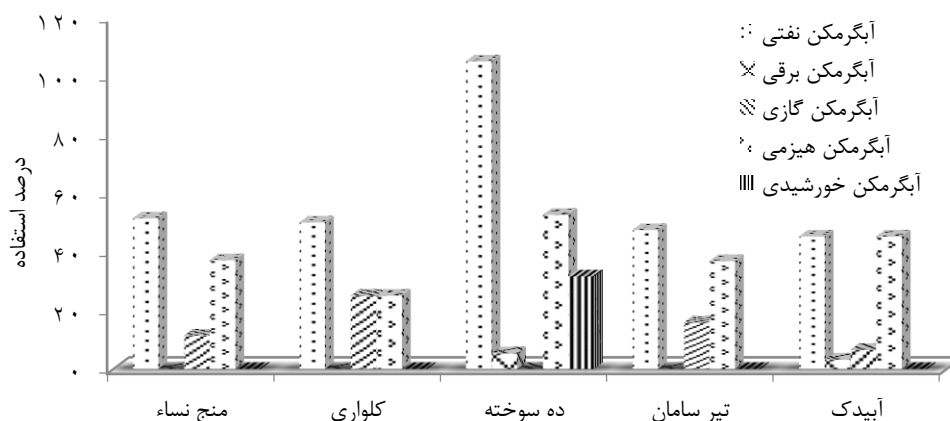
شکل ۳ میزان استفاده از وسایل مختلف جهت ایجاد گرما را به تفکیک هر یک از روستاهای مورد نظر نشان می‌دهد. بیش-ترین وسیله مورد استفاده جهت ایجاد گرما، بخاری نفتی می‌باشد که ۶۱/۳ درصد را شامل می‌شود.



شکل ۳: میزان استفاده از وسایل مختلف جهت ایجاد گرما

۴- تهیه آب گرم

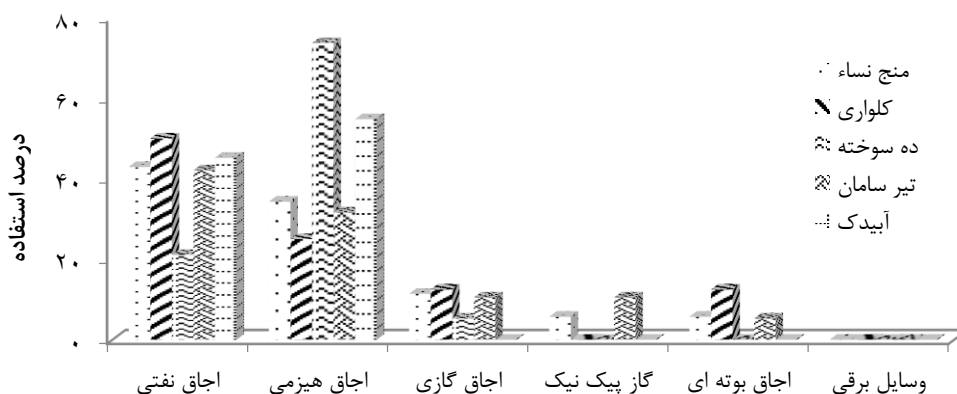
شکل ۴ میزان استفاده از وسایل مختلف جهت تهیه آب گرم را نشان می‌دهد. ۴۲/۳ درصد از روستاییان تنها از آبگرمکن نفتی برای گرم کردن آب استفاده می‌کنند.



شکل ۴: میزان استفاده از وسایل مختلف جهت تهیه آب گرم

۵- گرم کردن شیر و دوغ

مطابق شکل ۵، ۴۶ درصد از روستاییان تنها از اجاق هیزمی برای گرم کردن شیر و دوغ استفاده می‌کنند و ۴۰ درصد از اجاق نفتی استفاده می‌کنند.



شکل ۵: میزان استفاده از وسایل مختلف جهت گرم کردن شیر و دوغ

۴- بحث و نتیجه گیری

بهره گیری سوختی از جنگل، عمده ترین مصرف سنتی و بومی از جنگل های زاگرس به شمار می رود. هرچند با توسعه سوخت های فسیلی از روند استفاده هیزم در مناطق روستایی کم شده است، اما همچنان در برخی مناطق جنگلی، منبع اصلی تأمین سوخت و تولید انرژی گرمایی به حساب می آید (جزیره ای و ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۲). در روستاهای کم برخوردار که زیرساخت انرژی مانند گاز و نفت وجود ندارد و یا در روستاها و خانوارهایی به طور سنتی و فرهنگی استفاده از چوب هیزمی را برای سوخت نسبت به نفت و گاز ترجیح می دهند، بدیهی است که مردم برای رفع نیازهای سوختی خود از چوب های جنگلی استفاده کنند. میزان این وابستگی در فصول مختلف متفاوت است. در ماههای سرد سال، استفاده از اجاق یا بخاری هیزمی زیاد می شود و در ماههای گرم نیز استفاده از چوب هیزمی برای گرم کردن شیر و دوغ افزایش می یابد. برخی محرک های اقتصادی در جامعه مانند حذف یارانه انرژی انگیزه استفاده چوب هیزم جنگلی را بیشتر کرده است (بازگیر و همکاران، ۱۳۹۴). قطع درخت به منظور تأمین چوب هیزمی در روستاهای جنگلی، از دلایل اصلی تخریب و کاهش کیفیت و شادابی جنگل های کشور است. بررسی ها نشان می دهد به طور متوسط هر خانوار در روستاهای جنگلی زاگرس، سالانه بیش از ۹ متر مکعب چوب جنگلی برای تأمین نیازهای سوختی خود برداشت می کند (محمودی، ۱۳۹۴). مطابق بررسی انجام شده درصد زیادی از خانوارهای روستایی در ناحیه عرفی منج از اجاق هیزمی برای طبخ غذا و گرم کردن شیر و دوغ، تنور هیزمی برای پخت نان، بخاری هیزمی برای تولید گرما و از آبگرمکن هیزمی برای گرم کردن آب استفاده می کنند. در واقع می توان گفت جنگل نشینان در سامان های عرفی مورد مطالعه وابستگی شدیدی به جنگل برای تأمین و مصرف چوب هیزمی دارند.

به دلیل پایین بودن شاخص‌های توسعه یافتگی در مناطق جنگلی کشور، میزان فشار و وابستگی معیشتی مردم محلی به عناصر و منابع جنگلی در آستانه بالایی قرار دارد. به همین دلیل تخریب عرصه‌های جنگلی به منظور رفع نیازهای سوختی جنگل نشینان آسیب‌های جبران ناپذیری به این منابع ارزشمند وارد ساخته است. در همین راستا لازم است تدابیری اندیشیده شود تا میزان وابستگی مردم به جنگل کاهش و تقاضا برای چوب سوختی مرتفع گردد. استفاده از انرژی‌های نو به خصوص بهره‌گیری از انرژی خورشیدی راهکار موثری برای جایگزینی چوب سوخت در روستاهای جنگلی کشور است. یکی از ابزارهای مورد استفاده برای گرم نمودن آب از طریق انرژی خورشیدی، آبگرمکن‌های خورشیدی است که استفاده از آنها روزبه‌روز در حال افزایش است. مطابق مطالعه‌ای که در دهستان میلاس شهرستان لردگان به انجام رسیده است، قبل از نصب آبگرمکن‌های خورشیدی متوسط مصرف سالانه چوب هیزمی جهت گرم کردن آب، ۱۳/۱۹ مترمکعب برای هر خانوار بوده است که این میزان بعد از نصب آبگرمکن به ۱/۶۰ متر مکعب تقلیل پیدا کرده است. این کاهش ۸۸ درصدی مصرف چوب نشان از موفقیت طرح آبگرمکن‌های خورشیدی داشته است (محمودی و اسحاقی، ۱۳۹۸). لذا در ناحیه عرفی منج هم پیشنهاد می‌شود ز آبگرم‌های خورشیدی استفاده شود که نیاز مردم برای گرم کردن آب به چوب بلوط مرتفع گردد.

منابع

- ۱- اسحاقی، فاطمه و بیت الله محمودی (۱۳۹۸). ارزیابی تقاضای مصرف چوب هیزمی خانوارهای جنگل نشین زاگرس مرکزی، بررسی موردی: ناحیه عرفی سردشت، شهرستان لردگان. پژوهش و توسعه جنگل، ۵(۴): ۶۱۳-۶۲۷.
- ۲- جلالی، سید امیر مسعود. جلالی. ۱۳۹۶. مطالعه انتشار CO2 ناشی از مصارف چوب هیزمی روستائیان جنگل نشین شهرستان لردگان استان چهارمحال و بختیاری. پایان نامه کارشناسی ارشد محیط زیست دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات. ۷۰ ص.
- ۳- جزیره‌ای، محمدحسین و مرتضی ابراهیمی‌رستاقی، ۱۳۸۲. جنگلشناسی زاگرس، انتشارات دانشگاه تهران، ۵۵۸ ص.
- ۴- نورزادمقدم، محسن. شامخی، تقی. اعتماد، وحید و محمد عوافی همت، ۱۳۹۳. بررسی مصرف هیزم خانوارهای روستایی در مناطق جنگلی ییلاقی شمال ایران و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی روستاهایی ییلاقی ارتفاعات جنوبی جنگل آموزشی- پژوهشی خیرود)، مجله جنگل ایران، ۶(۱): ۱۱۳-۱۲۵.
- ۵- محمودی، بیت الله. (۱۳۹۹). مقدمه‌ای بر شناخت جنگل‌های استان چهارمحال و بختیاری. انتشارات جهاد دانشگاهی. ۲۸۴ ص.
- ۶- عالی زاده، لیلا. کرمان، رضا و فرید اجلالی. ۱۳۹۰. بررسی مهم‌ترین عوامل تخریب جنگل‌های استان لرستان و راهکارهای پیشنهادی. همایش ملی جنگل‌های زاگرس مرکزی. ۳۳-۲۲.
- ۷- فلاحی، سارا و فرهاد قاسمی آقباش. ۱۳۹۵. عوامل مؤثر در تخریب جنگل‌های بلوط منطقه اولاد قباد کوه‌دشت. مجله تحقیقات جنگل‌های زاگرس، سال ۳، شماره ۲. صفحات ۹۴-۸۱.
- 8- Schwarzbauer P., and T. Stern. 2010. Energy vs. material, Economic impacts of a "Wood-for-energy scenario" on the forest-based sector in Austria: A simulation approach, Forest Policy and Economics. 12(1): 31-38.

بررسی وضعیت آسیب‌های روانی با تأکید بر تنش شغلی کارکنان پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

کد مقاله: ۱۹۱۷۴

کامروز امینی^۱، فاطمه یاری نسب^{۲*}

چکیده

مقدمه: یکی از مراکز مهمی که کارکنان آن در معرض آسیب‌های ناشی از شغل قرار دارند، مراکز پزشکی قانونی است که با وجود استرس‌زا بودن بخش‌های تخصصی، در مباحث علمی کمتر به آن پرداخته شده است، لذا این مطالعه با هدف بررسی وضعیت آسیب روان و تنش شغلی کارکنان بخش‌های مختلف ادارات پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد انجام گرفت.

روش تحقیق: این تحقیق بصورت مقطعی، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. اطلاعات لازم از کارکنان بخش‌های مختلف پزشکی قانونی جمع‌آوری گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است که شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه تنش شغلی و پرسشنامه سلامت روانی است. نمونه آماری به دلیل محدود بودن جامعه آماری به صورت تمام شماری محاسبه و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این تحقیق ۴۱ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند که ۴۱٫۴٪ زن و ۵۸٫۶٪ مرد بودند و بین ۲۲ تا ۴۰ سال سن و ۴۶/۳٪ استخدام رسمی بودند. سلامت روان کارکنان بالاتر از متوسط می‌باشد که بالاترین میانگین مربوط به زیرمقیاس اضطراب و کمترین مربوط به زیرمقیاس افسردگی می‌باشد. تنش شغلی کارکنان در محدوده متوسط (استرس متوسط) می‌باشد که بالاترین نمره مربوط به زیرمقیاس بارکاری و کمترین نمره مربوط به زیرمقیاس محدوده نقش است. بر اساس نتایج تحلیلی تنش شغلی و آسیب‌روانی کارکنان رابطه معناداری دارند. هر چه تنش شغلی بیشتر باشد آسیب‌های روانی کارکنان نیز بیشتر است. نمره آسیب روانی کارکنان در زنان کمتر از نمره مردان و نمره تنش شغلی بیشتر از مردان بود. آسیب روانی کارکنان از نظر آماری معنی دار بود. آسیب روانی و تنش شغلی با افزایش سن در کارکنان افزایش می‌یابد، ولی این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که کارکنان تنش شغلی بالا و آسیب روانی متوسطی دارند و مهمترین عامل تنش‌زا در محیط کار مسئولیت بار کاری مهمترین آسیب روانی نیز اضطراب بالای کارکنان می‌باشد.

واژگان کلیدی: آسیب‌های روانی، تنش شغلی، کارکنان پزشکی قانونی

۱- MD، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران.

۲- MSc، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

کار و شغل، نقش مهمی در زندگی افراد داشته و تأثیرات قابل توجهی در بهزیستی و شادکامی دارد. اگر چه اشتغال یک چالش هیجان آور برای افراد است اما همین شغل می تواند به عنوان یک منبع عمده استرس را در زندگی افراد مطرح باشد (۱). در محیط های شغلی علل و عواملی وجود دارند که در فرد ایجاد تنش می نمایند، مانند حجم کاری زیاد، سرعت کاری بالا، عدم حمایت اجتماعی. طبق تعریفی که توسط انستیتو ملی (NIOSH) در سال ۱۹۹۹ ارائه شده است تنش شغلی وقتی رخ می دهد که بین نیازهای شغلی با توانایی ها، قابلیت ها و خواسته های فرد هماهنگی نباشد. تنش شغلی دارای عوارض مختلف جسمی، روانی و رفتاری است، که پیامدهای آن نیز شامل غیبت از کار، مصرف دخانیات، اختلال خواب، سوءمصرف دارو الککل و اعتیاد است (۲-۴). عوامل روانی در کنار خطرات فیزیکی، شیمیایی، ارگونومیک و زیستی محیط کار، یکی از ۵ خطر اصلی در محیط های کاری محسوب می شود و در بین عوامل روانی، تنش شغلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است (۱-۳).

بر اساس مطالعه ای در سال ۲۰۰۵، ۲۰ درصد کارگران اروپایی از استرس یا فشار شغلی رنج می برند و به اعتقاد آنها فشار شغلی، سلامتی آنها را به خطر انداخته است (۵). در ایران آمارهای متفاوتی از شیوع فشار شغلی بالا، گزارش شده است (۶-۷). بر اساس گزارش موسسه ملی ایمنی و بهداشت شغلی به علت فشارهای شغلی، ۳۰ درصد از کارگران از دردهای کمر، ۲۸ درصد استرس، ۲۰ درصد خستگی، ۱۷ درصد دردهای عضلانی و ۱۳ درصد سردرد شکایت دارند (۸).

با توجه به اینکه هر محیط شغلی دارای ارزشمندی، وضعیت فیزیکی و روانی، توانایی و علاقمندی خاص خود است، افراد باید در محیطی مشغول به کار شوند که با آن محیط سازگاری داشته باشند. خروجی این فرایند، افزایش رضایت شغلی و به دنبال آن سلامت نیروی انسانی، کاهش استرس های سازمانی و افزایش بهره وری خواهد بود (۹ و ۱۰). یکی از مراکز مهمی که کارکنان آن در معرض آسیب های ناشی از شغل قرار دارند، مراکز پزشکی قانونی می باشد، که با به کار گرفتن علوم پزشکی در خدمت قانون، علاوه بر مشارکت در درمان بیماران وظایف کارشناسی خود را زیر نظر قوه قضاییه انجام می دهند. کارکنان پزشکی قانونی با قربانیان خشونت و یا خانواده های افرادی که از خشونت و یا آسیب رنج می برند سرو کار دارند. بنابراین این افراد در معرض مخاطرات و آسیب های متعدد شغلی قرار دارند. از این رو نظر به اهمیت جایگاه پزشکی قانونی در سیستم قضایی و برقراری عدالت و استرس زا بودن بخش های تخصصی پزشکی قانونی در مواجهه با ناهنجاری های اجتماعی و اجساد، این مطالعه با هدف بررسی وضعیت آسیب های روانی کارکنان و تنش شغلی بخش های مختلف ادارات کل پزشکی قانونی منطقه جنوب کشور انجام خواهد گرفت.

۲- ابزار و روش ها

مطالعه حاضر از نوع مقطعی، توصیفی - تحلیلی است که با هدف بررسی وضعیت آسیب های روانی کارکنان با تأکید بر تنش شغلی بخش های مختلف اداره کل پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۹۹ انجام گرفت. جامعه آماری و نمونه آماری پژوهش شامل کارکنان بخش های تشریح، معاینات، آزمایشگاه و اداری، مرکز ادارات پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد به تعداد ۴۱ نفر می باشد. که با روش نمونه گیری تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفتند. بعضی از کارکنان که سابقه کاری کمتر از ۲ سال داشتند از مطالعه خارج شدند.

ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه می باشد. در قسمت اول اطلاعات دموگرافیک پرسیده می شود که شامل سال تولد، جنسیت، سمت سازمانی، وضعیت تأهل، وضعیت مصرف سیگار، سابقه کار در پزشکی قانونی، انجام یا عدم انجام معاینه جهت تعیین علت مرگ، درجه علمی، آخرین مدرک تحصیلی، محل کار و میزان حقوق دریافتی بوده است.

پرسش نامه آسیب های روانی: را نجاریان و داوودی (۱۳۸۰) ساختند. این پرسشنامه ۲۵ گویه دارد که روی یک طیف ۵ درجه ای از نمره صفر تا چهار ثبت می شود. ۸ عامل اصلی: شکایات جسمانی، وسواس فکری و عملی، حساسیت میان فردی، افسردگی، اضطراب، اضطراب فوییک مرضی، افکار پارانوئیدی و روان پریشی را در یک هفته گذشته مورد ارزیابی قرار می دهد. نمره گذاری از هیچ (۱) تا به شدت (۵) در نظر گرفته می شود. تفسیر نمرات پرسش نامه به این صورت است که هر چه نمره های فرد پایین تر باشد، نشانه سلامت روانی و نمرات بالاتر نشانه نداشتن سلامت روانی فرد است. میانگین دو و بالاتر در نمرات خام کل پرسش نامه، نشانه وجود علائم جدی دانسته می شود.

پرسشنامه تنش شغلی: جهت تعیین سنجش میزان تنش از پرسشنامه تنش شغلی که در سال ۱۹۹۸ مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته بود استفاده گردید. پرسشنامه تنش شغلی بر اساس بررسی نقش شغلی طراحی شده است و به پنج زیرگروه بار کاری، ابهام نقش، کمبود نقش، تعارض نقش و مسئولیت پذیری تقسیم می شود.

بار کاری به میزان کاری که فرد در یک زمان مشخص انجام می دهد اشاره دارد. ابهام نقش وقتی رخ می دهد که مسئولیت های فردی به خوبی تعریف نشده باشد و انتظارات روشنی در تصویر ذهنی فرد نباشد و یا اینکه اهداف سازمانی برای فرد مشخص نباشد. کمبود نقش وقتی رخ می دهد که به فرد کاری کمتر از توانایی های جسمی و ذهنی، محلول شود. تعارض نقش یعنی اینکه از

فرد انتظار انجام وظایف متضادی رود؛ مثلاً کاری که فرد انجام می‌دهد با سیاست‌های سازمانی در تضاد باشد مسئولیت پذیری به نقش فرد در مسئول بودن در برابر زندگی و رفاه دیگران اشاره دارد.

لازم به ذکر است هر کدام از این زیر گروه‌ها با ۱۰ سؤال بررسی می‌شوند. درجه‌بندی سؤالات پرسشنامه بصورت لیکرت ۵ درجه‌ای است به طوری که به ترتیب پاسخ «هرگز» امتیاز ۱ و «بیشتر اوقات» امتیاز ۵ می‌گیرد. طبق راهنمای تفسیر پرسشنامه برای سنجش تأثیر هر عامل تنش‌زا، امتیازات مجموع هر ۱۰ سؤال و جهت ارزیابی میزان تنش کلی مجموع امتیازات ۵۰ سؤال محاسبه می‌شود. بر اساس امتیازات کسب شده میزان اثر هر عامل تنش‌زا در ۴ طبقه کم (۱۰ تا ۱۹ امتیاز)، کم تا متوسط (۲۰ تا ۲۹ امتیاز)، متوسط تا شدید (۳۰ تا ۳۹ امتیاز) و شدید (۴۰ تا ۵۰ امتیاز) قرار می‌گیرد. میزان تنش کلی نیز به همین ترتیب در ۴ طبقه کم (۵۰ تا ۹۹ امتیاز)، کم تا متوسط (۱۰۰ تا ۱۴۹ امتیاز)، متوسط تا شدید (۱۵۰ تا ۱۹۹ امتیاز) و شدید (۲۰۰ تا ۲۵۰ امتیاز) قرار می‌گیرد. اطلاعات بدست آمده با توجه به اهداف کلی و فرعی و متغیرهای مطالعه با استفاده از آزمون‌های توصیفی و تحلیلی و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتیجه نهایی بصورت گزارشی تهیه و ارائه گردید.

۳- یافته ها

در مجموع، ۴۱ نفر مورد بررسی قرار گرفتند که ۱۷ نفر زن و ۲۴ نفر مرد بوده اند. بیشترین تعداد شرکت کنندگان در این مطالعه را کارکنان در گروه سنی بالای ۴۰ سال و کمترین تعداد را در گروه سنی ۲۲-۳۰ سال شامل می‌گردند. بیشترین کارکنان با استخدام رسمی (۴۶/۳ درصد) و کمترین تعداد را افراد با قرارداد ساعتی (۲/۴ درصد) تشکیل داده اند.

جدول ۱: آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمالیتی داده ها

تنش شغلی	سلامت	تعداد نمونه
۴۱	۴۱	
۷۴۰۰.۵۳	۸۶۶۷.۵۴	میانگین
۵۲۵۵۳.۱۶	۳۱۷۶۰.۱۶	انحراف معیار
۰.۵۴.	۰.۶۱.	تست آماری
۲۰۰.	۲۰۰.	سطح معنی داری

جدول ۱: نشان داد بر اساس آزمون کلموگراف اسمیرنوف با توجه به سطح معنی داری بیشتر از ($P < 0.05$) توزیع داده ها دارای توزیع نرمال می باشند.

جدول ۲: خلاصه مدل متغیرهای آسیب روانی کارکنان با تنش شغلی در کارکنان

مدل	R	مجذور R	مجذور تعدیل R	تخمین انحراف استاندارد
۱	۰/۳۲۲	۰/۱۰۴	۰/۰۹۲	۱۶/۰۸۵۸۴

بر اساس جدول ۲: از کارکنان که در این مطالعه بررسی شده اند بر اساس آزمون رگرسیون خطی مقیاس آسیب روانی کارکنان ۹۲ درصد از واریانس تنش شغلی کارکنان را پیش بینی می کنند.

جدول ۳: جدول تحلیل واریانس تک متغیره (ANOVA) مربوط به متغیرهای آسیب روانی کارکنان و تنش شغلی در کارکنان مختلف ادارات کل پزشکی قانونی

مدل	مجموع مجزورات	df	میانگین مجموع مجزورات	F	معناداری
رگرسیون	۴۴۰۶/۵۰۳	۲	۲۲۰۳/۲۵۱	۸/۵۱۵	۰/۰۰۰
باقیمانده	۳۸۰۳۶/۸۹	۱۴۷	۲۵۸/۷۵۴		
مجموع	۴۲۴۴۳/۳۹۳	۱۴۹			

همانگونه که مشاهده می شود با توجه به مقدار سطح معناداری ($P=0.000$) نشانگر این امر است که مدل رگرسیون معنادار می باشد.

جدول ۴: جدول ضرایب نتایج رگرسیون چند متغیره به سبک ورود از طریق متغیرهای آسیب روانی کارکنان و تنش شغلی در کارکنان

مدل	ضرایب غیر استاندارد شده		ضرایب استاندارد شده		معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	t	
(مقدار ثابت)	۱۳۰/۴۶۱	۱۲/۹۲۶		۱۰/۰۹۳	۰/۰۰۰
تنش شغلی	۰/۴۳۹	۰/۱۹۰	۰/۱۹۱	۲/۳۱۳	۰/۰۲۲
Adj R ² =0.92 R ² =0.104 R = 0.322 a					

جدول ۴: نتایج اجرای تحلیل رگرسیون را نشان می دهد. متغیر تنش شغلی به طور معنی داری با متغیر ملاک (آسیب روانی کارکنان) همبسته بود و توانست مقداری از تغییرات آسیب روانی کارکنان را تبیین کنند. از کارکنان که در این مطالعه بررسی شده اند بر اساس آزمون رگرسیون خطی مقیاس تنش شغلی ۹۲ درصد از واریانس آسیب روانی کارکنان را پیش بینی می کنند. با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در نمره تنش شغلی به صورت معناداری ($p < 0.05$) نمره آسیب روانی کارکنان ۱۹/۱ انحراف استاندارد افزایش می یابد.

جدول ۵: میانگین نمره متغیر آسیب روانی کارکنان مختلف

متغیر	تعداد نمونه	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
نمره آسیب روانی کارکنان	۴۱	۴۵	۲۰۲	۵۲۶۷.۱۷۳	۸۷۷۶۵.۱۶

جدول ۵: نشان میدهد که از ۴۱ نفر کارکنان که در این مطالعه بررسی شده اند نمره آسیب روانی کارکنان بالاتر از متوسط می باشد.

جدول ۶: میانگین نمره و انحراف معیار زیر مقیاس های متغیر آسیب روانی کارکنان

زیر مقیاس ها	تعداد نمونه	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
عوامل جسمانی	۴۱	۷	۲۸	۰۷۳۳.۱۸	۷۱۱۹۷.۴
اختلال در عملکرد	۴۱	۶	۲۵	۲۸۰۰.۱۶	۲۸۶۸۹.۴
افسردگی	۴۱	۵	۲۶	۹۰۰۰.۱۵	۱۸۱۷۰.۴
اضطراب	۴۱	۶	۲۶	۹۲۶۷.۱۸	۱۵۶۲۷.۸

مطابق جدول ۶: بالاترین میانگین نمره مربوط به زیر مقیاس اضطراب و کمترین نمره مربوط به زیر مقیاس افسردگی می باشد.

جدول ۷: میانگین نمره تنش شغلی در کارکنان ادارات کل پزشکی قانونی منطقه جنوب کشور

متغیر	تعداد نمونه	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
نمره تنش شغلی	۴۱	۴۹	۲۵۸	۷۴۰۰.۱۵۳	۵۲۵۵۳.۱۶

جدول ۷: نشان می دهد که از ۴۱ نفر کارکنان که در این مطالعه بررسی شده اند نمره تنش شغلی کارکنان در محدوده متوسط (استرس متوسط) می باشد.

جدول ۸: میانگین و انحراف معیار نمره زیر مقیاس های متغیر تنش شغلی در کارکنان

زیر مقیاس ها	تعداد نمونه	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
بارکاری	۴۱	۸	۳۸	۲۰۰۰.۲۵	۹۲۹۱۱.۵
بی کفایتی	۴۱	۹	۳۵	۷۷۳۳.۲۱	۱۹۱۸۲.۵
دوگانگی	۴۱	۸	۲۶	۱۲۰۰.۱۷	۸۵۸۰۹.۳
محدوده نقش	۴۱	۱۱	۲۰	۵۴۶۷.۱۲	۳۴۴۷۴.۲
مسئولیت	۴۱	۱۵	۲۲	۷۰۶۷.۱۵	۷۵۱۵۰.۱
محیط فیزیکی	۴۱	۱۰	۲۴	۱۲۰۰.۱۸	۲۵۳۴۱.۱

مطابق جدول ۸: بالاترین نمره مربوط به زیر مقیاس بارکاری و کمترین نمره مربوط به زیر مقیاس محدوده نقش میباشد.

جدول ۹: تحلیل همبستگی پیرسون بین متغیر آسیب روانی کارکنان با متغیر تنش شغلی در کارکنان

تنش شغلی	آسیب روانی کارکنان	
۲۶۷.	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۱		سطح معنی داری
۱۵۰	۱۵۰	تعداد
۱	۲۶۷.	همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۱	سطح معنی داری
۱۵۰	۱۵۰	تعداد

در جدول ۹ برای ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۰,۲۶۷ بدست آمده است. به دلیل اینکه مقدار سطح معنی داری در این جدول ($P < ۰/۰۰۱$) به دست آمده است و این مقدار از ۰/۰۱ کوچکتر است، پس این ضریب همبستگی هم در سطح ۰/۰۵ و هم در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. لذا وجود تفاوت بین آسیب روانی کارکنان و تنش شغلی کارکنان تأیید می گردد.

جدول ۱۰: ارتباط بین متغیر آسیب روانی کارکنان و تنش شغلی در کارکنان

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری	t	درجه آزادی
آسیب روانی	زن	۱۷۲/۷۵۲۷	۱۸/۵۷۱۶۳	۴/۳۷۷	۰/۰۳۸	-۰/۷۱۶	۱۴۸
کارکنان	مرد	۱۷۴/۷۸۹۵	۱۳/۷۳۵۶۹			-۰/۷۶۹	۱۴۲/۷۲۷
تنش شغلی	زن	۵۵/۹۲۴۷	۱۷/۷۵۳۲۸	۵/۸۰۷	۰/۰۱۷	۱/۰۱۴	۱۴۸
	مرد	۵۳/۱۴۰۴	۱۳/۶۲۹۵۶۹			۱/۰۸۰	۱۴۰/۵۲۶

در جدول ۱۰ میانگین نمره بر اساس آزمون تی مستقل نمره آسیب روانی کارکنان در زنان کمتر از نمره مردان و نمره تنش شغلی بیشتر از مردان می باشد ($P < ۰/۰۵$). لذا وجود تفاوت بین نمره آسیب روانی کارکنان با رابطه بین تنش شغلی کارکنان مختلف تأیید می گردد.

جدول ۱۱: میانگین نمره آسیب روانی کارکنان، تنش شغلی، فشار بار کاری در کارکنان با سطح تحصیلات

نوع استخدام	آسیب روانی کارکنان	تنش شغلی
رسمی	میانگین	۵۴/۵۳۹۶
	تعداد	۱۹
	انحراف معیار	۱۸/۰۹۵۸۵
پیمانی	میانگین	۵۹/۰۰۰۰
	تعداد	۵
	انحراف معیار	۱۹/۲۸۲۱۲
قراردادی	میانگین	۷۱/۲۶۶۲
	تعداد	۸
	انحراف معیار	۷/۲۳۴۷۵
شرکتی	میانگین	۷۳/۸۱۸۲
	تعداد	۷
	انحراف معیار	۸/۴۰۰۲۲
ساعتی	میانگین	۷۱/۲۶۶۲
	تعداد	۱
	انحراف معیار	۷/۲۳۴۷۵
مجموع	میانگین	۵۴/۸۶۶۷
	تعداد	۱۵۰
	انحراف معیار	۱۶/۳۱۷۶۰
درجه آزادی	۱۴۸	۱۴۸
F	۴/۱۹۵	۴/۸۸۷
سطح معناداری	۰/۰۴۲	۰/۷۶۰

مطابق جدول ۱۱ بر اساس آزمون تی مستقل تفاوت دیده شده میانگین نمره آسیب روانی کارکنان از نظر آماری معنی دار ($P < ۰/۰۵$) ولی نمره تنش شغلی در کارکنان با نوع استخدام از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

جدول ۱۲: رابطه نمره آسیب روانی کارکنان، تنش شغلی، فشار بار کاری در کارکنان

سن	تنش شغلی	آسیب روانی کارکنان	همبستگی پیرسون	آسیب روانی کارکنان
**۰/۲۴۰	**۰/۲۶۷	۱	همبستگی پیرسون	آسیب روانی کارکنان
۰/۰۰۳	۰/۰۰۱		معناداری	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	تعداد	
**۰/۳۷۱	۱	**۰/۲۶۷	همبستگی پیرسون	تنش شغلی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۱	معناداری	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	تعداد	
۱	**۰/۳۷۱	**۰/۲۴۰	همبستگی پیرسون	سن
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	معناداری	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	تعداد	

در جدول ۱۲ بر اساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای آسیب روانی کارکنان ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۰/۲۶۷ و برای تنش شغلی ۰/۲۵۶ بدست آمده است. به دلیل اینکه مقدار سطح معنی داری در این جدول ($P < ۰/۰۱$) به دست آمده است و این مقدار از ۰/۰۱ کوچکتر است، پس این ضریب همبستگی هم در سطح ۰/۰۵ و هم در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. لذا وجود همبستگی بین تنش شغلی با سن کارکنان مختلف ادارات کل پزشکی قانونی منطقه جنوب کشور تایید می گردد. بر اساس آزمون تی میانگین نمره آسیب روانی کارکنان و تنش شغلی با افزایش سن در کارکنان افزایش می یابد، ولی این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود همچنین بین میانگین نمره آسیب روانی کارکنان و تنش شغلی با سمت کاری کارکنان تفاوت وجود ندارد.

بحث

در این مطالعه ۴۱ نفر از کارکنان اداره کل پزشکی قانونی استان مورد بررسی قرار گرفتند. بیشترین تعداد شرکت کنندگان در این مطالعه را کارکنان در گروه سنی بالای ۴۰ سال و کمترین تعداد را در گروه سنی ۲۲-۳۰ سال شامل می گردند. ۶۲ درصد شرکت کنندگان در مطالعه را زنان و ۵۸/۶ درصد را مردان تشکیل داده اند. بیشترین تعداد شرکت کنندگان در مطالعه را گروه کارکنان با استخدام رسمی (۴۶/۳ درصد) و کمترین تعداد را افراد با قرارداد ساعتی (۲/۴ درصد) تشکیل داده اند. نتایج مطالعه نشان داد آسیب های روانی کارکنان بالاتر از متوسط می باشد که بالاترین میانگین نمره مربوط به زیر مقیاس اضطراب و کمترین نمره مربوط به زیر مقیاس افسردگی می باشد. تنش شغلی کارکنان در محدوده متوسط (استرس متوسط) می باشد. بالاترین نمره مربوط به زیر مقیاس بارکاری و کمترین نمره مربوط به زیر مقیاس محدوده نقش می باشد. بین تنش شغلی و آسیبهای روانی کارکنان رابطه معنی داری وجود دارد. هر چه تنش شغلی بیشتر باشد آسیب های روانی کارکنان نیز بیشتر می شود.

نتایج این مطالعه بر اساس جنسیت کارکنان نیز نشان داد آسیب روانی کارکنان در زنان کمتر از مردان و تنش شغلی بیشتر از مردان می باشد. در مطالعات شریفیان و همکاران نیز میزان تنش در مردان بیشتر از زنان بود (۹). در مطالعات دیگر از جمله کوپر و برایت^۱ در سال ۲۰۰۱ نشان دادند که مردان نسبت به زنان ۴ بار بیشتر به بیماری قلبی و ۵ بار بیشتر به بیماری های ناشی از الکل دچار می شوند (۱۱). همچنین مردان میزان امید به زندگی کمتری نسبت به زنان دارند. البته در تحقیقات دیگر نشان داده شده است که زنان نسبت به مردان از فشار کاری بیشتری شکایت داشته و میزان افسردگی بیشتری دارند. (۱۲)

بر اساس نتایج این مطالعه بین تنش شغلی و آسیبهای روانی با سن کارکنان مختلف ادارات کل پزشکی قانونی استان رابطه معناداری وجود دارد. افرادی که سن بیشتری داشتند تنش شغلی بیشتر و دچار آسیب روانی بالاتری بودند. نتایج این مطالعه با شریفیان و همکاران همخوانی دارد (۹).

آسیب روانی کارکنان از نظر آماری معنی دار ($P < ۰/۰۵$) ولی نمره تنش شغلی در کارکنان با نوع استخدام از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

از محدودیت‌های طرح تعداد کم افراد شرکت کننده در مطالعه بود که موجب شد بعضی از متغیرها قابل بررسی نباشد، به همین دلیل قابل تعمیم به کارکنان پزشکی قانونی در کل کشور نمی باشد. بنابراین توصیه می شود در پژوهش های بعدی تنش شغلی و آسیب های روانی در کل کشور مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه گیری

نتایج نشان داد که در اداره پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد تنش شغلی بالا و آسیب روانی متوسطی دارند و مهمترین عامل تنش را در محیط کار مسئولیت بار کاری مهمترین آسیب روانی نیز اضطراب بالای کارکنان می باشد. در این راستا سازمان می تواند با مشخص تر نمودن وظایف کاری و همچنین حمایت کاری و اجتماعی بیشتر از کارکنان در جهت کاهش تنش شغلی گام بردارد. دچار اولویت دادن به سلامت روانی کارکنان، به عنوان منابع انسانی موجود از سوی دولت و مسئولین، تخصیص اعتبارات تحت عنوان اوقات فراغت کارکنان دولت، و توجه جدی به اصلاح زیرساخت های اوقات فراغت می تواند باعث ارتقا بهداشت روانی کارکنان گردد.

منابع

- 1- Asadi N, Hosseini S. Study of Job Stress and Its Association with Sleep Quality among Employees of Behbahan Bid Boland Gas Refinery in 2017: A Descriptive Study . JRUMS. 2019; 18 (8) :797-810
- 2- LaDou J. Current Occupational & Environmental Medicine. 3rd ed. New york: MC Grow Hill; 2004.
- 3- Levy BS, Wegman DH. Occupational health, Recognizing and Preventing Work – Related Disease and Injury. 4th ed. Philadelphia: Lippincott Williams & Wilkins; 2000.
- 4- Rom WN. Environmental & Occupational Medicine. 3rd ed. Philadelphia: Lippincott Raven; 1998.
- 5- Burchell B, FaganC, O'Brien C, Smith M. Working conditions in the European Union: The gender perspective. European foundation for the improvement of living and working conditions. 2007.[cited 2010 Jun]AvailablefromURL: <http://www.eurofound.europa.eu/pubdocs/2007/108/en/1/ef07108en.pdf>
- 6- Yadegarfar G, AliniaT, Gharaaghaji ASL R, Allahyari T, Sheikhhbagloo R. Study of association between job stress and cardiovascular disease risk factors among Urmia Petrochemical Company personnel. Jisfahan Med School (I.U.M.S)2010; 28(112):665-680.[Persian]
- 7- 7-Soori H, Rahimi M, Mohseni H. Occupational stress and work-related unintentional injuries among Iranian car manufacturing workers. East Mediterr Health J 2008; 14(3): 697-703.
- 8- The American institute of stress (AIS). Job stress at New York.USA. 1979. (cited 2014 July 6)Available: From: URL: <http://www.stress.org/job.hint>.
- 9- Shafiabadi A, Khalaj Asadi SH. Relationship between Job Satisfaction and Mental Health of the University Staff. J Modern Indust Organiz Psychol. 2010;1(2):27-33. (Persian)
- 10- Nasrabadi H, Rajaie S, Salimi GH, Taherpur F, Partoie M.The Relationship between The Natural of Relationship of Job Satisfaction and Coping Mechanism with General Health among Private Industrial's Staff. J Jundishapur Univ Med Sci. 2009;8(3):345-353. (Persian)
- 11- Osipow SH, Spokane AR.Occupational Stress Inventory Manual (research version) (1987). Odes-sa, FL: Psychological Assessment Resources.
- 12- Cope CM. Occupational Stress, Strain and Coping in a Professional Accounting Organization. University of South Africa; August 2003.

بررسی پدیده وندالیسم مجازی در شبکه اجتماعی اینستاگرام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

کد مقاله: ۹۸۹۶۹

مهناز امیرپور^{۱*}، فاطمه پایان^۲

چکیده

پدیده وندالیسم امروزه هم در محیط شهری و هم در فضای مجازی قابل مشاهده است. در فضای مجازی این پدیده خود را در قالب توهین و تخریب شخصیت‌های برجسته، استفاده از الفاظ نامناسب و شایعه‌پراکنی و در نهایت باعث ایجاد ناامنی و انزوای افرادی هدف می‌شود. تعرض به حریم خصوصی افراد و هک و کلاهبرداری از دیگر پیامدهای این پدیده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی پدیده وندالیسم مجازی در میان جوانان مشهدی انجام شده است. اعضای جامعه تحقیق، جوانان در بازه سنی ۱۵ الی ۳۵ ساله ساکن در محدوده شهری مشهد هستند. با توجه به حجم بالای جامعه آماری که بالغ بر یک میلیون نفر بود و محدودیت‌های زمانی، شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده در نظر گرفته شد، که با استفاده از فرمول کوکران و ضریب آلفای کرونباخ حجم نمونه ۳۸۷ نفر به دست آمد. در این پژوهش، محقق از پرسشنامه محقق ساخته و بخشی نیز از پرسشنامه استاندارد استفاده کرده و از مطالعه اسنادی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزارهای lisrel , spss استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میان وندالیسم مجازی و رفتارهای تقلیدی، رفتارهای توده وار، بیگانگی اجتماعی و هویت‌یابی مجازی افراد در فضای مجازی رابطه وجود دارد اما میان جنسیت و وندالیسم مجازی رابطه معناداری مشاهده نشد به این معنا که رفتارهای وندالیستی در فضای مجازی به یک‌میزان در میان زنان و مردان رخ می‌دهد.

واژگان کلیدی: وندالیسم مجازی، اینستاگرام، شبکه‌های اجتماعی، جوانان مشهد، فضای مجازی

۱- استاد یار گروه علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

۱- مقدمه

اگر کمی از زندگی روزمره خود فاصله بگیریم و به‌زعم جامعه‌شناسان از دور به آن نگاهی بیندازیم خود را محصور در دنیایی می‌بینیم که به‌وسیله اینترنت احاطه شده و اکثر کارهای روزمره ما به آن وابسته است. این تنها بخشی از رویدادی است که در حال اتفاق افتادن است و ما به‌صورت ناخودآگاه با آن درگیر شده‌ایم. گوشی‌های هوشمند، با امکانات جذاب و متنوع خود باعث سهولت دسترسی کاربران به فضای بی‌انتهای مجازی شده‌اند و آن‌چنان کاربران خود را به این فضا وابسته کرده‌اند که به بخش اصلی زندگی روزانه- حداقل برای اکثریت مردم شهرنشین- تبدیل شده است و استفاده از این تکنولوژی و گشت و گذار در فضای مجازی به یکی از کارهای روزمره مانند خوردن، آشامیدن و استراحت کردن تبدیل شده است. این رشد و گسترش اینترنت که نه تنها در ایران بلکه در تمام نقاط دنیا قابل مشاهده است قطعاً فواید بسیاری برای ما به همراه داشته است، اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که علاوه بر مزایای فراوان، معایب حضور و فعالیت در این فضای نامتناهی -که می‌توان آن را به منظومه‌ی شمسی تشبیه کرد- کم نیست و مشکلات بسیاری را به وجود آورده است که می‌بایست به آن نیز توجه کرد. شاهد این ادعا را می‌توان با نگاهی کوتاه به افراد حاضر در جامعه دید، در محیط‌های عمومی و حتی اجتماعات کوچک خانوادگی گوشی همراه که شبکه‌های اجتماعی جزئی جداناپذیر از آن هستند باعث فردگرایی و انزوای هرچه بیشتر افراد شده است. فضایی که در آن هویت مشخص و واقعی معنای چندانی ندارد و هرکس می‌تواند با ساخت چندین پروفایل به شیوه‌های گوناگون خود را به بقیه معرفی کند و فعالیت‌های مختلفی را ترتیب دهد بدون اینکه نگران این باشد که دیگران چه قضای در مورد او خواهند داشت و یا فعالیت‌های او عواقب احتمالی را در آینده برای او به همراه خواهد داشت. از جمله موارد مشاهده شده در این حوزه که البته منجر به پیگیری‌های قانونی نیز شده است می‌توان به موضوع هک و کلاهبرداری و تعرض به حریم شخصی توسط تعدادی از همین کاربران ناشناس اشاره کرد. موارد ذکر شده نمونه‌هایی از پدیده‌ای هستند که به تخریب و خرابکاری شناخته می‌شود. ایجاد احساس عدم امنیت برای تعداد از افراد و به خطر افتادن امنیت اخلاقی از دیگر پیامدهای شبکه‌های اجتماعی است که در تحقیقات مختلفی به آن اشاره شده است. شبکه‌های مجازی به عنوان موجی که هیچ فضا و تمدنی یارای مقابله با آن را ندارد امنیت اجتماعی جوامع را به چالش کشیده و عدم امنیت را به ارمغان آورده است (سفیری، رجب‌لو و قلیزاده، ۱۳۹۴). تخریب در فضاهای شهری نیز به وضوح و روزانه قابل مشاهده است که آسیب به وسایل عمومی یکی از بارزترین نمونه‌های آن به حساب می‌آید. اما این مسئله به فضای مجازی نیز کشیده شده و به شکل‌های مختلف در حال بروز و ظهور است که از جنبه‌های مختلف حقوقی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی قابل بررسی است. نکته‌ای که می‌بایست به آن توجه کرد، افرادی که دست به این اقدامات می‌زنند تحت تاثیر عواملی قراردارند که منجر به بروز این رفتارها می‌شود و در پایان نامه‌ها و پژوهش‌های گوناگون به بررسی این عوامل پرداخته شده است. در پژوهش پیش رو، تصمیم داریم با توجه به این مساله که فضای مجازی تبدیل به جزئی انکارناپذیر از زندگی روزمره ما شده است به پدیده جدید و نوظهوری با عنوان وندالیسم مجازی بپردازیم.

۲- پیشینه تحقیق

در سال ۲۰۰۹ نیکولا پتروویچ^۱ در تحقیق خود، به بررسی نگرش‌ها نسبت به خرابکاری سایبری از طریق ایجاد تفاوت‌های جنسیتی و سنی پرداخته است. در این پژوهش، انواع مناسب مجازات و انگیزه‌های انجام فعالیت‌های خرابکارانه از دید دانش‌آموزان مورد بررسی قرارگرفت. نمونه تحقیق شامل ۲۰۰ دانش‌آموز مقطع متوسطه از سن ۱۲ تا ۱۷ سال بود. مهم‌ترین نتایج بدست‌آمده از این تحقیق عبارتند از: (۱) دانش‌آموزان مقاطع بالاتر، خرابکاری سایبر را جدی‌تر از دانش‌آموزان مقاطع پایین‌تر ارزیابی می‌کنند. (۲) پاسخ دهندگان پسرخرابکاری سایبر را جدی‌تر از پاسخ دهندگان دختر ارزیابی می‌کنند. (۳) انتقام به عنوان متداول‌ترین انگیزه برای این نوع رفتارها مطرح شده است. (۴) ورود پلیس به این موضوع و ممنوعیت استفاده از اینترنت به عنوان مناسب‌ترین مجازات برای خرابکاری سایبری ارزیابی شد.

فرانسیس، تی او دونوان^۲ و همکارانش (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان توصیف رفتار کاربر و انتشار اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی چندرسانه‌ای بیان می‌کند که بخش عظیمی از اجتماع مدرن از شبکه‌های اجتماعی آنلاین بهره می‌گیرد. اعضای این اجتماعات اغلب نقش‌های برجسته‌ای را ایفا می‌کنند که می‌توان از مشاهده فعالیت‌های آنلاین کاربران استنباط کرد.

لانگ جین^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان «درک رفتار کاربران در شبکه‌های اجتماعی آنلاین» بیان می‌کند که امروزه شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک، توئیتر، گوگل پلاس، لینکدین و فورسکور نقش عمده‌ای در زندگی روزمره مردم بازی می‌کنند. افراد به شبکه‌های اجتماعی هم از طریق رایانه‌های سنتی و هم از دستگاه‌های موبایل‌های نوظهور دسترسی دارند. بایش از یک میلیارد کاربر، شبکه‌های اجتماعی محل جدیدی برای مطالعه چالش‌های نوین شده است. هدف از این مطالعه بررسی رفتار کاربران در شبکه‌های اجتماعی بر مبنای چندین دیدگاه است. در این مطالعه ابتدا ارتباط اجتماعی و تعامل کاربران مورد بحث قرارگرفته و سپس ترافیک فعالیت کاربران در شبکه‌ها و هم چنین رفتار کاربران در استفاده از محیط تلفن همراه مورد توجه

1 Petrović Nikola M
2 O.Donovan
3 jinT

قرار گرفته است. در نهایت به بررسی رفتار مخرب کاربران در شبکه های اجتماعی و راه حل های مختلف شناسایی چنین کاربران را ارائه می دهد.

مقایسه تخریب سنتی با تخریب در فضای سایبر که توسط حسین آذین منش در سال (۱۳۹۳) انجام شده است از دیگر پایان نامه هایی است که از جنبه حقوقی به موضوع وندالیسم پرداخته است. در این تحقیق که از بعد مقایسه ای به بررسی تخریب در فضای جامعه و تخریب در فضای مجازی می پردازد به این موضوع اشاره دارد که تخریب در دنیای مادی و به صورت عینی اتفاق می افتد اما تخریب سایبری در فضای مجازی اتفاق می افتد و به صورت غیر ملموس و انتزاعی است. این تحقیق که از جنبه جرم شناختی به موضوع وندالیسم پرداخته در نهایت به این نتیجه دست یافته است که ماهیت تخریب سنتی با تخریب سایبری متفاوت است و از نظر کیفیت، بستر فضای ارتکاب جرم با یکدیگر متمایز هستند.

یکی از پایان نامه های تالیف شده مرتبط با این موضوع، مطالعه جرم شناختی تروریسم سایبری و وندالیسم سایبری و راهکارهای پیشگیری از آن ها است که توسط سمیه قدیم زاده در سال ۱۳۹۵ دانشجوی رشته حقوق انجام شده است در این تحقیق به علل و عوامل این پدیده و راهکارهای پیشگیری از آن ها پرداخته شده است. در ابتدا، تعریف مفهوم وندالیسم و تروریسم سایبری و بیان ویژگی های هر کدام، نتایج و آثار هر یک از این پدیده ها بر سازمان ها و سایت ها مورد بررسی قرار گرفته است. در مرحله دوم عوامل بروز و ظهور هر کدام مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش وندالیسم سایبری متوجه سایت هایی است که افراد برای ابراز وجود خود دست به اقدامات خرابکارانه و به اصطلاح هک کردن سایت ها و اطلاعات سازمان های مختلف می کنند.

تحقیقی دیگر نیز با عنوان الگوهای رفتاری ایرانیان در شبکه های اجتماعی مجازی که توسط سید حسن ایلالی (۱۳۹۵) انجام شده است وی در این پژوهش الگوهای رفتاری ایرانیان را متأثر از شرایط زمینه ای و مداخله ای ذکر کرده و بیان می کند که پیشینه فرهنگی و اجتماعی بر الگوهای رفتاری ایرانیان در این محیط اجتماعی اثرگذار است. در این تحقیق مواردی همچون نوآوری، کارآفرینی و توانمندی اقتصادی، توانمندی ارتباطی و خودکامی جمعی از جمله تاثیرات مثبت الگوهای رفتاری ایرانیان در شبکه های اجتماعی و مواردی از جمله: تعارض هویتی، سبک زندگی سیال و تولید و توزیع محتوای سطحی و عامه پسند را از جمله اثرات منفی الگوهای رفتاری کاربران ایرانی ذکر شده است. همچنین، ارتقا سواد رسانه ای و رفع محدودیت های عمومی و خصوصی، به عنوان راهکار اصلاح الگوهای رفتاری ایرانیان ذکر شده است.

۳- اهداف تحقیق

- بررسی رابطه میان روابط خانوادگی و تربیت افراد بر بروز رفتارهای وندالیستی
- بررسی رابطه میان بیگانگی اجتماعی و بروز رفتارهای وندالیستی
- بررسی رابطه میان جنسیت افراد و بروز رفتارهای وندالیستی

۴- ادبیات تحقیق

۴-۱- تعریف وندالیسم

وندالیسم نوعی ناهنجاری نوظهور و مدرن در جامعه جدید است. عملی است خصمانه و واکنشی است کینه توزانه به برخی از صور فشارها، تحمیلات، نامالایمات، حرمانها، اجحاف ها و شکست ها است. در جامعه شناسی انحرافات و آسیب شناسی اجتماعی وندالیسم را به مفهوم داشتن نوعی روحیه بیمارگونه که مبین تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خود خواسته اموال، تاسیسات و متعلقات عمومی است در نظر می گیرند (ویکلینسن، کلارک، ۱۹۹۱). مع الوصف باید توجه داشت که اغلب صاحب نظران و محققان آن را به مثابه جنایتی خرد و از انواع بزهکاری جوانان به شمار آورده اند (Janan ۱۹۸۶، meier and klinard، ۱۹۶۳)

۴-۲- وندالیسم مجازی

پدیده وندالیسم^۱ اخیراً در محیط اینترنت ظهور و بروز فراوانی داشته است و می توان از آن به عنوان حملات "فله ای" نام برد. در واقع شکل و صورت نوین تر وندالیسم، موسوم به "وندالیسم سایبری"^۲ که پدیده ای مقارن با جهانی شدن و عصر ارتباطات است و فضاهای مجازی و اینترنتی، که با زندگی مدرن وابستگی و پیوستگی عمیقی دارند را درگیر ساخته است، مورد تفسیر و تحلیل قرار خواهد گرفت. (قدیم زاده، ۱۳۹۵) هر چند باید بین سه مقوله ی خرابکاری رایانه ای، وندالیسم سایبری و تروریسم سایبری وجه تمایز قائل شد اما نقاط اشتراک و تشابهات آنان نیز قابل توجهند و در تبیین و تفسیر مفاهیم و تعاریف کمک کننده می باشند. اکرم و حسین گروسی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان بررسی جرم شناختی شبکه های اجتماعی بر امنیت اخلاقی به این نتیجه رسیدند که این شبکه ها بر امنیت اخلاقی تاثیر گذارند و و هم چنین باتوجه به گسترش روز افزون آن ها نمی

1 vandalism

2 Virtual vandalism

توان نقش شبکه های اجتماعی را نادیده گرفت و درآینده نزدیک نیز نقش آن ها به مراتب مهم تر و بیشتر از امروز نیز خواهد شد. درسال های اخیر شاهد و ناظر حملات جمعی و فله ای، البته نه به شکل هک و نفوذ، بلکه آشکار و عینی، به صفحات شخصی برخی از شخصیت های مشهور (هنرمندان، ورزشکاران، سیاستپون و ...) یا تارنماها و صفحات پرتعداد (اجتماعی، فرهنگی، ایدئولوژیک و ...) مخصوصا در شبکه های اجتماعی، از سوی تعداد زیادی از کاربران هستیم. (ظاهراً اغلب آنها ایرانی هستند) که با توهین، تهمت، خشم و خشونت لفظی و کلامی، در پی تخریب و تحقیر شخصیت و وجهه آنان می باشند، مثلاً باخت در یک مسابقه ورزشی ممکن است تمامی این واکنشها و عکس العملها را متوجه مربی، داور یا بازیکنی خاص کند و سیلی از کار بران را با الفاظ و عبارات زشت و زنده به سوی صفحه شخصی وی روانه سازد، که حتی گهگاهی با رپورت یا بلاکهای (گزارش یا مسدود کردن) دسته جمعی و گروهی باعث غیر فعال شدن و از کار افتادن صفحه ی او گردند و یا زندگی شخصی، مقام و موقعیت اجتماعی وی را دچار مخاطره سازند. (نظیر چنین رفتارها و اعمالی را از سوی وندالهای واقعی در پدیده ی "اوباشی گری فوتبالی" در کشور انگلستان می توان مثال زد که طرفداران و هواداران تیمی برای اغتشاش و آشوب، وقتی با بازدارندگی و ممانعت پلیس از اعمال و اقدامات فیزیکی مواجه شدند، بطور گسترده از طریق اینترنت به هماهنگی و برنامه ریزی حملات و کارهای خود پرداختند که در کتاب یونی جوکر و همکاران تحت عنوان "جرم و اینترنت" بطور دقیق و کامل به آن پرداخته شده است.) دقیقاً نسخه ی مجازی کار و رفتاری که وندالیستهای واقعی در جامعه انجام می دهند و در این میان برخی دیگر فقط و فقط به علت همرنگی با جماعت، تقلید و تبعیت و یا هیجان خواهی، تفریح و سرگرمی از آنان پیروی می نمایند. گاهی اوقات هر موضوعی ولو سطحی و جزئی به مثابه ی یک محرک برای فرد عمل نموده و ممکن است افراد را هدف هتک و حمله قرار دهد. می توان این رفتارها و اعمال را ناشی از عوامل روحی روانی و یا فرهنگی اجتماعی دانست و این موضوع شاید در حال حاضر مصداق و مثال تعریف وندالیسم سایبری نباشد یا در سایر جرائم شبیه به آن نگنجد، اما به لحاظ موضوعی و شیوه و نتیجه کار قابل تفکر و تأمل است، اگر افراد مشهور و معروف را به نوعی سرمایه ی انسانی بدانیم که به سبب کار و فعالیت خویش، جزئی از اموال ملی و عمومی هستند و تخریب و صدمه به وجهه و شخصیت آنان به نوعی خراب شدن تصویر اجتماعی آنهاست، شاید بتوانیم به شکل و صورت جدید و نوینی از وندالیسم سایبری به آن نظر بیفکنیم، از طرفی اگر آنها را قربانیان فردی و وب سایت ها و صفحات آنان را جز اموال خصوصی بدانیم، می توانند در سابوتاژ مصداق یابند، هر چند این رفتارها و اعمال انحرافی مخفیانه و پنهانی انجام نمی شوند و بسیاری از مواقع کاربران مهاجم ا نشان دادن هویت خویش ابایی ندارند (جوکر و همکاران ۱۳۸۹: ۱۹۵-۲۱۱ به نقل از قدیم زاده، ۱۳۹۵) به عنوان مثال:

وقتی در جریان المپیک ۲۰۱۲ لندن، حق سعید عبدلی تضييع شد، ابتدا "ایهار برل" داور بلاروس مورد توهين قرار گرفت که باعث شد صفحه اش را برای مدتی ببندد و بلافاصله این جمع سراغ "رافائل مارتینی"، رئیس فیلا رفتند و صفحه مجازی او را مورد هدف قرار دادند. حتی گفته شد ایمیل های به شدت تهدیدآمیزی به فیلا ارسال شده که مارتینی را خشمگین کرده بود و در نهایت پس از آنکه رسول خادم از مردم خواست تا کاری نکنند که برای کشتی ایران هزینه ساز شود، جنگ متوقف شد.

در بازی فوتبال فرانسه پرتغال در فینال یورو ۲۰۱۶ بازیکن تیم ملی پرتغال، کریستیانو رونالدو با ضربه بازیکن تیم ملی فرانسه مصدوم شد گروهی از کاربران ایرانی در فضای مجازی به صفحه دیمیتری پایت در اینستاگرام حمله کردند و ده ها هزار پیام توهین آمیز به زبان های فارسی، انگلیسی و فرانسه نثار این بازیکن کردند تا وندالیسم مجازی به اوج خود برسد. بدین ترتیب همچنین حمله های مشابه به صفحه شخصی باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده و دخترش یا لیونل مسی بازیکن آرژانتینی و چند تن از هنرمندان مشهور و معروف دیگر، که منجر به واکنشها و عکس العمل هایی شده اند مانند: از دسترس خارج کردن بعضی از خدمات شبکه های مجازی نظیر اینستاگرام برای کاربران ایرانی، تعبیه نمودن مترجم در این شبکه ها جهت ترجمه کامنتها و نظرات کاربران و همچنین انعکاس گسترده و وسیع در رسانه های بین المللی (بی نام، ۱۳۹۵) این موارد و مثال های بسیار زیاد دیگر، نشان از وجود نوعی جدید از وندالیسم سایبری است که متأسفانه رواج آن در بین کاربران ایرانی فضای مجازی بسیار زیاد شده است. به گزارش "تابناک"، همه چیز از نزدیک به یک دهه پیش و حمله به صفحه برخی از مقام های سیاسی سایر کشورها شروع شد؛ مقام هایی که علیه ایران مواضع خصمانه ای گرفته بودند، این در حالیست که در آن زمان، این واکنشها و عکس العملها با دیده اغماض مورد ارزیابی قرار گرفتند، زیرا چنین گمانی بود که این نوع حملات مجازی نشانه وطن پرستی و حس دفاع از ایران است، اما ظاهراً هر چه زمان بیشتری می گذرد، ادبیات کاربرانی که در چنین حملات مجازی مشارکت می کنند خشن تر، تندتر، هتاکانه تر و زنده تر و نیز تهی از هرگونه استدلال و منطق قابل دفاعی می شود... جملاتی با ادبیات جنسی، نژادپرستانه، توهین آمیز، هتاکانه و ... (بی نام، ۱۳۹۵)

۴-۳- تروریسم سایبری

تروریسم ساسیری^۱ عبارت است از تلاقی تروریسم و فضای رایانه ای. تروریسم سایبری عموماً به معنای حملات غیرقانونی برضد رایانه ها و شبکه های رایانه ای و اطلاعات ذخیره شده در آن هاست که هدف آن ارباب یا اجبار یک دولت یا اتباع آن به منظور پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی می باشد. این حملات باید منجر به اعمال خشونت برضد دارایی ها یا اشخاص شود یا

1 Cyber terrorism

دست کم موجب وارد آمدن آن اندازه آسیب گردد که در آن ها ایجاد ترس نماید. (دنینگ به نقل از چاووشی، ۱۳۸۸) مفهوم و معنی کلی و عام تروریسم سایبری عبارت است از : بکارگیری عامدانه و آگاهانه تخریب یا تهدید، علیه رایانه ها، شبکه ها و سیستمهای اینترنتی و سایبری به قصد وارد کردن صدمه و آسیب اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی، مذهبی، سیاسی و یا موضوعات مشابه. (پاکزاد، ۱۳۸۸) در مورد پدیده تروریسم سایبری می توان گفت تمامی آن اعمال و رفتارهایی که در ذیل تروریسم واقعی جای می گیرند درمورد تروریسم سایبری با اندکی تعدیل و تغییر می گنجند. تروریست های فضای مجازی یا اینترنتی به جای استفاده از سلاح های رایج مثل بمب ها و موشک ها از ویروس ها، کرم ها، تروجان ها، اسپم ها، ایمیل، هک و نفوذ رایانه ای و خرابکاری یا دستکاری های اینترنتی و شبکه ای استفاده می کنند. همچنین برعکس سایر جرایم که ممکن است به طور ساده واقع شوند، اصولاً این نوع از جرایم به نحو سازمان یافته و در سطح گسترده رخ میدهد. (همان، ۲۰۰۶) این نکته قابل ذکر است که تاکنون تعاریف بسیاری برای تروریسم سایبری اشاره شده است که با بررسی آن ها مفاهیم مشترکی از این موضوع به دست می آید و اینجا به منظور آشنایی و درک تفاوت این پدیده با وندالیسم مجازی تنها به ذکر دو تعریف بسنده شده است.

۴-۴- نظریه آنومی^۱ و ساختار خانواده

ویلیام گود^۲ در این دیدگاه از مفهوم آنومی استفاده کرده و آن را به نهاد خانواده تعمیم داده است. از نظر وی، خانواده کانون پرورش شخصیت فرد است و هرگونه اختلال در آن، به پدیدآمدن شخصیت بزهکار و منحرف منجر می شود. از نظر وی، خانواده وظایفی در قبال فرزندان خود برعهده دارد از جمله: تامین نیازهای جسمی فرزندان، شناخت خود و کشف خویشتن، یادگیری و نقش خانواده به عنوان منبع رشد. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۷۰). از نظر گود اگر اعضای خانواده نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند در این نهاد گسیختگی یا آنومی به وجود می آید و شرایط آنومی ناشی از عوامل مختلفی است که به آن ها اشاره می شود.

- نبود پدر به دلیل مشروعیت نداشتن کودک، فوت، طلاق والدین و...
- وجود انواع بیماری های روانی و جسمی والدین
- وجود روابط ضعیف و غیرعاطفی در میان اعضای خانواده که گود از آن به عنوان خانواده توخالی نام می برد. وی معتقد است در این شرایط، خانواده از حمایت یکدیگر محروم اند و بزهکاری و وندالیسم رخ می دهد. (قنبری و همکاران، ۱۳۹۵)

۴-۵- نظریه ملوین سیمن

«سیمن»^۳ بی شک در زمره نخستین روان شناسانی است که کوشیده مفهوم بیگانگی روانی را در قالبی منظم و منسجم تدوین و تعریف نماید. وی بدو بر این پندار که بیگانگی معلول علتی واحد است خط بطلان می کشد. به نظر سیمن واژه بیگانگی امروزه چنان متداول و عمومیت دارد که در تبیین هر چیزی بدان رجوع می شود. او در اشاره به رواج و توسعه این مفهوم در جامعه معاصر این نکته را متذکر می شود که ساختار بوروکراسی جامعه مدرن شرایطی را ایجاد و ابقاء کرده است که در آن انسان ها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی گردیده و او را به کنشی منفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می دهد. سیمن کوشیده ضمن ارائه تعریفی مفهومی از بیگانگی و مشخص نمودن تیپولوژی آن، صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه گونه را در پنج نوع قابل تمیز که بنظر وی رایج ترین و متداول ترین صور کاربر مفهومی واژه در ادبیات جامعه شناسی و روان شناسی است نشان دهد:

الف) احساس بی قدرتی

عبارت است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که براساس آن کنش او تجهیز گردیده رهنمون نیست. سیمن معتقد است که این مفهوم از بیگانگی بیش از صور دیگر آن در ادبیات معاصر کاربرد دارد.

ب- احساس بی معنایی یا احساس بی محتوایی

این شکل از بیگانگی به نظر سیمن زمانی مشهود است که فرد در باور و عقیده دچار ابهام و تردید و شک است. یعنی نمی داند که به چه اعتقاد داشته باشد. در تصمیم گیری ها عقیده خود را با استانداردهای موجود در جامعه خویش نمی تواند تطبیق دهد. به عبارتی وی در تخمین پیش بینی بالنسبه دقیق رفتار دیگران و نیز برآورد عواقب و نتایج رفتار خود با دشواری روبروست.

ج- بی هنجاری یا احساس نابهنجاری

1 Anomie
2 William Good
3 Seeman

به عقیده سیمین احساسی بی‌هنجاری چون احساس بی‌قدرتی و بی‌معنایی وضعیتی فکری و ذهنی است که در آن فرد این احتمال را به حد مفرطی برخورد مفروض و متصور است که تنها کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازند که مورد تأیید جامعه نیستند.

هـ) احساس انزوای اجتماعی

واقعیتی فکری است که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفعال تامة ای را با ارزش‌های مرسوم در جامعه احساس می‌کند. در این حالت فرد همچنین دارای اعتقاد و باور نازلی نسبت به مکانیسم ارزش‌گذاری و سیستم پاداش اجتماعی است و با هر آنچه که از نظر جامعه معتبر و ارزشمند است خود را هم عقیده و همسو نمی‌بیند. احساس انزوای اجتماعی معیضاً در نظر سیمین به مفهوم فقدان قابلیت سازگاری فرد با زمینه اجتماعی خویش نبوده بلکه مبین انفکاک فکری فرد از استانداردهای فرهنگی است.

و) احساس تنفر یا تنفر از خویش

سیمین میزان و درجه هر رفتاری را بر اساس پاداش‌های مورد انتظار آتی می‌بیند و چون مارکس معتقد است پاداش منحصرأ در خود عمل نهفته نیست بلکه نسبت به کار امری خارجی است.

به نظر سیمین در دنیای صنعتی انسان در بسیاری از حرفه‌ها و مشاغل در روابط تولیدی خاصی وارد می‌شود که در آن کار و تولید فرد را دیگر به هدف و تعالی مورد انتظار رهنمون نمی‌کند. او کار می‌کند بدون آنکه به ارزش واقعی کار خود واقف باشد و از نتایج کار خویش محظوظ و متمتع گردد. در نتیجه باعث زوال و از دست رفتن مفهوم واقعی کار و آغاز نفی خود و تولید است. در چنین وضعیتی فرد را شانس و فرصت لازم جهت خلق و تولید محصولی که او را راضی و خرسند سازد نیست و به نوعی به احساس انزجار از روابط اجتماعی تولید گرفتار است. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸-۶۷).

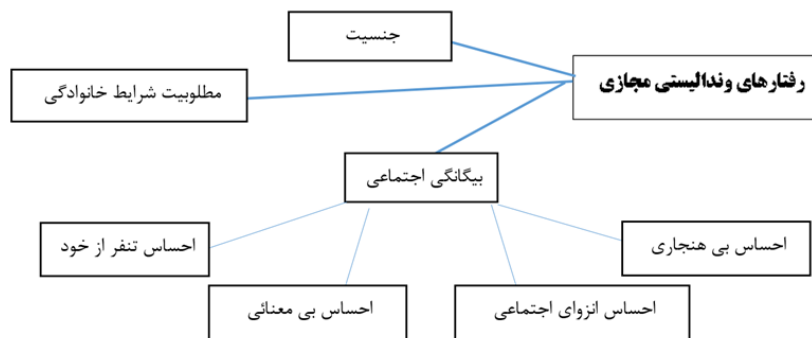
سیمین نیز با استعانت از مفهوم بیگانگی، کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن را مسئول ایجاد شرائطی بداند که در آن انسان قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی بگونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذه از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت‌آمیز در قبال جامعه سوق می‌دهد. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۹۲-۹۱).

۵- چارچوب نظری تحقیق

همان‌طور که در پیشینه تحقیق اشاره شد درباب پدیده وندالیسم و خرابکاری در محیط اجتماعی سخن بسیار رفته که این مسئله را به یک معضل اجتماعی نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان نیز تبدیل کرده است و محدود به برهه زمانی یا مکانی خاص نمی‌شود. اما تاکنون در باب وندالیسم مجازی سخنی به میان نیامده و تنها می‌توان به چند مقاله و یا گزارش درخبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها اشاره کرد که تنها به گزارش‌های مردمی و یا گفت و گو با کارشناسان حوزه علوم ارتباطات و صاحب‌نظران بسنده کرده است و کار علمی جدی‌ای صورت نگرفته است. از همین رو محقق سعی دارد ابتدا با جمع‌آوری و سازماندهی نظریات مرتبط با مسئله‌ی وندالیسم بتواند به الگویی جهت تبیین عوامل مرتبط با بروز پدیده وندالیسم مجازی که به نظر می‌رسد همانند پدیده وندالیسم در محیط‌های اجتماعی در میان جوانان رایج است راه را برای حل این معضل و ارائه راهکار و پیشنهادات برای سایر محققین هموار سازد.

با توجه به نظریاتی که در ابتدای این بخش ذکر شد این موضوع مطرح می‌شود که هیچ کدام از این نظریه‌ها به تنهایی پاسخگوی علل بروز رفتارهای وندالیستی نیستند و نمی‌توانند پدیده وندالیسم مجازی را تفسیر کنند. از میان نظریات فوق نظریه‌های روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان بیشتر با تحقیق حاضر هم‌خوانی دارند. در برخی از این نظریات به بخشی از علل بروز رفتارهای وندالیستی اشاره شده و در برخی دیگر به صورت غیرمستقیم این پدیده تشریح شده است. از آن رو که نهاد خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می‌کند و وجوه شخصیتی و رفتاری وی شکل می‌گیرد و اگر آن را به یک میز تشبیه کنیم اگر ایرادی در پایه‌های آن ایجاد شود عملکرد کلی آن با مشکل مواجه می‌شود. از همین رو خانواده و نقش والدین در تربیت فرزندان به عنوان یکی از عوامل موثر فرض شده که از نظریات ویلیام گود، هارلوک و دوروتی لاونولت استفاده شده است که از نظر ویلیام گود خانواده وظیفی در قبال فرزندان خود برعهده دارد از جمله: تامین نیازهای جسمی فرزندان، شناخت خود و کشف خویش، یادگیری و نقش خانواده به عنوان منبع رشد. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۷۰) از نظر گود اگر اعضای خانواده نتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند در این نهاد گسیختگی یا آنومی به وجود می‌آید. الیزابت هارلوک نیز چون ویلیام گود منشأ نژندی و نابهنجاری را در محیط فامیلی و در ساختارهای خانوادگی جستجو می‌کند و آن را معلول نحوه تربیت، مکانیسم‌های جامعه‌پذیری خانواده و نیز چگونگی و کیفیت رشد شخصیت کودک در خانواده می‌داند. در نظریه لاونولت نیز وندالیسم نظیر همه رفتارهای نابهنجار از عوامل رفتاری آسیب‌زای خانواده سرچشمه می‌گیرد. خصوصاً اگر کودک در محیط خانوادگی توأم با خشونت زندگی کند یاد می‌گیرد سبزه جویی کند. از این منظر وندالیسم در محیط خانواده آموخته می‌شود. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳)

یکی از عوامل موثر بر بروز رفتارهای وندالیستی را نیز می‌توان مباحث روانشناسی دانست که ملوین سیمین در نظریه خود در ۵ بخش عوامل را دسته‌بندی کرده است که از جمله آن می‌توان به احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی یا بی‌محتوایی، احساس بی‌هنجاری یا نابهنجاری، احساس انزوای اجتماعی و احساس تنفر یا تنفر از خویش اشاره کرد.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۰)

۶- روش شناسی تحقیق

پژوهش گر در این تحقیق به بررسی پدیده وندالیسم مجازی در شبکه اجتماعی اینستاگرام (مطالعه موردی جوانان مشهدی بین ۱۵ الی ۳۵ سال) می پردازد. با توجه به هدف و فرضیه ها، تحقیق حاضر از نوع کاربردی است زیرا مستقیماً با محیط کار مربوط می شود و می توان پس از اتمام تحقیق از نتایج آن استفاده کرد و از حیث روش توصیفی و همبستگی است. (تحقیقات همبستگی برای کسب اطلاع از وجود رابطه بین متغیرها انجام می پذیرد؛ ولی در آن ها الزاماً کشف رابطه علت و معلولی مورد نظر نیست (حافظ نیا، ۱۳۹۳)

جامعه آماری تحقیق شامل ۱۰۸۹۲۲۹ نفر از جوانان مشهدی در بازه سنی ۱۵ الی ۳۵ ساله هستند (آمارنامه شهرداری مشهد، ۱۳۹۵) برای تحقیق حاضر با توجه به ویژگی های جامعه آماری و محدود بودن تعداد شیوه نمونه گیری طبقه ای تصادفی در نظر گرفته شد و جهت تعیین حجم نمونه فرمول کوکران مورد استفاده قرار گرفت که در نهایت ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه در میان این افراد توزیع شد.

جهت اندازه گیری روایی پرسشنامه در این پژوهش از روایی صوری و سازه استفاده شده است، چرا که به دلیل استاندارد بودن پرسشنامه، روایی سازه پرسشنامه قابل اعتماد است. اما باید روایی صوری پرسشنامه از حیث تطابق سوالات با موضوع و مفاهیم مدنظر بررسی می شد بنابراین، سوالات پرسشنامه این پژوهش قبل از توزیع نهایی در میان نمونه آماری، در اختیار استاد راهنما و تعدادی اساتید مجرب قرار گرفت و این اساتید با بررسی تعداد کافی پرسش های مناسب و مرتبط برای اندازه گیری مفهوم مورد سنجش در این پژوهش جهت روایی محتوایی، و بررسی این مساله که عناصر مورد سنجش به طور ظاهری توانایی اندازه گیری مفهوم مورد نظر در این پژوهش را دارند، جهت روایی صوری، ایرادهای وارده به سوالات از هر دو حیث مشخص شد و پس از برطرف نمودن این ایرادها در پرسشنامه توسط پژوهشگر، روایی صوری سوالات مورد تایید این اساتید قرار گرفت.

از آنجایی که آلفای کرونباخ معمولاً شاخص کاملاً مناسبی برای سنجش قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری و هماهنگی درونی میان عناصر پرسشنامه است. بنابراین قابلیت اعتماد پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق به کمک آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. آلفای کرونباخ ارائه شده برای همه متغیرها و نیز کل پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان دهنده این است که پرسش ها دارای همبستگی متقابل مناسب هستند و می توان اظهار داشت که در صورتی که بار دیگر با استفاده از این پرسشنامه و با استفاده از همان پاسخگویان (به طور کلی تحت شرایط مشابه) به اندازه گیری صفت مورد نظر تحقیق بپردازیم تفاوت قابل ملاحظه ای در پاسخ های ارائه شده مشاهده نخواهیم کرد. بنابراین پایایی کل و پایایی به تفکیک متغیرها در این تحقیق برقرار بوده است.

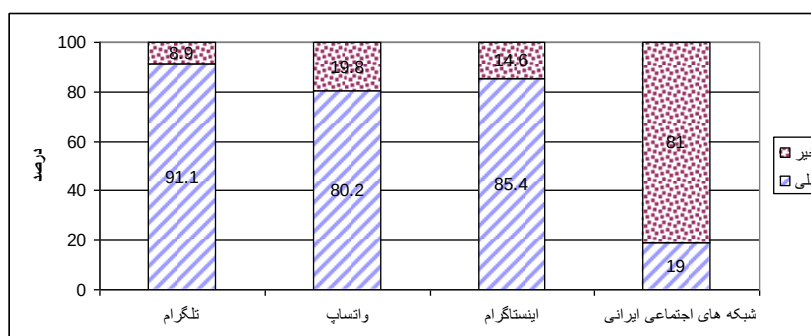
۷- یافته ها

براساس یافته های آماری، ۴۹/۷ پاسخگویان معادل ۱۹۱ نفر مرد و ۵۰/۳ درصد پاسخگویان معادل ۱۹۳ نفر زن بوده اند که در هنگام توزیع پرسشنامه ها نیز سعی بر این شد تا نسبت مردان و زنان مساوی باشد. وضعیت سن افراد در بازه های سنی ۵ ساله مورد بررسی قرار گرفت که بر طبق آمار بیشترین آمار پرسش شوندگان در بازه سنی ۱۵ الی ۲۵ سال قرار داشته اند. ۴۵/۱ درصد در بازه سنی ۱۵ الی ۲۰ سال و ۴۲/۶ درصد در بازه سنی ۲۱ الی ۲۵ سال قرار داشتند. سایر نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بیشتر پاسخ دهندگان با ۷۶/۳ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس بوده اند.

جدول ۱- توزیع فراوانی عضویت در شبکه‌های اجتماعی

هدف	بلی		خیر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تلگرام	۳۵۰	۹۱/۱	۳۴	۸/۹
واتساپ	۳۰۸	۸۰/۲	۷۶	۱۹/۸
اینستاگرام	۳۲۸	۸۵/۴	۵۶	۱۴/۶
شبکه‌های اجتماعی ایرانی مانند سروش، ایتا و غیره	۷۳	۱۹	۳۱۱	۸۱

همانطور که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، وضعیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی تلگرام، ۹۱/۱ درصد بلی و ۸/۹ درصد خیر پاسخ داده‌اند. واتساپ ۸۰/۲ درصد بلی و ۱۹/۸ درصد خیر پاسخ داده‌اند. اینستاگرام ۸۵/۴ درصد بلی و ۱۴/۶ درصد خیر پاسخ داده‌اند. شبکه‌های اجتماعی ایرانی مانند سروش، ایتا و غیره ۱۹ درصد بلی و ۸۱ درصد خیر پاسخ داده‌اند. در نمودار هیستوگرام وضعیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی در نمونه رسم گردیده که نتایج فوق را به وضوح به تصویر کشیده است.



نمودار ۱ درصد فراوانی وضعیت عضویت در شبکه‌های اجتماعی

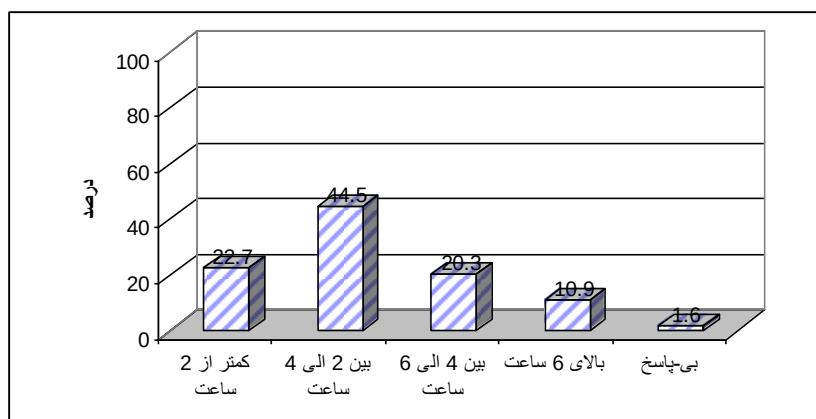
متوسط استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی

در این قسمت، وضعیت متوسط استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته و داده‌های گردآوری شده در جدول و نمودار توصیف می‌شوند.

جدول ۲- توزیع فراوانی وضعیت متوسط استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی

متوسط استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی	فراوانی	درصد
کمتر از ۲ ساعت	۸۷	۲۲/۷
بین ۲ الی ۴ ساعت	۱۷۱	۴۴/۵
بین ۴ الی ۶ ساعت	۷۸	۲۰/۳
بالای ۶ ساعت	۴۲	۱۰/۹
بی‌پاسخ	۶	۱/۶
جمع	۳۸۴	۱۰۰

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، وضعیت متوسط استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی در نمونه تحت بررسی شامل ۲۲/۷ درصد کمتر از ۲ ساعت، ۴۴/۵ درصد بین ۲ الی ۴ ساعت و ۲۰/۳ درصد بین ۴ الی ۶ ساعت و ۱۰/۹ درصد بالای ۶ ساعت بوده است. ۱/۶ درصد به این سوال پاسخ ندادند. در نمودار ۲ هیستوگرام وضعیت متوسط استفاده روزانه از شبکه‌های اجتماعی در نمونه رسم گردیده که نتایج فوق را به وضوح به تصویر کشیده است.



نمودار ۲- وضعیت متوسط استفاده روزانه از شبکه های اجتماعی

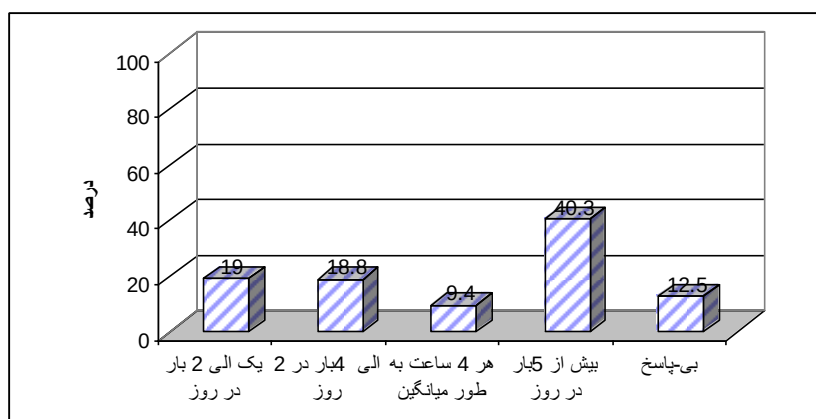
تعداد دفعات مراجعه به اینستاگرام شامل چک کردن، پست گذاری، کامنت و...

در این قسمت، وضعیت تعداد دفعات مراجعه به اینستاگرام شامل چک کردن، پست گذاری، کامنت و... مورد تحلیل قرار گرفته و داده های گردآوری شده در جدول و نمودار توصیف می شوند.

جدول ۳- توزیع فراوانی وضعیت تعداد دفعات مراجعه به اینستاگرام شامل چک کردن، پست گذاری، کامنت

تعداد دفعات مراجعه	فراوانی	درصد
یک الی ۲ بار در روز	۷۳	۱۹
۲ الی ۴ بار در روز	۷۲	۱۸/۸
هر ۴ ساعت به طور میانگین	۳۶	۹/۴
بیش از ۵ بار در روز	۱۵۵	۴۰/۳
بی پاسخ	۴۸	۱۲/۵
جمع	۳۸۴	۱۰۰

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می گردد، وضعیت تعداد دفعات مراجعه به اینستاگرام شامل چک کردن، پست گذاری، کامنت و... در نمونه تحت بررسی شامل ۱۹ درصد یک الی ۲ بار در روز، ۱۸/۸ درصد ۲ الی ۴ بار در روز و ۹/۴ درصد هر ۴ ساعت به طور میانگین و ۴۰/۳ درصد بیش از ۵ بار در روز بوده است. ۱۲/۵ درصد به این سوال پاسخ ندادند. در نمودار ۴-۸ هیستوگرام وضعیت تعداد دفعات مراجعه به اینستاگرام شامل چک کردن، پست گذاری، کامنت و... در نمونه رسم گردیده که نتایج فوق را به وضوح به تصویر کشیده است.



نمودار ۳- وضعیت تعداد دفعات مراجعه به اینستاگرام شامل چک کردن، پست گذاری، کامنت و...

همچنین آمارهای بسیار گوناگونی از میزان حضور ایرانیان در شبکه های اجتماعی ارائه گردیده است که برطبق این تحقیق و درمیان جوانان مشهودی، بیشترین میزان حضور بین ۲ الی ۴ ساعت با ۴۴/۵ درصد و کمتر از ۲ ساعت با ۲۲/۷ درصد بوده است.

۸- نتیجه گیری

فرضیه اول به بررسی این موضوع پرداخته است که میان روابط خانوادگی و تربیت افراد در خانواده و بروز رفتارهای وندالیستی در فضای مجازی رابطه مستقیم وجود دارد. خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی و جامعه کوچکی که کودک در آن حضور می‌یابد، رشد می‌کند و برای حضور در جامعه‌ای بزرگتر آماده می‌شود. قطعاً نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای او دارد. بر همین اساس، عامل خانواده به عنوان یکی از متغیرهای مستقل در بروز رفتارهای وندالیستی در فضای مجازی در پرسشنامه مورد بررسی و مطلوبیت شرایط خانوادگی و میزان اعتماد والدین با فرزندان در قالب گویه‌های مختلف مورد سنجش قرار گرفت. با توجه به آمارهای به دست آمده در فصل ۴ مشخص گردید میان عامل خانواده و تربیت فرزندان و بروز رفتارهای وندالیستی در فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد و نمیتوان از نقش آن غافل شد. شکوه عزیزی (۱۳۹۵) در پژوهش خود که با عنوان بررسی عوامل موثر بر پدیده وندالیسم و ارتباط آن با ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی در نوجوانان دبیرستانی شهر بندرعباس منتشر کرده دانش‌آموزان پایه‌های نهم و دهم دبیرستان‌های شهر بندرعباس را به عنوان جامعه آماری انتخاب کرده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که عامل اجتماع، فردی و خانواده به ترتیب بیشترین تأثیر را بر بروز رفتارهای وندالیستی در میان نوجوانان دارد. وی توجه به عوامل اجتماعی و بهبود عملکرد تحصیلی را به عنوان راهکارهای موثر برای پیشگیری و کاهش رفتارهای وندالیستی معرفی کرده است.

فرضیه دوم بیانگر این موضوع است که میان بیگانگی اجتماعی و بروز رفتارهای وندالیستی در فضای مجازی رابطه مستقیم وجود دارد. بیگانگی اجتماعی از جمله عواملی است که خود دارای مولفه‌های گوناگونی شامل تنفراز خود و تنفر فرهنگی، انزوای اجتماعی، احساس بی‌معنایی، بی‌قدرتی و بی‌هنجاری است. برای هر یک از موارد فوق در پرسشنامه‌ای که به صورت استاندارد تهیه شده بود گویه‌های مختلفی در نظر گرفته شد و این فرضیه با توجه به داده‌های آماری فصل ۴ مورد تأیید قرار گرفت. به این معنا که میان بیگانگی اجتماعی در افراد و بروز رفتارهای وندالیستی رابطه معناداری وجود دارد. افشانی و جواهرچیان (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «بررسی نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد» به این نتیجه رسیدند که یگانگی اجتماعی و ابعاد آن در وندالیسم و ابعاد آن تأثیر مستقیم و معناداری دارد؛ به عبارت دیگر با افزایش میزان بیگانگی اجتماعی، میزان وندالیسم نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش فوق با نظریه سیمن در مورد نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم هماهنگی دارد.

فرضیه سوم در نهایت به این موضوع اشاره کرده است که میان جنسیت افراد و بروز رفتارهای وندالیستی مجازی تفاوت معنادار وجود دارد. در این فرضیه و براساس یافته‌های به دست آمده و باتوجه به اینکه میزان فراوانی زنان و مردان در نمونه آماری تقریباً مساوی بود مشخص گردید بین جنسیت افراد و بروز رفتارهای وندالیستی مجازی تفاوت معنادار وجود نداشت و این بدان معناست که مردان و زنان می‌توانند رفتارهای وندالیستی را به نسبت یکسان از خود بروز دهند.

می‌توان گفت در اکثریت تحقیقات مرتبط با وندالیسم به مسئله جنسیت به عنوان یکی از فرضیه‌های مرتبط با بروز رفتارهای وندالیستی اشاره شده است به عنوان مثال علیرضا محسنی تبریزی که به طور ویژه به بررسی وندالیسم و عوامل موثر بر آن پرداخته است در تحقیق خود با عنوان «مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق» نتیجه گرفت: وندال‌ها از حیث پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین، گروه سنی، جنسیت، وضعیت مهاجرت، وضعیت آموزشی، مطلوبیت شرایط خانوادگی، تجارب نخستین دوران کودکی، نحوه جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی، نوع گروه‌های عضویتی، الگوی گذران اوقات فراغت، نحوه سرپرستی عاطفی، سیستم‌های پاداش و مجازات، خلق و خو، انتظارات، موضع‌گیری‌ها و رفتارها با نوجوان و جوانان غیر وندال متفاوت بوده‌اند. در این تحقیق به مسئله جنسیت به عنوان یکی از عوامل موثر در بروز رفتارهای وندالیستی اشاره شده است که با نتیجه به دست آمده در تحقیق فوق متفاوت است و این مغایرت را می‌توان ناشی از ماهیت متفاوت تخریب در فضای سایبر با تخریب در فضای واقعی دانست. حسین آذرمنش (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «مقایسه تخریب سنتی با تخریب در فضای سایبر» به بررسی تخریب در فضای جامعه و تخریب در فضای مجازی می‌پردازد و به این موضوع اشاره دارد که تخریب در دنیای مادی به صورت عینی اتفاق می‌افتد اما تخریب سایبری در فضای مجازی رخ می‌دهد و به صورت غیرملموس و انتزاعی است. این تحقیق که از جنبه جرم‌شناختی به موضوع وندالیسم پرداخته در نهایت به این نتیجه دست یافته است که ماهیت تخریب سنتی با تخریب سایبری متفاوت است و از نظر کیفیت، بستر و فضای ارتکاب جرم با یکدیگر متمایز هستند.

به طور کلی نمی‌توان تاریخ دقیقی برای شروع رفتارهای وندالیستی عنوان کرد اما بدون شک میتوان این پدیده را با گسترش شبکه‌های اجتماعی در میان کاربران اینترنت مصادف دانست. هرچند با نگاهی گذرا به رویدادهای رخ داده در سال‌های اخیر مشاهده می‌گردد که اغلب موارد در ۱۰ سال گذشته رخ داده است. پدیده وندالیسم مجازی منحصر به شبکه اجتماعی خاصی نیست و تاکنون موارد مشابهی از آن در فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام مشاهده شده است که به ظاهر در اکثر موارد توسط کاربران ایرانی و یا فارسی‌زبانان بوده است. در پژوهش حاضر، شبکه اجتماعی اینستاگرام به عنوان مطالعه موردی و به عنوان دومین شبکه اجتماعی پرکاربرد در میان ایرانیان براساس نظرسنجی‌های مرکز افکارسنجی ایسپا انتخاب گردیده است. مرسوم است که در انتهای هر پژوهش و با توجه به یافته‌های به دست آمده، محقق پیشنهادات کاربردی جهت حل معضل مورد بررسی در تحقیق ارائه نماید. اما با توجه به گستردگی موضوع و اینکه در این تحقیق تنها بخشی از عوامل ایجادکننده رفتارهای وندالیستی در فضای

مجازی مورد بررسی قرار گرفته است، پژوهشگر از ارائه پیشنهاد صرف نظر کرده و ارائه پیشنهاد در جهت حل این معضل را به عنوان تحقیقی مستقل به سایر پژوهشگران علاقه مند به حوزه شبکه های اجتماعی پیشنهاد می نماید.

لازم به ذکر است با جستجو در اینترنت و مطالب اندکی که توسط پژوهشگران، صاحب نظران و فعالان عرصه ی فضای مجازی در خصوص پدیده وندالیسم مجازی نگاشته شده است به مواردی هم چون آموزش سواد رسانه ای به کاربران اینترنت، خصوصی کردن صفحات شخصی در شبکه های اجتماعی، بلاک کردن افراد خاطی و یا مراجعه به مراجع قضایی و پلیس فتا به منظور مقابله با رفتارهای وندالیستی در فضای مجازی برمی خوریم. در مورد مراجعه به مراجع قضایی می بایست خاطرنشان کرد جرم توهین رایانه ای در هیچ ماده ای از قوانین ذکر نشده و بدون مجازات ماندن مرتکبان جرم توهین در فضای مجازی بر ارتکاب روز افزون آن خواهد افزود. نکته قابل توجه این است که توهین در فضای مجازی از مصادیق هتک حرمت به افراد محسوب می شود و برطبق قوانین می توان با استناد به مفاد توهین به افراد مجازات های نقدی و غیرنقدی که در مفاد مختلف قانون به آن اشاره شده است با افراد خاطی برخورد کرد.

منابع

۱. اشرف، احمد (۱۳۵۴) کثرتفاری مسائل انسانی و آسیب شناسی اجتماعی، مجموعه گفتارهای درسی آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی
۲. ایزدی، پیروز (۱۳۸۵). نظریه پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی، فصلنامه رسانه. سال هفدهم شماره ۳.
۳. ایلالی، سیدحسن (۱۳۹۵)، الگوهای رفتاری ایرانیان در شبکه های اجتماعی مجازی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. آذریان قهفرخی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی نظریه تاثیر تقلید بر رفتار اجتماعی گابریل تارد، کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی
۵. آذین منش، حسین (۱۳۹۳). مقایسه تخریب سنتی با تخریب در فضای سایبر، پایان نامه کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی شهید اشرفی اصفهانی، دانشکده علوم انسانی
۶. بی نام (۱۳۹۵). وبسایت خبری تابناک. اوج گیری وندالیسم مجازی با حمله گروهی از کاربران ایرانی به صفحه افراد مشهور. <https://b2n.ir/a79769>. ۱۳۹۸.
۷. بی نام (۱۳۹۵) چرا جوانان ایرانی در اینستاگرام افراد مشهور فحاشی می کنند؟ <https://b2n.ir/366499>. ۱۳۹۸.
۸. پاکزاد، بتول (۱۳۸۸) تروریسم سایبری، رساله دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی
۹. حقی، سعید (۱۳۹۵)، سنجش مساله اجتماعی وندالیسم و بررسی عوامل موثر بر آن در بین دانش آموزان دوره دبیرستان شهرستان بویراحمدر در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
۱۰. سرلک، صادق (۱۳۹۷). چالش های امنیت ملی در فضای مجازی مطالعه موردی، تروریسم مجازی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۱۱. سفیری، خدیجه، رجبو، علی و قلیزاده، صغری (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اعتماد بین شخصی و احساس امنیت اجتماعی در شبکه های اجتماعی مجازی (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه الزهرا و شهید بهشتی). پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، ۴۱ (۱)، ۵۲-۲۷.
۱۲. سلیمانی پور، رضا، ۱۳۸۹، شبکه های اجتماعی: فرصت ها و تهدیدها، فصلنامه ره آورد نور، شماره ۴۸.
۱۳. صالح نژاد، حسن (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی در بین دانش آموزان دبیرستانی و پیش دانشگاهی شهرستان سقز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز
۱۴. عزیزی، شکوه (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر پدیده وندالیسم و ارتباط آن با ویژگی های شخصیتی و عملکرد تحصیلی در نوجوانان دبیرستانی شهر بندرعباس. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم پایه
۱۵. عطوان، مریم (۱۳۹۱). تحلیل خرابکاری رایانه ای در قانون جرایم ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۱۶. فشانی، علیرضا و جواهرچیان، ندا (۱۳۹۵). بررسی نقش بیگانگی اجتماعی در وندالیسم در بین دانش آموزان دوره اول و دوم متوسطه شهر یزد. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۲)، ۱-۲۴.
۱۷. قدیم زاده، سمیه (۱۳۹۵). مطالعه جرم شناختی وندالیسم سایبری و تروریسم سایبری و راهکارهای پیشگیری از آن ها، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان گروه حقوق.
۱۸. قنبری، ابوالفضل، طاهونی، مهدیه، قادری، ناصر (۱۳۹۵) بررسی عوامل تاثیرگذار بروز وندالیسم در مبلان شهری (مطالعه موردی: شهر تبریز). پژوهش های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دوره ۴ شماره ۴، ۵۶۹-۵۸۶.
۱۹. کوثری، مسعود (۱۳۸۴)، آنومی اجتماعی در اجتماعات مجازی، مجله علوم اجتماعی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار و تابستان ۱۳۸۴ شماره ۳ و ۲، ۱۷۱-۱۹۴.

۲۰. کوثری، مسعود، نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۸)، پتانسیل آنومی اجتماعی در مناطق حاشیه ای شهر تهران. دانشگاه آزاد اسلامی معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم، تهران.
۲۱. گروسی، اکرم، گروسی، حسین (۱۳۹۴). بررسی جرم شناختی تأثیر شبکه های اجتماعی بر امنیت اخلاقی، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، ۳۲ (۴)، ۵۴-۴۳.
۲۲. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۴). بررسی وندالیسم در تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۳. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹). مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته های یک تحقیق، نامه ی علوم اجتماعی، ۱۶۱، ۱۹۲-۲۲۷.
۲۴. مرادی، علی رضا (۱۳۶۵). خصوصیات شخصیتی نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس
۲۵. ممتاز، فریده (۱۳۸۰)، مفهوم کج رفتاری از دیدگاه دورکیم، پژوهشنامه علوم انسانی، ۳۰، ۸۵-۷۵.
۲۶. نادری، حمداله؛ بنی فاطمه، حسین؛ حریری اکبری، محمد (۱۳۸۸). الگوسازی ساختاری رابطه ی بیگانگی و بی تفاوتی اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان، ۵۹-۲۹.
27. Nikola M. Petrović (2009) Attitudes of youth towards cyber vandalism. Victimology Society of Serbia and Prometej-Beograd. 75-87
28. Jin, Long, Chen, Yang, Wang, Tianyi, Hui, Pan, (2013), Understanding User Behavior in Online Social Networks: A Survey, IEEE Communications Magazine.
29. O'Donovan, Francis T. (2013), CHARACTERIZING USER BEHAVIOR AND INFORMATION PROPAGATION ON A SOCIAL MULTIMEDIA NETWORK,
30. Clinard, M , Meirer , R., (1986) Sociology of deviant behavior. N.Y: Holt Rinehart and Winston.

بررسی نقش سرمایه اجتماعی شهروندان بر میزان گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگران؛ مورد مطالعه: شهروندان شهر بابلسر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۳۰

کد مقاله: ۱۴۴۳۲

وحید دستیار^۱؛ شجاعت پورصدیقی^۲؛ سلیمان نسترن^۳

چکیده

سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان به عنوان شالوده‌ی توسعه‌ی گردشگری به شمار آورد، که بدون شک، کنش جامعه‌ی میزبان در تعامل با گردشگر تأثیر مهمی در رونق گردشگری دارد. با توجه به افزایش همه‌ساله ورود گردشگر به شهر بابلسر، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی افراد بر گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگر پرداخته است. روش این پژوهش پیمایشی است و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۲ نفر به عنوان نمونه، تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای - چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بوده که برای تعیین اعتبار آن از اعتبار صوری و جهت تعیین پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Spss و Amos در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی و رگرسیون) استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین سرمایه‌ی اجتماعی (با سه بُعد اعتماد، پیوند و مشارکت اجتماعی) شهروندان و گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگران رابطه‌ی معناداری وجود دارد. مدل مسیر نشان داد که سرمایه اجتماعی ۴۲ درصد از واریانس متغیر گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگران را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: گردشگری، ورود گردشگر، گرایش، سرمایه اجتماعی، بابلسر.

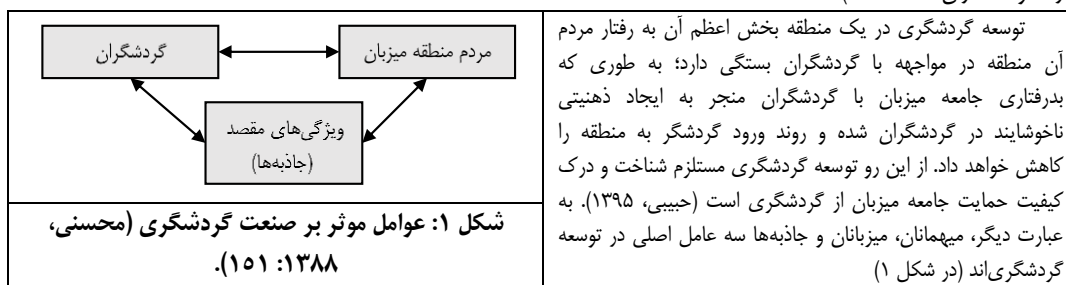
۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. (نویسنده مسئول)
Vdastyar95@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان، دهقان، ایران.

۱- مقدمه

امروزه گردشگری بعد از صنعت نفت و خودروسازی به سومین صنعت بزرگ دنیا به منظور ایجاد درآمد و اشتغال در جهان تبدیل شده است. براساس پیش‌بینی‌های سازمان گردشگری جهانی^۱، تعداد گردشگران تا سال ۲۰۲۰ از مرز یک میلیارد نفر خواهد گذشت؛ این در حالی است که درآمد اقتصادی ناشی از این صنعت تا همین سال (۲۰۲۰) بیش از دو هزار میلیارد دلار برآورد شده است. در این میان، ایران کشوری با جاذبه‌های گردشگری فراوان؛ در فهرست ده کشور برتر جهان از لحاظ جاذبه‌های گردشگری قرار دارد و برای هر سلیقه‌ای انگیزه کافی برای سفر به کشور را به وجود می‌آورد (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۸). اثرات اجتماعی و فرهنگی گردشگری شیوه‌هایی هستند که در آن گردشگری تغییراتی را در نظام‌های ارزشی، رفتار فرد، روابط خانواده، سبک زندگی جمعی، مراسم سنتی و سازمان‌های اجتماعی ایجاد می‌کند. گردشگران در مدت اقامت در مقاصد گردشگری با ساکنان محلی ارتباط و تماس برقرار می‌کنند و نتیجه حاصل از روابط متقابل آن‌ها در کیفیت زندگی، نظام ارزشی، تقسیم کار، روابط خانوادگی، الگوهای رفتاری، آداب و سنت‌های جامعه‌ی میزبان، تغییراتی را به وجود می‌آورد (رضوانی، ۱۳۸۷: ۹۳). تحقیقات در رابطه با عملکرد و به تبع اثرات اجتماعی فرهنگی گردشگری به دلیل چشم‌اندازهای مختلفی که محققان در پیش گرفته‌اند جهت‌های متفاوتی یافته است. مروری بر ادبیات موضوع نشان می‌دهد که درباره‌ی اثرات گردشگری به ویژه از دیدگاه اقتصادی و زیست‌محیطی، تحقیقات خوبی انجام شده است. لکن اخیراً محققان به کشف و توصیف اثرات اجتماعی گردشگری نیز همت گمارده‌اند (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۸). ایجاد اشتغال، کسب درآمد ارزی، توسعه متوازن، تعادل منطقه‌ای، کمک به صلح جهانی، کمک به سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی، بهسازی محیط، توسعه نواحی روستایی برخوردار از جاذبه‌های گردشگری و پیشگیری از مهاجرت فرستی جمعیت و سایر موارد، از جمله مزایای این بخش می‌باشد. گردشگری فعالیتی چندبعدی و به جاذبه‌ها و خدمات، عوامل، دولت، نهادها و همچنین جامعه میزبان وابسته است. از میان ارکان و اجزای گردشگری، مردم جامعه میزبان (مقصد) به عنوان صاحبان اصلی مقصد گردشگری و نوع نگرش آنها به ورود گردشگران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (علی‌قلی-زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶).



در بین عوامل یاد شده ویژگی‌های میزبانان (مردم منطقه) یکی از عوامل مؤثر و نقش‌آفرین در جذب گردشگر می‌باشد. تحقیقات نشان داده است بی‌توجهی و نبود برنامه‌ریزی در مورد تأثیرات اجتماعی گردشگران بر منطقه گردشگری باعث بروز واکنش‌هایی نامناسب در برابر گردشگران از طرف میزبانان (مردم منطقه) می‌شود (مارگاتر^۲ و همکاران، ۲۰۱۲: ۷۳-۶۴). دریو و آرچ^۳ نیز معتقدند بین تصمیمات و رفتار گردشگران پیچیدگی‌های زیادی وجود دارد (دریو و آرچ، ۲۰۰۸: ۲۵۸-۲۴۵). چنانچه گردشگران اطمینان خاطر لازم و امنیت خاطر از منطقه گردشگری را حس نمایند، زمینه جهت بازبیدهای مجدد و تبلیغ جهت حضور دیگر گردشگران را به وجود می‌آورند. از جمله عواملی که نقش مهمی در احساس رضایت و امنیت گردشگران ایفا می‌نماید میزان سرمایه اجتماعی موجود در مردم بومی منطقه می‌باشد. سرمایه اجتماعی، توانایی بهبود همکاری بین افراد جامعه و هماهنگی در روند توسعه گردشگری جامعه‌محور را دارد (لیو^۴ و همکاران، ۲۰۱۴). جوامع و مناطق مختلف اگر می‌خواهند گردشگری خود را توسعه دهند باید بین سرمایه‌ی اجتماعی و صنعت گردشگری خود ارتباطات مناسب و هماهنگی برقرار سازند. سرمایه اجتماعی در واقع به شبکه‌ها، روابط و مبادلات متقابل مربوط می‌شود. در جوامع مختلف، شبکه‌های شخصی کوچک (که بخشی از سرمایه اجتماعی هستند، همچون خانواده) از برخی جهات بسیار بسته هستند، که این می‌تواند یکی از موانع توسعه گردشگری باشد، زیرا مانع از ایجاد دید باز در برابر گردشگران خارجی می‌شود. اما این جوامع می‌توانند با ترویج این مطلب که حضور گردشگران می‌تواند باعث ایجاد مزیت برای منطقه شود، مهمان‌نوازی ساکنان از گردشگران را افزایش دهند. شبکه‌های اجتماعی محلی هم می‌توانند بصورت افقی و عمودی خود را گسترش دهند. شبکه‌های اجتماعی افقی در خانواده‌ها و شبکه‌های اجتماعی عمودی در سازمان‌ها، مناطق و کشورها به وجود می‌آیند. جامعه‌ای که از شبکه‌های اجتماعی افقی قوی تشکیل شده است از سرمایه اجتماعی لازم برای ایجاد فرصت‌های جدید مانند توسعه گردشگری برخوردار خواهد بود. همچنین جامعه‌ای که دارای شبکه‌های اجتماعی عمودی قوی است، در برابر گردشگری ذهنیتی روشن‌تر و بازتر دارند (بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱). بنابراین، می‌توان گفت که گرایش جامعه‌ی میزبان به گردشگر و عوامل مؤثر بر این گرایش، یکی از ارکان مهم و اساسی این صنعت است که اگر در برنامه‌ریزی‌ها به آن توجه

1 WTO
2 Margater
3 Drew and Arch
4 Liu

نشود؛ موجب نقص و ضعف در توسعه‌ی صنعت گردشگری خواهد شد. رفتار و تعاملات مناسب برای جلب و جذب گردشگر از سوی جامعه‌ی میزبان (جامعه مقصد) گردشگری تابع مجموعه‌ای از عوامل و مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و انسان‌شناختی است، که در فرآیند گرایش و نگرش جامعه‌ی میزبان به صنعت گردشگری، به طور کلی، و به گردشگران، به طور خاص، تأثیر بسزایی دارد. دیدگاه مشترکی که در همه مطالعات انجام شده نمایان است، تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان یک عامل مهم در توسعه‌ی مشارکت اجتماعی و توسعه‌ی گردشگری محلی برجسته می‌سازد. این پژوهش در پی بررسی این موضوع است که میزان گرایش شهروندان شهر بابلسر نسبت به ورود گردشگران در چه حدی است؟ و عواملی همچون سرمایه اجتماعی، سن، جنس و میزان تحصیلات افراد، چه تأثیری بر این گرایش دارد؟

۲- مبانی نظری

۲-۱- گردشگری و گرایش

واژه توریسم یا گردشگری نخستین بار در سال ۱۸۱۱ در مجله‌ی انگلیسی به نام اسپورتینگ مگرین (مجله‌ی ورزشی) مطرح شد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۳). این واژه از کلمه تور به معنای گشتن گرفته شده که ریشه در لغت لاتین تورنس^۱ به معنای رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد می‌باشد که از یونانی به اسپانیایی و فرانسه و در نهایت به انگلیسی راه یافته است (عبدالمنافی، ۱۳۹۰: ۹۸). صنعت گردشگری به عنوان یکی از عظیم‌ترین صنایع در دنیا به حساب می‌آید. بسیاری از کشورها این صنعت پویا را به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال و رشد و توسعه ساختار زیربنایی قلمداد می‌کنند. اقتصاددانان افزایش درآمدهای ارزی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمدهای مالیاتی را از جمله دلایل تأثیرگذار گردشگری بر توسعه اقتصادی قلمداد می‌کنند (هولزار^۲، ۲۰۱۰). گردشگری فرایندها، فعالیت‌ها و پیامدهای ناشی از ارتباطات و تعامل بین گردشگران، فروشندگان و دولت میزبان، جوامع میزبان و محیط‌های اطراف که درگیر شده‌اند می‌باشد (سلیمانی هارونی، ۱۳۸۹: ۲۱۴). گردشگری عمل مسافرت کردن و رفتن به جایی غیر از مکان همیشگی و متعارف زندگی به منظور لذت بردن است، حتی اگر این کار با جابه‌جایی کوچکی همراه باشد، با این که هدف اصلی این جابه‌جایی غیر از تفریح و لذت جویی باشد. گردشگر نیز کسی است که این کار را انجام می‌دهد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۳). طبق تعریف کمیته ویژه رم (۱۹۳۷) افرادی که در یک دوره ۲۴ ساعته یا بیشتر به یک کشور خارجی سفر می‌کنند، گردشگر نامیده می‌شوند، و طبق تعریف سازمان جهانی گردشگری (۱۹۹۹) گردشگری عبارت است از مجموعه کارهایی که یک فرد در سفر و در مکانی غیر از محیط عادی خود برای مدتی که کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال نیست، انجام می‌دهد و هدف آن سرگرمی، تفریح، استراحت، ورزش، دیدار با اقوام و آشنایان، کسب و کار، ماموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، درمان، مطالعه، تحقیق، فعالیت‌های مذهبی و فعالیت‌هایی از این قبیل باشد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۴). گردشگری گونه‌های متفاوتی دارد، از جمله‌ی آنها گردشگری هنری، فرهنگی، کاری، آموزشی، بیابانی، مجازی، الکترونیک، فضا، سلامت، ماجراجویانه، ورزشی، مذهبی، قومی - عشایری، روستایی، تجاری - بازرگانی، شهری، طبیعت‌گردی، دریایی و گردشگری تاریخی می‌باشند (رضوانی، ۱۳۸۹)، که اثرات و پیامدهای (منفی و مثبت) فرهنگی و اجتماعی آن‌ها در قالب جدول زیر تشریح شده است.

جدول شماره ۱: اثرات فرهنگی و اجتماعی گردشگری (امین بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱).

پیامدهای بالقوه‌ی منفی فرهنگی - اجتماعی گردشگری	پیامدهای بالقوه‌ی مثبت فرهنگی - اجتماعی گردشگری
- عدم انعکاس مناسب فرهنگ و آداب و رسوم منطقه بازدید شده	- گسترش تبادلات فرهنگی بین گردشگران و افراد بومی
- پوشش نامناسب گردشگران در مواردی و اثرات منفی بر بومیان	- رشد شخصیت و شکوفایی استعدادها و افزایش سطح دانش ساکنین.
- متأثر ساختن جامعه میزبان از آداب و رسوم گردشگران	- بهبود عدالت بین مردان و زنان از جهت دستیابی به فرصت‌های شغلی
- امکان افزایش ناامنی و هرج و مرج در منطقه	- توسعه روابط فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان و مهمان
- تشدید تضاد اجتماعی بین طبقات مختلف مردم	- شناخت مردم از فرهنگ و تمدن کشورهای دیگر
- امکان رایج شدن کالاهای لوکس و گسترش مصرف‌گرایی	- حفظ هنرهای سنتی و آداب و رسوم باستانی
- به خطر افتادن غنای فرهنگی و اصالت فرهنگی جامعه	- احیاء هویت فرهنگی و احساس غرور ملی
- تغییر نحوه‌ی زندگی افراد بومی کشور میزبان	- بهبود کیفیت زندگی جامعه میزبان
- فاصله درآمدی بومیان و گردشگران منجر به اثرات نامایشی می‌گردد	- ایجاد تحول، نوسازی و معرفی فرهنگ محلی

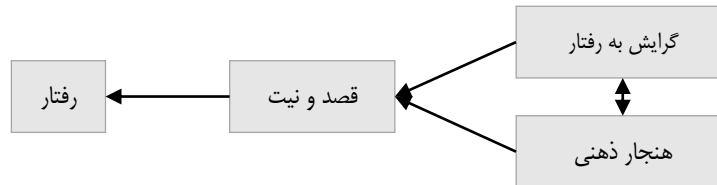
و گرایش عبارت است از یک نوع آمادگی فکری و ذهنی که به وسیله تجربه سازماندهی شده و بر روی عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه‌ی پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سروکار دارد، تأثیری جهت‌دهنده و پویا می‌گذارد (حبیبی، ۱۳۹۵). طبق دیدگاه فیشباین و آیزن^۳، رفتار به دنبال زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید که قصد و نیت به انجام یک رفتار، منجر به وقوع آن

1 turns

2 Holzar

3 Fishbayn and Ajzen

رفتار می‌شود. شکل‌گیری قصد و نیت به نوبه خود تابع دو متغیر است: گرایش به سوی آن رفتار و هنجار ذهنی (آیزن، ۱۹۸۸: ۱۱۶). گرایش به سوی آن رفتار، یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام یک رفتار را از نظر خودش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است. هنجار ذهنی، منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که فرد آن را برای انجام کاری یا رفتاری احساس و ادراک می‌کند (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲). در این نظریه، گرایش تابع دو عامل در نظر گرفته شده است: یکی، انتظار فایده و دیگری، ارزیابی فایده. انتظار فایده به این معنی است که فرد تا چه حد از یک پدیده انتظار فایده دارد. بنابراین، انتظار فایده منعکس‌کننده عواملی چون سروکار داشتن، درک اهمیت و... است. طی ارزیابی فایده، شخص ارزیابی می‌کند که آیا آن پدیده به نظر او برای او فایده داشته است یا نه (حبیبی، ۱۳۹۵: ۴۱).



شکل ۲: جایگاه گرایش در نظریه فیش باین و آیزن (آیزن، ۱۹۸۸: ۱۱۶).

بنابراین، گرایش به سوی آن رفتار و هنجار ذهنی در به وجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و شرایط اجتماعی دارد. گرایش به نوبه خود تابع دو عامل، بُعد شناختی و بُعد رفتاری است. بُعد شناختی نشان می‌دهد که افراد با توجه به تأثیر پیامدهای گردشگری تا چه اندازه خود را با این پیامدها موافق و همسو می‌بینند. بُعد رفتاری نیز نشان می‌دهد افراد با توجه به پیامدهای گردشگری به چه میزان مایلند به فرایند یاد شده (ورود گردشگران) واکنش مثبت و یا منفی نشان دهند (حبیبی، ۱۳۹۵: ۴۱). گرایش می‌تواند متأثر از شرایط و عوامل گوناگونی باشد که در این پژوهش به نقش سرمایه‌ی اجتماعی توجه شده است.

۲-۲- سرمایه‌ی اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی تاریخ طولانی در علوم اجتماعی دارد. اما شهرت آن به دهه نود با مطالعات جیمز کلمن^۱، پیر بوردیو^۲، پاتنام^۳ و فوکویاما^۴ بر می‌گردد. سرمایه اجتماعی، شکل و نمونه‌ی ملموس از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود و موجب توانمندی همدیگر می‌شود، هنجارهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌تواند از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را دربرگیرد، چنین نیست که هر مجموعه‌ای از هنجارهایی با مصداق عینی به تشکیل سرمایه اجتماعی بینجامد در حالی که این هنجارها باید به ایجاد و افزایش همکاری در گروه منجر شود، لذا با فضایل سنتی چون درستکاری، وفای به عهد، قابل اعتماد بودن، روابط متقابل و نظایر اینها مرتبطاند (الوانی و شیروانی، ۱۳۹۰: ۵). از دیدگاه بوردیو، سرمایه‌ی اجتماعی بر پیوندهای اجتماعی کنشگران در شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد. به نظر وی، سرمایه اجتماعی، مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که به مالکیت یک شبکه پایدار متصل است؛ شبکه‌هایی که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه اجتماعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۱). از نظر جیمز کلمن، مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر است. او سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی فرد در نظر می‌گیرد، اما آن را ساخته‌ی منابع ساختارهای اجتماعی می‌داند. در تعیین این که منابع در عمل قابل کاربرد هستند، کلمن معتقد بود که دو عنصر حیاتی نقش مهمی را بازی می‌کنند، میزان واقعی تعهدات موجود و میزان اعتماد موجود در محیط اجتماعی. به صورت ساده از دیدگاه کلمن، سرمایه اجتماعی هنگامی بوجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. وی این گونه ادامه می‌دهد که سرمایه‌ی مادی کاملاً ملموس است و به صورت مادی و قابل مشاهده تجسم یافته است، سرمایه انسانی چندان ملموس نبوده و در مهارت‌ها و دانشی که فردی کسب کرده است تجسم می‌یابد و سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می‌یابد (ماجدی و لهسایی-زاده، ۱۳۸۵: ۹۶). کلمن برخلاف بوردیو معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی صرفاً محدود به طبقه مرفه نبوده بلکه می‌تواند برای طبقات پایین نیز مفید باشد. از نظر کلمن سرمایه‌ی اجتماعی نشان‌دهنده یک منبع است زیرا متضمن شبکه‌های مبتنی بر ارزش-های مشترک و اعتماد می‌باشد (فیلد، ۱۳۸۸: ۳۸). در این خصوص پاتنام معتقد است سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می‌کند (پاتنام، ۲۰۱۳). و فوکویاما معتقد است، سرمایه اجتماعی، هنجارهای غیررسمی جافتاده‌ای است که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند و موجب می‌شود اعضای جامعه باهم مشارکت کنند (فتاحی و اخلاصی، ۲۰۱۳). به طور خلاصه، سرمایه اجتماعی مفهومی است که می‌توان آنرا با شاخص‌هایی نظیر

1 James Colman
2 Pierre Bourdieu
3 Patenam
4 Fokoyama

اعتماد به دیگران، تقابل اجتماعی، مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های مدنی، یکپارچگی و وحدت در جهت منافع متقابل، کارآمدی جمعی، تمایل به همکاری با شبکه‌های رسمی و غیررسمی و هنجارهای اجتماعی تعریف کرد (مسعودنیا، ۱۳۸۹: ۱۶۴). در پژوهش حاضر شاخص‌های سرمایه اجتماعی در سه بُعد اعتماد اجتماعی، پیوند اجتماعی و مشارکت اجتماعی تقسیم گردید. در زیر به تشریح هر یک از این ابعاد پرداخته می‌شود.

۲-۳- اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی، شامل اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته (به محیط) و اعتماد نهادی است، که در این پژوهش تمرکز بر اعتماد تعمیم‌یافته (به محیط) می‌باشد. منظور از آن اعتماد به افراد ناشناس است. به طور معمول، سطح اعتماد در میان خانواده‌ها در همه‌ی جوامع بالاست. آنچه باعث ایجاد تفاوت‌های اساسی میان کشورها و مناطق می‌شود، میزان اعتماد تعمیم‌یافته است (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳). پاتنام، اعتماد را به دو نوع اجتماعی و شخصی دسته‌بندی کرده است و اعتماد اجتماعی را برای جامعه سودمندتر دانسته است (پاتنام، ۲۰۱۳). اعتماد اجتماعی برخلاف اعتماد فردی از شبکه‌های موجود در امور اجتماعی، مدنی و هنجارهای متقابل ناشی می‌شود (الوانی و شیروانی، ۱۳۹۰: ۵). اعتماد یکی از جنبه‌های اساسی روابط انسانی و اجتماعی در میان افراد و نهادهای اجتماعی است و در جریان کنش‌های متقابل بین گروه‌های اجتماعی، نقش مهمی را در ایجاد نظم و یکپارچگی اجتماعی و نیز حفظ آنها برعهده دارد. در عین حال، اعتماد اجتماعی، از عناصر مهم در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌شود و بستر ساز تعاملات اجتماعی است (تبریزی و آقامحسنی، ۱۳۸۹). برای مثال گروهی که اعضایش به یکدیگر اعتماد زیادی دارند نسبت به گروهی که فاقد این ویژگی هستند، موفق‌ترند و کارایی بیشتری دارند (دستیوار و محمدی، ۱۳۹۷).

۲-۴- پیوند اجتماعی

این مفهوم به پیوندها و ارتباطات میان اعضای یک شبکه به مثابه‌ی منبع بالارزشی که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضاء می‌شود، اشاره دارد (امیرخانی و پورعزت، ۱۳۸۷: ۱۹). آنچه که در سرمایه اجتماعی و مفهوم آن مطرح می‌شود، سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی و همچنین افزایش، گسترش و به اشتراک گذاشتن منابع در روابط و یا از طریق آن برای تسهیل کنش جمعی و گسترش اعتماد و بده و بستان در جامعه است، از این رو، روابط اجتماعی، بستر اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (شجاعی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱). شبکه‌ی روابط اجتماعی که ارتباطات بین افراد درون جامعه را مورد کنکاش قرار می‌دهد. احساس تعلق محصول روابط اجتماعی محسوسی است که توسط جامعه درک شده و تأثیرات زیادی می‌تواند بر روی آسیب‌های اجتماعی به خصوص در شهرها داشته باشد (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳). پیوندهای اجتماعی به تعامل رسمی و غیررسمی میان افراد منجر می‌شود که نتیجه آن سرعت بخشیدن به توسعه‌ی مطمئن در مناطق می‌باشد (راچماواتی^۱، ۲۰۱۴). بنابراین پیوند اجتماعی بخشی از سرمایه‌ی اجتماعی که با داشتن آن جامعه‌ی میزبان می‌تواند رضایتمندی گردشگران را فراهم نماید.

۲-۵- مشارکت اجتماعی

مشارکت برابر است با کسب قدرت به معنای توان دسترسی به منابع لازم برای حفظ معیشت و کنترل این منابع. ارتباط سازنده‌ای بین مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد و هم‌افزایی این مفاهیم با سرمایه‌ی اجتماعی به اثبات رسیده‌است (زارع و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷۴). بنابراین، مشارکت در گردشگری، مردم محلی را به حمایت از فعالیت‌های گردشگری تشویق می‌کند و مردم محلی می‌توانند منبع خوب اطلاعاتی باشند که برای دیگران قابل دسترس نیست. همچنین آن‌ها می‌توانند توسعه‌ی متناسب گردشگری را با سبک و سرعتی که مطابق با نیازها و اشتیاق‌های آن‌هاست، شناسایی کنند (کارود^۲، ۲۰۰۳).

۳- پیشینه پژوهش

جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند، اعتماد و بروز رفتارهای اخلاقی آن‌ها افزایش و میزان جرائم اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد. همچنین با ارتقاء سرمایه‌ی اجتماعی، امنیت جامعه را افزایش داده که این خود زمینه‌ی جذب هر چه بیشتر گردشگران را فراهم می‌کند (امین‌بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). با این اوصاف در پژوهش‌ها و مطالعاتی چند به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در گردشگری و بر میزان گرایش به ورود گردشگر اشاره شده است. ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت در توسعه گردشگری پایدار با نقش میانجی اثرات گردشگری در شهر سرعین" نشان دادند که بین سرمایه اجتماعی و سه متغیر اثرات اقتصادی گردشگری، اثرات اجتماعی - فرهنگی گردشگری و مشارکت در توسعه گردشگری پایدار رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. حبیبی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تمایل به ورود گردشگر در شهرستان مریوان" نشان داد که بین سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت)، میزان تحصیلات و جنسیت جامعه میزبان با گرایش آن‌ها به ورود گردشگر رابطه معناداری وجود دارد، اما بین سن و

1 Rachmawati
2 Garrod

گرایش آن‌ها به ورود گردشگر رابطه معناداری وجود ندارد. میرفردی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان گرایش به ورود گردشگر در شهر یاسوج" نشان دادند که بین سرمایه اجتماعی، سن و جنسیت پاسخگویان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ی معناداری وجود دارد، اما بین میزان تحصیلاتشان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. در پژوهش‌های دیگری نشان داده شد که سرمایه‌ی اجتماعی جامعه‌ی میزبان به طور مستقیم بر جذب گردشگر (امین‌بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱، محمدی و همکاران، ۱۳۹۴)، توسعه‌ی گردشگری (اکبریان رونیزی، ۱۳۹۲)، توسعه بازاریابی گردشگری (دیانی و همکاران، ۱۳۹۲) و میزان تمایل به گردشگری (غفاری و معاون، ۱۳۹۲) موثر بوده است. هوانگ و استوارت^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی در کره جنوبی، سرمایه اجتماعی را به عنوان نوع خاصی از ارتباطات شخصی گسترش می‌دهد که اقدام جمعی اجتماع مقصد را برای توسعه گردشگری روستایی تشویق می‌کند. نتایج نشان داد که کیفیت شبکه اجتماعی فردی با تمایل به مشارکت در توسعه گردشگری در ارتباط است. علاوه بر این، در مقایسه با روابط شخصی انفرادی میان ساکنان، شبکه‌های اجتماعی موجود، برای افزایش اقدام جمعی ساکنان حیاتی هستند. راجماواتی^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی در اندونزی، تشریح می‌کند که سرمایه اجتماعی در یک مقصد گردشگری بر توسعه اکوتوریسم در یک سایت خاص تأثیر می‌گذارد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین شبکه‌بندی، مشارکت اجتماعی و توسعه اکوتوریسم ارتباط مثبت وجود دارد، ولی اعتماد و هنجار ارتباطی با توسعه اکوتوریسم ندارند. پایمین^۳ و همکاران (۲۰۱۴) موانع مشارکت اجتماعی را در گردشگری روستایی در منطقه‌ای در مالزی مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که موانع اصلی مشارکت اجتماعی در گردشگری شامل: دانش محدود درباره گردشگری، فقدان سرمایه، عدم توانایی ارتباط خوب از طریق زبان انگلیسی، فقدان اطلاعات درباره توسعه گردشگری منطقه مورد مطالعه و مشوق‌ها یا حمایت‌های محدود دولت از توسعه گردشگری می‌باشد. پونگ پان رات و چانترادون^۴ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «عملکرد سرمایه اجتماعی در طرح مشارکتی اجتماع گردشگری در جزیره‌ی سامویی تایلند» دریافتند که عناصر سرمایه اجتماعی موجب مشارکت بیشتر در میان افراد محلی شده و سطح تحصیلات افراد می‌تواند عملکرد حیاتی برای موفقیت طرح فعالیت‌های گردشگری محلی داشته باشد. یی مین لی^۵ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی دستفروشی‌ها (کیوسک‌های خوراکی) بر درگیر کردن اوقات فراغت گردشگران در تایوان» به این نتیجه رسیده‌اند که: شکل‌های اعتماد اجتماعی در این تحقیق به عنوان هسته‌ی سرمایه اجتماعی نمایان است. دو بعد سرمایه اجتماعی شامل مشارکت و اعتماد اجتماعی در میان بخش دستفروشی‌ها تأثیر مستقیم، مهم و مثبت برای درگیر کردن اوقات فراغت گردشگران به منظور خوردن خوراکی و غذا به عنوان یک فعالیت فراغتی داشته است. به هرحال با بررسی تعاریف متعددی که از سرمایه اجتماعی ارائه شده است، در کل ملاحظه می‌شود این مفهوم وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف و منافع فردی و گروهی جامعه به شمار می‌آید و دربردارنده معیارهایی همچون اعتماد، همکاری، همبستگی، مشارکت و رابطه متقابل بین اعضای یک گروه است. به نحوی که سرمایه اجتماعی، سبب می‌شود گروه به سمت ارزش‌ها و هنجارهای تحسین شده و مثبت در جامعه گام بردارد. هرچند شهرها از دیرباز مهمترین مناطق گردشگری بوده‌اند، اما صرف وجود جاذبه‌ی گردشگری در مناطق شهری برای توسعه‌ی گردشگری، کافی نیست. پس لازم است که دیگر ارکان و عناصر مرتبط با صنعت مذکور از جمله سازمان‌ها و نهادها و همچنین مردم جامعه‌ی مقصد گردشگری شرایطی را برای جلب گردشگر فراهم نمایند. بنابراین در جهت توسعه‌ی گردشگری و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی بررسی رابطه بین این دو ضروری به نظر می‌رسد. شهر بابلسر، با داشتن شرایط آب و هوایی و تفرجگاه‌های زیبا و مطبوع، زمینه توسعه‌ی صنعت گردشگری را دارد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و تمایل به ورود گردشگر در شهر بابلسر است و در پی پاسخگویی به این سوال است که میزان سرمایه اجتماعی جامعه میزبان چقدر در تمایل به ورود گردشگر اثرگذار است؟. ملهم از مبانی و چارچوب نظری پژوهش و نیز سوابق تجربی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- بین سرمایه اجتماعی شهروندان شهر بابلسر و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران رابطه معناداری وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی شهروندان شهر بابلسر و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران رابطه معناداری وجود دارد.
- بین پیوند اجتماعی شهروندان شهر بابلسر و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بابلسر و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سن شهروندان شهر بابلسر و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران رابطه معناداری وجود دارد.
- گرایش شهروندان مرد و زن نسبت به ورود گردشگر متفاوت است.
- گرایش شهروندان شهر بابلسر نسبت به ورود گردشگر بر حسب میزان تحصیلات آنها متفاوت است.

1 Hwang and Stewart

2 Rachmawati

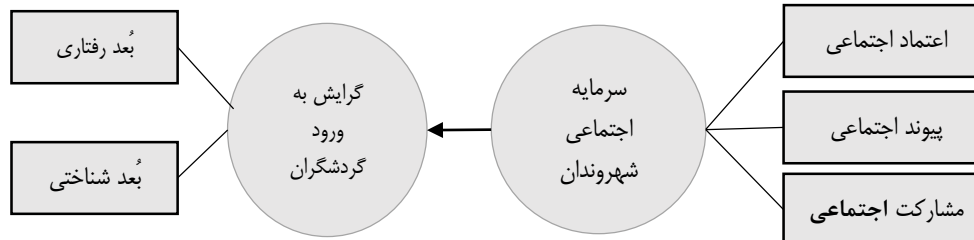
3 Paumin

4 Pongponrat and Chantradon

5 Yi Min, L

۴- مدل مفهومی

برای بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر میزان گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر، با مرور ادبیات تحقیق، شکل ۳ به عنوان چارچوبی کلی برای مشخص نمودن روابط میان متغیرهای تحقیق آورده شد. این شکل شامل متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی (با ابعاد اعتماد، پیوند و مشارکت اجتماعی) و گرایش نسبت به ورود گردشگران (با ابعاد رفتاری و شناختی) به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.



شکل ۳: مدل مفهومی پژوهش.

۵- روش پژوهش و معرفی محدوده مورد مطالعه

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کمی و با استفاده از روش پیمایشی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته است. در این روش ابزار پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شده است. پرسشنامه شامل مجموعه‌ای از گویه‌هایی که میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران را ارزیابی می‌کند و سؤالات در قالب مقیاس رتبه‌ای و پنج‌طیفی لیکرت آورده شده است (به طور عینی‌تر در جدول شماره ۱).

جدول (۱): معرفی دقیق متغیرهای تحقیق و ضریب آلفای کرونباخ.

متغیرها	تعداد گویه‌ها	پایایی	مقیاس و طیف
سرمایه اجتماعی شهروندان (اعتماد، پیوند و مشارکت اجتماعی شهروندان)	۱۶	۰/۷۷۳	مقیاس رتبه‌ای و پنج‌طیفی لیکرت (کاملاً مخالف = نمره ۱، مخالف = نمره ۲، بی‌نظر = نمره ۳، موافق = نمره ۴ و کاملاً موافق = نمره ۵)
اعتماد اجتماعی شهروندان (اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد فردی، رضایت از محل زندگی و ...)	۵	۰/۷۳۱	
پیوند اجتماعی شهروندان (رفت و آمد شهروندان با یکدیگر، مشورت با یکدیگر، روابط صمیمانه با یکدیگر و ...)	۵	۰/۷۰۱	
مشارکت اجتماعی شهروندان (مشارکت در امور شهری، مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه، مشارکت در کمک به مدیران، مشارکت در صیانت از جاذبه‌های شهر و ...)	۶	۰/۷۵۵	
گرایش شهروندان به ورود گردشگر (ابعاد شناختی و رفتاری گرایش به ورود گردشگر)	۱۱	۰/۷۷۲	
بعد شناختی گرایش به ورود گردشگر (ورود گردشگر به شهر موجب رشد شهر، بهبود راه‌ها و شبکه‌های حمل و نقل، فروش تولیدات شهری، توسعه‌ی گردشگری و ...)	۶	۰/۷۱۱	
بعد رفتاری گرایش به ورود گردشگر (راهنمایی گردشگران، رفتار خوب با آنها، کمک به آنها در صورت نیاز و ...)	۵	۰/۷۲۳	

جامعه آماری در این پژوهش شهروندان شهر بابلسر^۱ هستند که بر اساس سرشماری عموم و نفوس مسکن سال ۱۳۹۵ تعداد آنها ۵۹۹۶۶ نفر است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه برابر با ۳۸۲ نفر است که با توجه به در نظر گرفتن احتمال وجود پرسشنامه‌های مخدوش و بی‌جواب، تعداد پرسشنامه‌ها به ۴۰۰ نفر افزایش یافته است. در این پژوهش از روش

۱ شهر بابلسر یکی از شهرهای ساحلی استان مازندران، در شمال ایران، بین دریای مازندران و رشته کوه البرز قرار دارد. این شهر مرکز شهرستان بابلسر است. بابلسر با پهنه ۱۳۵۰ هکتار در مصب رودخانه بابلرود و در کرانه جنوبی دریای مازندران و در ۵۲ درجه و ۳۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد. این شهر در مدار معتدل گرم قرار گرفته و ضریب اعتدال این شهر بسیار معتدل است. این ناحیه با میانگین سالیانه دمای ۴/۱۸ درجه سانتیگراد، بارش سالیانه ۷۹۱ میلی‌متر و ۷۹ درصد رطوبت یکی از خوش آب و هواترین مناطق کشور به شمار می‌آید. از نظر توپوگرافی سراسر بابلسر در بخش جلگه‌ای و در موقعیت ساحلی قرار دارد و از لحاظ ناهمواری عوارض برجسته توپوگرافیک در آن دیده نمی‌شود. تقریباً هموار بوده و با شیب ملایمی از سوی رشته‌کوه‌های البرز به سوی دریای خزر امتداد دارد. بلندی شهر ۲۱ متر پایین‌تر از سطح دریاهای آزاد و ۷ متر بالاتر از سطح دریای مازندران قرار دارد. موقعیت جغرافیایی شهر بابلسر به طور واضح روی نقش مشخص شده است.

نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای- چندمرحله‌ای استفاده شده است که پس از تعیین حجم نمونه ابتدا با استفاده از نقشه‌ی راهنمای شهر بابلسر، مناطق سه‌گانه (کنار دریا، وسط شهر، اطراف شهر) شهر تعیین شدند و تعداد محله‌های هر منطقه مشخص گردید. و بر اساس جمعیت هر محله، تعداد افراد نمونه در هر محله تعیین شد. در مرحله‌ی بعد، از هر محله چند بلوک به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از هر بلوک، خانوارهایی با فاصله‌ی ۷ نمونه، به طور منظم انتخاب شدند، آنگاه پرسشنامه توسط یکی از افراد ۱۸ سال و بالاتر هر خانوار، پر گردید. در پژوهش حاضر روایی یا اعتبار پرسشنامه‌ی مذکور به شکل اعتبار محتوایی و صوری (یعنی با مراجعه به عقل سلیم و داوران متخصص و کتب و موضوعات مرتبط) بررسی شد و پس از جرح و تعدیل گویه‌های پرسشنامه‌ی تحقیق، روایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید قرار گرفت. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای Amos و Spss مورد تحلیل قرار گرفت. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه قبل از انجام نهایی تحقیق ۴۰ پرسشنامه تکمیل شد و با کمک نرم‌افزار Spss آلفا کرونباخ محاسبه شد. مقادیر بالای آلفا (بالاتر از ۰/۷۰) و عدم ناهمبستگی در بین آیتم‌ها، دلیلی بر مناسب بودن پرسشنامه است.

۶- یافته‌ها

۶-۱- یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های توصیفی پژوهش، از مجموع ۴۰۰ پاسخگو، ۴۸/۸ درصد زن و ۵۱/۳ درصد مرد می‌باشند. از لحاظ سنی، بیشترین فراوانی به گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال تعلق دارد و میانگین سنی پاسخگویان ۲۹ سال است. از لحاظ میزان تحصیلات، بیشتر پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند و کمترین فراوانی به افراد دارای مدرک بالاتر از کارشناسی تعلق دارد. میزان گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگران در حد بالاست و میزان سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها متوسط رو به بالا می‌باشد.

جدول (۲): توزیع درصدی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیتی، میزان گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگر و میزان سرمایه‌ی اجتماعی آنها.

متغیر	دسته	درصد	متغیر	دسته	درصد
جنسیت	مرد	۵۱/۳	میزان تحصیلات	کمتر از سوم راهنمایی	۱۸/۰
	زن	۴۸/۸		دیپلم	۵۱/۰
	کل	۱۰۰		کاردانی و کارشناسی	۲۳/۰
سن	۱۸ تا ۲۹ سال	۶۳/۳	بالاتر از کارشناسی	۸/۰	
	۳۰ تا ۴۰ سال	۲۰/۸		کل	۱۰۰
	۴۱ تا ۵۰ سال	۷/۸	سرمایه‌ی اجتماعی	پایین	۱۰/۰
	۵۱ سال و بالاتر	۸/۳		متوسط	۷۱/۵
گرایش به ورود گردشگر	کل	۱۰۰		بالا	۱۸/۵
	پایین	۳/۰		کل	۱۰۰
	متوسط	۴۳/۸			
	بالا	۵۳/۳			

جدول (۳): نتایج توصیفی سازه‌های تحقیق و بررسی نرمال بودن آنها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
سرمایه اجتماعی شهروندان	۳/۶۴	۰/۴۶۴	-۰/۲۶۱	۰/۷۰۲	۲/۳۱	۵
اعتماد اجتماعی شهروندان	۳/۵۹	۰/۶۱۶	-۰/۴۱۸	۰/۰۸۸	۲	۵
پیوند اجتماعی شهروندان	۳/۳۳	۰/۶۹۰	-۰/۲۸۰	-۰/۵۸۷	۱/۶۰	۵
مشارکت اجتماعی شهروندان	۳/۹۳	۰/۵۸۷	-۰/۱۴۴	۰/۰۵۲	۲	۵
گرایش شهروندان به ورود گردشگر	۴/۰۱	۰/۴۵۸	-۰/۸۲۴	۰/۹۸۶	۲/۴۵	۵
بُعد شناختی گرایش به ورود گردشگر	۴/۰۷	۰/۵۶۱	-۰/۶۶۲	۰/۸۶۱	۲/۳۳	۵
بُعد رفتاری گرایش به ورود گردشگر	۳/۹۴	۰/۴۷۸	-۰/۴۸۹	۰/۱۴۱	۲/۶۰	۵

با توجه به جدول ۳، میزان چولگی و کشیدگی (در بازه -۱ و +۱) نشان می‌دهد داده‌های پژوهش از توزیع نرمال برخوردار بوده‌اند.

۶-۲- یافته‌های استنباطی

در قسمت استنباطی برای بررسی ارتباط بین سازه‌های کمی پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. برای مقایسه‌ی گرایش شهروندان مرد و زن نسبت به ورود گردشگر و بر حسب میزان تحصیلات آنها به ترتیب از آزمون‌های تی دو گروه مستقل و تحلیل واریانس استفاده شده است. در آخر از آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده می‌شود تا میزان تبیین متغیر ملاک (گرایش شهروندان به ورود گردشگر) توسط متغیرهای پیشین (سن، جنسیت، میزان تحصیلات و سرمایه اجتماعی شهروندان) مورد سنجش قرار گیرد.

جدول (۴): نتایج آزمون ماتریس همبستگی پیرسون بین سازه‌های کمی پژوهش.

(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
							۱	سرمایه اجتماعی (۱)
						۱	۰/۷۲۶ **	اعتماد اجتماعی (۲)
					۱	۰/۲۷۹ **	۰/۷۱۹ **	پیوند اجتماعی (۳)
				۱	۰/۲۹۲ **	۰/۳۸۳ **	۰/۷۶۹ **	مشارکت اجتماعی (۴)
			۱	۰/۳۶۱ **	۰/۱۳۰ **	۰/۴۹۱ **	۰/۴۳۶ **	گرایش به ورود گردشگر (۵)
		۱	۰/۹۱۴ **	۰/۲۴۱ **	۰/۰۹۳	۰/۴۰۲ **	۰/۳۲۴ **	بُعد شناختی (۶)
	۱	۰/۵۲۰ **	۰/۸۲۱ **	۰/۴۲۳ **	۰/۱۴۴ **	۰/۴۶۸ **	۰/۴۶۲ **	بُعد رفتاری (۷)
۱	۰/۰۷۵	-۰/۳۱۲ **	-۰/۱۰۶ **	۰/۱۸۹ **	۰/۱۰۴ *	۰/۰۱۷	۰/۱۴۵ **	سن

$P < ۰/۰۱$ ** و $P < ۰/۰۰۱$ ***

بر اساس نتایج جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود که بین میزان سرمایه اجتماعی شهروندان شهر بابلسر و گرایش آن‌ها به ورود گردشگر رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$ و $r = ۰/۴۳۶$) و ضریب همبستگی مثبت بین این دو متغیر نشان می‌دهد، هر چه میزان سرمایه اجتماعی شهروندان افزایش یابد، گرایش آن‌ها به ورود گردشگر هم افزایش می‌یابد و بالاتر می‌رود. بنابراین، فرضیه‌ی اول پژوهش تأیید می‌شود. همچنین بین اعتماد اجتماعی ($r = ۰/۴۹۱$)، پیوند اجتماعی ($r = ۰/۱۳۰$) و مشارکت اجتماعی ($r = ۰/۳۶۱$) شهروندان شهر بابلسر و میزان گرایش آنها نسبت به ورود گردشگران رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). بنابراین، فرضیه‌های دوم، سوم و چهارم پژوهش هم تأیید می‌شود. در خصوص فرضیه‌ی پنجم، نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین سن شهروندان و گرایش آن‌ها به ورود گردشگر رابطه‌ی معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۱$ و $r = -۰/۱۰۶$) و ضریب همبستگی منفی بین این دو متغیر نشان می‌دهد، هر چه سن شهروندان افزایش یابد، گرایش آن‌ها به ورود گردشگر کاهش می‌یابد.

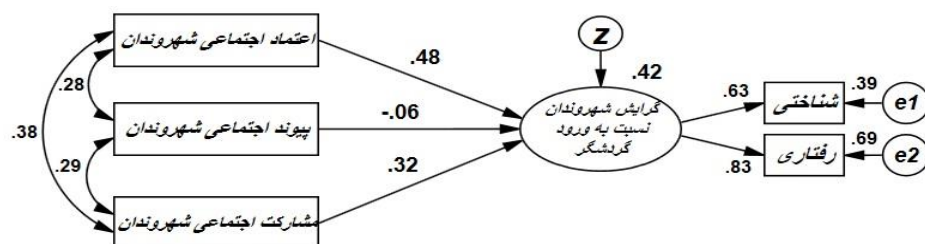
جدول (۵): نتایج آزمون‌های تی و تحلیل واریانس برای مقایسه‌ی گرایش شهروندان مرد و زن نسبت به ورود گردشگر

و بر حسب میزان تحصیلات آن‌ها.

متغیر	شاخص آماری	تعداد	میانگین $\pm$ انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار T / F	سطح معناداری
جنسیت	زنان	۱۹۵	$۰/۴۶۵ \pm ۳/۹۶$	۳۹۸	۲/۲۰۲	۰/۰۲۸
	مردان	۲۰۵	$۰/۴۴۷ \pm ۴/۰۶$	۳۹۴/۸۸		
میزان تحصیلات	کمتر از سوم راهنمایی	۷۲	$۰/۵۷۹ \pm ۳/۷۶$	۳۹۶	۹/۸۹۱	۰/۰۰۰
	دیپلم	۲۰۴	$۰/۳۶۶ \pm ۴/۰۸$			
	کاردانی و کارشناسی	۹۲	$۰/۴۸۳ \pm ۴/۰۱$			
	بالاتر از کارشناسی	۳۲	$۰/۴۲۸ \pm ۴/۱۱$			
	جمع	۴۰۰	$۰/۴۵۸ \pm ۴/۰۱$			

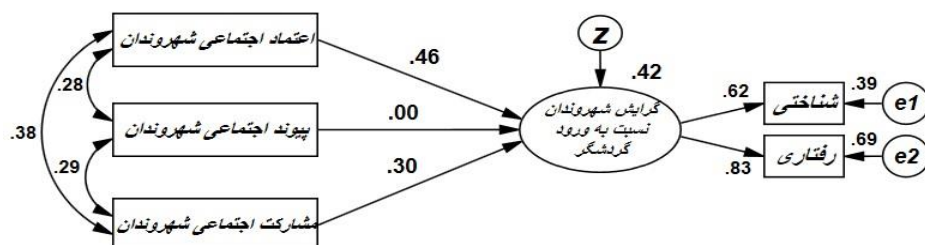
جدول ۵ حاکی از آن است که زنان و مردان در میزان گرایششان نسبت به ورود گردشگران تفاوت معناداری باهم دارند و برای ورود گردشگران به یک اندازه گرایش ندارند. تفاوت مشاهده شده بین دو میانگین بر اساس آزمون T و سطح معناداری Sig = ۰/۰۲۸ بیانگر این است که مردان در مقایسه با زنان گرایش بیشتری نسبت به ورود گردشگر دارند. بنابراین فرضیه ششم پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان گفت زنان و مردان میزان متفاوتی از گرایش به ورود گردشگران دارند. نتایج بررسی تفاوت گرایش به ورود گردشگران بر حسب میزان تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد، که میانگین گرایش به ورود گردشگران در بین گروه‌های تحصیلی دارای تفاوت معناداری است. آزمون F با مقدار ۹/۸۹۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ بیانگر این است که هر چه میزان تحصیلات افراد بالاتر رفته است، گرایش بیشتری نسبت به ورود گردشگران دارند (رابطه تقریباً خطی است). بنابراین، فرضیه‌ی هفتم پژوهش هم تأیید می‌گردد.

تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر بر حسب میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها.
به منظور تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر بر حسب سازه اثرگذار (میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها) و تعیین این موضوع که این سازه در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر است، از تحلیل مسیر زیر استفاده شده است.



شکل (۴): ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی تاثیر میزان سرمایه اجتماعی شهروندان بر گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگر (مدل مفروض)

لازم است که در وهله اول کلیت مدل با استفاده از شاخص‌های برازش کلی (جدول ۶) و در وهله دوم جزئیات مدل (جدول ۷) تحلیل شوند. بدین منظور در ابتدا جدول مربوط به شاخص‌های کلی برازش مورد بررسی قرار داده می‌شود و اصلاحات مدل رفع می‌گردد.



شکل (۵): ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی تاثیر میزان سرمایه اجتماعی شهروندان بر گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگر (مدل اصلی)

جدول (۶): شاخص‌های برازش مدل آزمون شده پژوهش.

شاخص‌ها	مقدار مدل مفروض	مقدار مدل اصلی	دامنه مورد قبول	نتیجه برازش
مجذور خی	۷/۰۰۴	۸/۲۶۹	(X^2) CMIN	-
درجه آزادی	۲	۳	DF	-
سطح معناداری مدل	۰/۰۳۰	۰/۰۴۱	$P > 0.05$	تأیید مدل
خی دو بر درجه آزادی	۳/۵۰۲	۲/۷۵۶	$X^2 / DF < 5$	تأیید مدل
نیکویی برازش	۰/۹۹۳	۰/۹۹۲	$GFI > 0.90$	تأیید مدل
شاخص نیکویی برازش انطباقی	۰/۹۴۸	۰/۹۵۹	$AGFI > 0.80$	تأیید مدل
شاخص برازش مقایسه‌ای	۰/۹۸۷	۰/۹۸۶	$CFI > 0.90$	تأیید مدل
شاخص برازش هنجار شده (بنتلر- بونت)	۰/۹۸۲	۰/۹۷۹	$NFI > 0.90$	تأیید مدل
خطای ریشه مجذور میانگین تقریب	۰/۰۷۹	۰/۰۶۶	$RMSEA \leq 0.08$	تأیید مدل

برای اصلاح مدل، پارامتر پیوند اجتماعی به سمت گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر به زیر صفر ثابت شد (به علت معنادار نبودن رابطه بین این دو متغیر). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نتایج مربوط به شاخص‌های برازش الگوی ساختاری آزمون تاثیر میزان سرمایه اجتماعی شهروندان بر گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگر برای هر یک از شاخص‌های (بالا) پیشنهادی هو و بنتلر (۱۹۹۹) در جدول ۶ ارائه شده است. مرور دقیق شاخص‌های نیکویی برازش الگوی ساختاری نشان می‌دهد که الگوی ساختاری از برازش مطلوبی برخوردار است.

جدول (۷): وزن های رگرسیونی غیراستاندارد، استاندارد، نسبت بحرانی، سطح معناداری و تأثیرات.

مسیرها		برآورد غیراستاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	sig	برآورد استاندارد	ضریب تعیین
اعتماد اجتماعی	<---	گرایش به ورود گردشگر	۰/۲۶۴	۰/۰۳۷	۷/۰۷۷	***	۰/۴۶۵
مشارکت اجتماعی	<---	گرایش به ورود گردشگر	۰/۱۸۱	۰/۰۳۵	۵/۲۰۲	***	۰/۳۰۴
گرایش به ورود گردشگر	<---	بعد شناختی گرایش به ورود	۱/۰۰۰	-	-	-	۰/۳۹۰
گرایش به ورود گردشگر	<---	بعد رفتاری گرایش به ورود	۱/۱۳۵	۰/۱۲۵	۹/۰۹۴	***	۰/۸۳۱
مسیرها		تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کلی			
مشارکت اجتماعی	<---	رفتاری	-	۰/۲۵۲	۰/۲۵۲		
مشارکت اجتماعی	<---	شناختی	-	۰/۱۹۰	۰/۱۹۰		
اعتماد اجتماعی	<---	رفتاری	-	۰/۳۸۶	۰/۳۸۶		
اعتماد اجتماعی	<---	شناختی	-	۰/۲۹۰	۰/۲۹۰		

P < ۰/۰۰۱ ***

با توجه به سطوح معناداری در جدول ۷، همه بارهای عاملی دارای تفاوت معناداری با صفر هستند و بین اکثر متغیرها رابطه معناداری وجود دارد. به این صورت که بین اعتماد اجتماعی ($\beta = ۰/۴۶۵$) و مشارکت اجتماعی ($\beta = ۰/۳۰۴$) شهروندان با گرایش آنها نسبت به ورود گردشگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه‌ی معناداری مستقیم وجود دارد، اما بین پیوند اجتماعی شهروندان و گرایش آنها نسبت به ورود گردشگر رابطه‌ی وجود نداشت. با توجه به نتایج مدل، ۴۲ درصد از واریانس متغیر گرایش شهروندان نسب به ورود گردشگران توسط سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت اجتماعی) آن‌ها تبیین و پیش‌بینی شده است. همچنین نشان داده شده است که به ترتیب تأثیر اعتماد اجتماعی شهروندان بر گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگران، بعد شناختی گرایش نسبت به ورود گردشگر و بعد رفتاری گرایش نسبت به ورود گردشگر ۰/۴۶، ۰/۲۹ و ۰/۳۸ است. و به ترتیب تأثیر مشارکت اجتماعی شهروندان بر گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگران، بعد شناختی گرایش نسبت به ورود گردشگر و بعد رفتاری گرایش نسبت به ورود گردشگر ۰/۳۰، ۰/۱۹ و ۰/۲۵ است.

تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر بر حسب سازه‌های اثرگذار.

به منظور تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر بر حسب سازه‌های اثرگذار (سن، جنسیت (مرد)، میزان تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها) و تعیین این موضوع که این سازه‌ها در مجموع تا چه اندازه قادر به تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر هستند، از رگرسیون خطی چندمتغیره به روش گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جداول ۸ و ۹ آمده است.

جدول (۸): مدل رگرسیونی جهت تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر.

مدل	متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معناداری
مدل ۱	سرمایه اجتماعی	۰/۴۳۶	۰/۱۹۰	۰/۱۸۸	۹۳/۲۴۷	۰/۰۰۰
مدل ۲	سن	۰/۴۶۸	۰/۲۱۹	۰/۲۱۵	۵۵/۷۳۹	۰/۰۰۰
مدل ۳	تحصیلات (بالتر از کارشناسی)	۰/۴۸۰	۰/۲۳۰	۰/۲۲۴	۳۹/۴۵۲	۰/۰۰۰

در مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل که برای تبیین گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر صورت گرفته، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در مدل شماره‌ی (۱) پس از ورود اولین متغیر یعنی سرمایه‌ی اجتماعی که وارد مدل شده، این متغیر به تنهایی توانسته ۱۹ درصد از تغییرات گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر را پیش‌بینی کند. مدل شماره‌ی (۲) نشان می‌دهد که پس از اضافه شدن متغیر سن این مقدار به ۲۱/۹ افزایش یافته است. سرانجام در مدل شماره‌ی (۳) با اضافه شدن متغیر میزان تحصیلات (بالتر از کارشناسی)، این رقم به ۲۳ درصد افزایش یافته است. بنابراین، سازه‌های اثرگذار (سن، میزان تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها) قادرند ۲۳ درصد از تغییرات (یا واریانس) گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر را تبیین و پیش‌بینی کنند.

جدول (۹): ضرایب تأثیر مدل نهایی متغیرهای مستقل برای گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر.

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار T	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا	خطای استاندارد		
مقدار ثابت	۲/۵۲۵	۰/۱۶۴	-	۰/۰۰۰	۴۴۱/۱۵	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۴۶۴	۰/۰۴۴	۰/۴۷۰	۰/۰۰۰	۵۰۱/۱۰	۰/۰۰۰
سن	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	-۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۳/۹۷۱	-
تحصیلات (بالتر از کارشناسی)	۰/۱۷۷	۰/۰۷۵	۰/۱۰۵	۰/۰۱۸	۲/۳۶۷	۰/۰۱۸

با توجه به جدول ۹، متغیر سرمایه‌ی اجتماعی (۰/۴۷۰) و متغیر میزان تحصیلات (بالتر از کارشناسی) به ترتیب، بیشترین و کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته‌ی مذکور دارند. باید اضافه نمود که از بین چهار متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی، متغیر جنسیت (مرد) از معادله حذف شد. لازم به ذکر است که تأثیر دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و میزان تحصیلات (بالتر از کارشناسی) بر متغیر وابسته (گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر) مثبت است، اما تأثیر سن بر آن منفی است.

۷- نتیجه‌گیری

نواحی شهری در راه توسعه‌ی خود نیازمند سرمایه‌های اجتماعی (مشارکت، اعتماد و پیوند اجتماعی) هستند. به طوری که در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن تکامل شهر، ناهموار و دشوار می‌شود. در همین ارتباط باید به این موضوع اشاره کرد که برخی شهرها (از جمله بابلسر) با توجه به قابلیت‌های خاص خود، در آن‌ها گردشگری شکل و رونق گرفته که این فعالیت با توجه به ویژگی‌هایی که داراست می‌تواند بر سرمایه‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد. با این تفاسیر ملاحظه می‌شود که از یک سو سرمایه‌ی اجتماعی خود لازمی گرایش به ورود گردشگران است و از سوی دیگر گردشگری در شهرها از عوامل موثر در ارتقاء سرمایه اجتماعی آنها است. لذا در کنار این موضوع که سرمایه‌ی اجتماعی لازمه گرایش به ورود گردشگران است و برای ورود گردشگران سرمایه‌های مختلف از جمله منابع و سرمایه‌های اجتماعی زیادی مانند آگاهی شهروندان، وجود اعتماد و یکدلی شهروندان از توسعه گردشگری، نحوه‌ی رفتار شهروندان با گردشگران برای اشتیاق آن‌ها برای سرمایه‌گذاری و جذب مستقیم و غیرمستقیم ضروری است، باید به این موضوع توجه شود که گردشگری هم با توجه به کارکرد خود می‌تواند در تغییر و تحولات سرمایه‌ی اجتماعی نواحی شهری (افزایش سطح دانش شهروندان، همبستگی، افزایش مشارکت شهروندان و غیره) تأثیرگذار باشد. با این تفاسیر می‌توان گفت بین گرایش به ورود گردشگران و سرمایه اجتماعی در نواحی شهری رابطه وجود دارد که شناخت این روابط می‌تواند در جذب گردشگر و نیز ارتقاء سرمایه اجتماعی شهرهای گردشگری مثل شهر بابلسر موثر واقع شود. بر همین اساس، این پژوهش در پی بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی شهروندان شهر بابلسر و گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگران تدوین گردید، که نتایج نشان داد بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، پیوند و مشارکت) شهروندان شهر بابلسر و گرایش آن‌ها نسبت به ورود گردشگر رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد ($P < 0/01$) و هر چه میزان سرمایه اجتماعی شهروندان افزایش یابد، گرایش آن‌ها به ورود گردشگر هم افزایش می‌یابد و بالاتر می‌رود و سرمایه اجتماعی شهروندان بیشترین رابطه را با بُعد رفتاری گرایش به ورود گردشگران دارد (جدول ۴). نتایج تحلیل مسیر نشان داد که از بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی، تنها بین پیوند اجتماعی و میزان گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر رابطه‌ی وجود ندارد و ۴۲ درصد از واریانس متغیر گرایش شهروندان نسب به ورود گردشگران توسط دو مولفه‌ی اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی تبیین و پیش‌بینی شده است (جدول ۷). این یافته تحقیق با نتایج پژوهش‌های ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، حبیبی (۱۳۹۵)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۳)، (امین‌بیدختی و شریفی ۱۳۹۱)، محمدی و همکاران (۱۳۹۴)، اکبریان رونیزی (۱۳۹۲)، دینانی و همکاران (۱۳۹۲)، غفاری و معاون (۱۳۹۲)، هوانگ و استوارت (۲۰۱۶)، راجماواتی (۲۰۱۴)، پونگ پان رات و چانترادون (۲۰۱۲) و یی مین لی (۲۰۱۱) که نشان دادند سرمایه‌ی اجتماعی در گرایش به ورود گردشگر، توسعه گردشگری و میزان تمایل به گردشگری نقش اساسی و مثبتی دارد، همسو می‌باشد. بنابراین، نگرش جامعه‌میزبان و میزان تمایل به ورود و پذیرش گردشگران مقصد گردشگری، بیش از هر چیز نیازمند اعتماد، مشارکت و پیوند اجتماعی است که جزو مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی هستند. فردی که آمادگی ذهنی برای پذیرش گردشگر را در منطقه خود دارد، از میزان اعتماد، مشارکت و ارتباطات بالایی نسبت به دیگران برخوردار بوده و این امر به توسعه‌ی گردشگری کمک شایانی خواهد نمود، چرا که گردشگری نوعی فرایند مبتنی بر تعامل اعتمادگونه و مشارکتی بین گردشگران و ساکنان مناطق مقصد گردشگری است. آگاهی از پیامدهای مثبت گردشگری در بعدهای مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی در میان مردم شهر بابلسر از یک طرف و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی که به کاهش پیامدهای منفی ناشی

از ورود گردشگر منجر شده، به توسعه گردشگری در این شهر منجر خواهد شد. از طرف دیگر اعتماد بالا بین ساکنان این شهر و گردشگران، امنیت ذهنی و عینی را در گردشگران ایجاد نموده و در نتیجه گردشگران با طیب خاطر به شهر بابلسر سفر خواهند کرد. نمونه‌ای از میزان اعتماد بالای مردم این شهر را می‌توان در رفتار آنها با گردشگرانی که با مشکل اقامت رو به ور می‌شوند و دعوت از آنها و در اختیار قرار دادن بخشی از خانه خود به آنها مشاهده کرد. با دیدن چنین رفتارهای از شهروندان شهر بابلسر، در ذهن گردشگران تصویر مثبت و خوشاوندی از این شهر نقش بسته و نه تنها خود بلکه دیگران را برای سفر به این شهر ترغیب می‌کنند. ایجاد ذهنیت خوب و لذت‌بخش از مقصد در ذهن گردشگران با ایجاد اعتماد، مشارکت و همراهی کردن گردشگران منجر به بازگشت دوباره آنها و ترغیب دیگران برای سفر به مقصد مورد نظر خواهد شد. همچنین با افزایش تعاملات اجتماعی شهروندان، میزان گرایش آنها به ورود گردشگر افزایش می‌یابد. شاید بتوان گفت افزایش تعاملات و ارتباط اجتماعی موجب کم شدن فواصل اجتماعی و در نتیجه افزایش گرایش به گردشگران را موجب شود. بنابراین می‌توان گفت که روابط اجتماعی بخشی از سرمایه اجتماعی است که جامعه میزبان با داشتن آن می‌تواند رضایتمندی گردشگران را فراهم نماید که این خود عاملی برای تکرار سفرشان می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج می‌توان اظهار داشت که رابطه مستقیم و مثبتی بین سرمایه اجتماعی (اعتماد، پیوند و مشارکت) و میزان گرایش به ورود گردشگر و توسعه گردشگری وجود دارد.

در قسمت دیگر پژوهش، براساس نتایج ویژگی‌های جمعیتی نشان داده شد که بین سن شهروندان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ای منفی و معناداری وجود دارد، به این صورت که هر چه سن شهروندان افزایش یابد، گرایش آنها نسبت به ورود گردشگر کاهش می‌یابد (جدول ۴). این یافته تحقیق با نتایج پژوهش میرفردی و همکاران (۱۳۹۳) که نشان دادند بین سن پاسخگویان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ای معناداری وجود دارد، همسو می‌باشد. اما با نتایج پژوهش حبیبی (۱۳۹۵) که نشان داد بین سن و گرایش پاسخگویان به ورود گردشگر رابطه معناداری وجود ندارد، همسو نمی‌باشد. نتایج نشان داد که زنان و مردان در میزان گرایششان نسبت به ورود گردشگران تفاوت معناداری باهم دارند و برای ورود گردشگران به یک اندازه گرایش ندارند. به این صورت که مردان در مقایسه با زنان گرایش بیشتری نسبت به ورود گردشگر دارند. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش‌های میرفردی و همکاران (۱۳۹۳) و حبیبی (۱۳۹۵) که نشان دادند بین جنسیت پاسخگویان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ای معناداری وجود دارد، همسو می‌باشد. نتایج نشان داد که زنان و مردان در میزان گرایششان نسبت به ورود گردشگران تفاوت معناداری باهم دارند و برای ورود گردشگران به یک اندازه گرایش ندارند، به این صورت که مردان در مقایسه با زنان گرایش بیشتری نسبت به ورود گردشگر دارند. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش‌های میرفردی و همکاران (۱۳۹۳) و حبیبی (۱۳۹۵) که نشان دادند بین جنسیت پاسخگویان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ای معناداری وجود دارد، همسو می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که میانگین گرایش به ورود گردشگران در بین گروه‌های تحصیلی دارای تفاوت معناداری است، به این صورت که هر چه میزان تحصیلات شهروندان بالاتر رفته است، گرایش بیشتری نسبت به ورود گردشگران دارند. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش میرفردی و همکاران (۱۳۹۳) که نشان دادند بین میزان تحصیلات پاسخگویان و گرایش آنها به ورود گردشگر رابطه‌ای معناداری وجود دارد، همسو می‌باشد. اما با نتایج پژوهش حبیبی (۱۳۹۵) که نشان داد بین میزان تحصیلات و گرایش پاسخگویان نسبت به ورود گردشگر رابطه معناداری وجود ندارد، همسو نمی‌باشد. در آخر یافته‌ها نشان داد که سازه‌های اثرگذار سن، میزان تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی توانستند ۲۳ درصد از تغییرات (یا واریانس) گرایش شهروندان نسبت به ورود گردشگر را تبیین و پیش‌بینی کنند، که متغیر سرمایه‌ی اجتماعی (۰/۴۷۰) و متغیر میزان تحصیلات (بالاتر از کارشناسی) به ترتیب، بیشترین و کمترین تأثیر را بر متغیر وابسته‌ی مذکور داشتند.

بنابراین، سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان زیربنای توسعه‌ی گردشگری در نواحی شهری به شمار آورد. و پیشنهاد می‌شود که هنجارهایی برای شهروندان تعریف شود و موجبات اعتماد و روابط صمیمی و تعامل بیشتری بین شهروندان و گردشگران فراهم شود و در پژوهش‌های آتی رابطه دیگر مولفه‌های مرتبط با گرایش به ورود گردشگران مورد پژوهش قرار بگیرد.

منابع

۱. ابراهیم‌پور حبیب، بابایی یاور و سخندان الناز (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در توسعه گردشگری پایدار با نقش میانجی اثرات گردشگری در شهر سرعین»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۱۸-۱۴۳.
۲. اکبریان رونیزی سعیدرضا (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه‌ی توسعه‌ی گردشگری و سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی دهستان سولقان (شهرستان تهران)»، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ۲، شماره‌ی ۶، صص ۷۵-۹۲.
۳. الوانی سیدمهدی و شیروانی علیرضا، (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)»، اصفهان: انتشارات مانی.
۴. امیرخانی طویه و پورعزت علی اصغر (۱۳۸۷)، «تأملی بر امکان توسعه سرمایه اجتماعی در سازمان‌های دولتی»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۸۸.
۵. امین بیدختی علی اکبر و شریفی نوید (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه رونق گردشگری و سرمایه اجتماعی در مناطق ساحلی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال ۷، شماره ۱۷، صص ۱۴۹-۱۲۱.

۶. بوداقلی علی (۱۳۸۹)، «بررسی جامعه‌شناسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفتار شهروند سازمانی»، پایان‌نامه گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
۷. بیدختی علی اکبر امین و شریفی نوید (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین رونق گردشگری و سرمایه اجتماعی در مناطق ساحلی دریای خزر»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال ۷، شماره ۱۷، صص ۱۴۹-۱۲۱.
۸. تبریزی محسن و آقامحسینی مریم (۱۳۸۹)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری مورد پژوهشی شهر محلات»، دو فصلنامه مدیریت شهری، سال ۸، شماره ۲۶، صص ۱۶۲-۱۴۷.
۹. توکلی مرتضی و تاجبخش کاظم (۱۳۸۷)، «بررسی سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۴۳.
۱۰. حبیبی فاتح (۱۳۹۵)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تمایل به ورود گردشگر (مطالعه موردی: شهرستان مریوان)»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۸، صص ۵۰-۳۷.
۱۱. خوش‌فر غلامرضا، بارگاهی رضا و کرمی شهاب (۱۳۹۲)، «سرمایه اجتماعی و پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر گرگان)»، مجله‌ی مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ۸، صص ۴۶-۳۱.
۱۲. خوشفر غلامرضا، عبدالله‌پور مریم و کریم‌زاده سارا (۱۳۹۱)، «بررسی تأثیر گردشگری خانه‌های دوم بر سرمایه‌ی اجتماعی، مورد مطالعه: روستاهای لیره‌سر و سیاورز شهرستان تنکابن»، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری، سال ۱، شماره‌ی ۲، صص ۱۵۶-۱۳۳.
۱۳. دستیار وحید و محمدی اصغر (۱۳۹۷)، «سنجش توانمندسازی معلولان جسمی (معلولان جسمی حرکتی، احشایی و حسی) در سال ۱۳۹۴ و عوامل مرتبط با آن (مطالعه مقطعی تحلیلی در استان کهگیلویه و بویراحمد)»، مجله توانبخشی، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۳۵۴-۳۶۹.
۱۴. دیانی مهدی، الماسی حسن، پورپازواری محمودحسن، سعیدی نیما و بیک‌خاکیان یوکابد (۱۳۹۲)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه بازاریابی گردشگری کشور»، مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۵. دیبایی پرویز (۱۳۷۱)، «شناخت جهانگردی»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، صص: ۷۸-۷۵.
۱۶. رضوانی محمدرضا (۱۳۸۹)، «توسعه گردشگری روستایی (با رویکرد گردشگری پایدار)»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. رضوانی محمدرضا (۱۳۸۷)، «توسعه‌ی گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. زارع سارا، نمیرانیان منوچهر، شعبانعلی فمی حسین و قاسمی جواد (۱۳۸۹)، «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت شهروندان در امور پارک‌های جنگلی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، مجله جنگل ایران، سال ۲، شماره ۴، صص ۲۸۵-۲۷۳.
۱۹. سلیمانی هارونی خدیجه (۱۳۸۹)، «نگرش ساکنان مناطق گردشگری روستایی نسبت به پیامدهای گردشگری روستایی»، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۱-۲، شماره ۲، صص ۲۱۳-۲۱۸.
۲۰. شجاعی باغینی و همکاران (۱۳۸۷)، «مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی»، تهران: پژوهشگاه فرهنگی اجتماعی.
۲۱. علیقلی‌زاده فیروز جایی ناصر، قدمی مصطفی و رمضان زاده لبسویی مهدی (۱۳۸۹)، «نگرش و گرایش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در نواحی روستایی، نمونه مورد مطالعه: دهستان گلجان، شهرستان تنکابن»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۲، شماره ۷۱، صص ۴۸-۳۵.
۲۲. غفاری غلامرضا و معاون زهرا (۱۳۹۲)، «سهم سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میزان تمایل به گردشگری در دو سایت حافظیه و تخت جمشید شیراز»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۱۳.
۲۳. فیلد جان (۱۳۸۸)، «سرمایه اجتماعی»، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضانی. تهران: نشر کویر.
۲۴. ماجدی سیدمسعود و لهسایی زاده عبدالعلی (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای - سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴.
۲۵. محسنی تبریزی علیرضا، معیدفر سعید و گلایی فاطمه (۱۳۹۱)، «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۴۱-۷۰.
۲۶. محمدی اسفندیار، پورشوهانی فاطمه و آزادخانی پاکزاد (۱۳۹۴)، «بررسی نقش سرمایه اجتماعی شهروندان ایلامی در جذب گردشگر»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۰۶-۹۳.
۲۷. مسعودنیا ابراهیم (۱۳۸۹)، «جامعه‌شناسی پزشکی»، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. میرفردی اصغر، مختاری مریم، حیدری علی و دانش‌پذیر هومان (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان گرایش به ورود گردشگر (مورد مطالعه: شهر یاسوج)»، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۲۵-۱۰۶.

29. Ajzen. I. (1988). Attitude, Personality and Behavior, Dorsy Press, Chicage, Illinois.

30. Byeong, D., Kwang, P., W. and Yooshik, S. ch. (2012), Factors Influencing Socioal Capital in Rural Tourism Communities in South Korea, Tourism Management, Vol. (35): pp. 1511-1520.

31. Derw, M., Arch., G. (2008), Ground theory of international tourism Behavior, Journal of Travel & Tourism Marketing, Vol. 24, pp. 245-258.
32. Dyer, P., Gursoy, D., Sharma, B. and Carto, J. (2007). Structural Modeling of Resident Perception of Tourist and Associated Development on Sunshinr Coast Australia, Tourism Management, 28: pp. 407-422.
33. Garrod, B. (2003). Local Participation in the Planning and Management of Ecotourism: A Revised Model Approach, Journal of Ecotourism, 2 (1), pp. 33-53.
34. Holzar, M. (2010). Tourism and development: the beach disease, Tourism Management, No. 32, pp. 922-933.
35. Hwang, D. and Stewart W. P. (2016). Social Capital and Collective Action in Rural Tourism, Journal of Travel Research, 56 (1), pp. 81-93.
36. Lin, J., Qu., Huang, D., Chen, G., Yue, Zhao, X. and Liang, Z. (2014), The role of social capital in encouraging Residents pro-environmental behaviors in community-based ecotourism, Tourism Management, 41(1), pp. 190-201.
37. Margaret Deery, Leo Jago, Liz Fredline (2012), Rethinking social impacts of tourism research: A new research agenda, Tourism Management, 33 (1), pp. 64-73.
38. Paumin, N. F. V., Modilish, S., Mogindol, S. H., Johnny, C and Thamburaj J. A. (2014). Community participation and barriers in rural tourism: A case study in Kiulu, Sabah, SHS Web of Conferences12, 01003, DOI: 1051/shscinf/20141201003.
39. Pongponrat K and Chantradon, N. J. (2012). Mechanism of Social Capital in Community Tourism Participatory Planning in Samu: Island Thailand, An International Multidisciplinary Journal of Tourism. 7(1), pp. 339-349.
40. Rachmawati, E. (2014). Host vommunity's social and cultural capital for ecotourism development in Indonesia, DOI: 10.1051/shsconf/20141201035.
41. Tosun, C. (2000). Limits to community participation in the tourism development process in developing countries, Tourism Management. 21(1), pp. 613-633.
42. Yi Min, L. (2011). Effect of Social Capital of Snack Stall Clusters on Tourist Leisur Involvement, Department of Tourism Management, Pakistan Journal of Statistics, 27(5), pp. 685-697.

Investigating the Role of Citizens' Social Capital on the level of their inclination towards tourist arrivals (Case Study: Citizens of Babolsar City)

Vahid Dastyar¹, Shojaat Poorsedighi², Soliman Nastaran³

Abstract

Social capital can be seen as the cornerstone of tourism development, Undoubtedly, the action of the host community in interacting with the tourist has an important impact on the tourism boom. With the year-on-year increase in tourist arrivals to Babolsar, the present study investigates the effect of social capital on the tendency of tourists to enter. The research method is survey type and Using Cochran formula, 382 individuals were Determine and selected by multistage stratified random sampling. Data were collected by a researcher-made questionnaire that was used to determine its validity by face validity and Cronbach's alpha for reliability. Data were analyzed by SPSS and Amos software at two levels of descriptive statistics (frequency and percentage) and inferential statistics (correlation coefficient and regression). The results showed that there is a significant relationship between social capital (with three dimensions of trust, bonding and social participation) of citizens and their tendency towards tourist entry. The route model showed that social capital accounts for 42% of the variable variance of citizens' attitudes toward tourist arrivals.

Keywords: Tourism, Arrival of the tourist, Tendency, Social Capital, Babolsar.

1 PhD student in Sociology of Social Issues, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Vdastyar95@gmail.com.

2 MA of Social Communication Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. shojaatpoor@gmail.com.

3 MA of Sociology, Islamic Azad University of Dehaghan, Dehaghan, Iran. tanigolpa@gmail.com

رابطه مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

کد مقاله: ۳۸۰۳۵

مهسا محمدزاده^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری در دختران دبیرستانی بوده است. طرح پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی - پیش‌بینی می‌باشد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۳۰ نفر بود که از بین دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه سبک‌های دفاعی اندروز (۱۹۹۳)؛ پرسشنامه مسئولیت‌پذیری کردلو و همکاران (۱۳۸۹) و پرسشنامه اعتیادپذیری وید و بوچر (۱۹۹۲) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری در دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد ($P=0/01$) و همچنین نتایج نشان داد که سبک‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری قادر به پیش‌بینی اعتیادپذیری در دانش‌آموزان دختر می‌باشند ($P=0/01$). بر اساس نتایج یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزانی که در سبک‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری نمره‌های پایین به دست آورده‌اند، از اعتیادپذیری بیشتری برخوردارند؛ بنابراین لازم است که مدیران و والدین توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته باشند و نتایج این پژوهش به عنوان الگویی مناسب برای طراحی و تدوین برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر می‌تواند بسیار مفید باشد.

واژگان کلیدی: سبک‌های دفاعی، مسئولیت‌پذیری و اعتیادپذیری.

پژوهش‌های چند دهه اخیر به بررسی مصرف مواد در سنین مختلف خصوصاً نوجوانی^۱ پرداخته‌اند. نوجوانی دوره تحولی بسیار فعالی است که همراه با تغییرات زیستی متعدد اتفاق می‌افتد. در طول این دوره، بسیاری از نوجوانان رفتارهای پر خطر مانند مصرف مواد را تجربه می‌کنند که می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری به همراه داشته باشند (سرکومب^۲، ۲۰۱۴؛ دهقانی، رستمی و اصلانی، ۱۳۹۶). اعتیاد^۳ از جمله آسیب‌های جهان معاصر محسوب می‌شود که به شدت سلامت انسان را تهدید می‌کند. مصرف روزافزون مواد مخدر در کشور ما به معضل بزرگی مبدل شده است و اغلب قربانیان آن نوجوانان هستند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که حدود ۴۴ درصد از معتادان از بین افراد زیر ۲۴ سال است. دوره نوجوانی، دوره‌ای حساس از رشد است که به شکل رفتارهای سوء مصرف مواد، سیگار و سایر موارد نشان داده می‌شود (گاطع‌زاده و مولایی راد، ۱۳۹۹). نوجوانی دوره انتقال بین کودکی و بزرگسالی است و روان‌شناسان رشد از نوجوانی به عنوان زمان طوفان و فشار روان‌شناختی یاد کرده‌اند؛ یعنی به دوش کشیدن مسئولیت‌های خواسته از یک بزرگسال، قبل از اینکه به بزرگسالی برسد (آدولف و برگر^۴، ۲۰۱۵؛ شکیب، قدم‌پور و سقایی پورسیفی، ۱۳۹۶). محققان ایرانی اعتیاد را به عنوان یک مشکل فردی و اجتماعی، بسیار مهم‌تر از سایر رفتارهای پرخطر در نظر می‌گیرند (پوراحسان و همکاران، ۲۰۱۶). مسئله تعلقات مرتبط با مواد مخدر، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هایی است که جامعه ایران در حال حاضر با آن مواجه است. درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن دشوار و پرهزینه است و سیستم درمانی جامعی را می‌طلبد؛ لذا در چنین شرایطی به طور منطقی پیشگیری جایگزین درمان می‌شود. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که مصرف مواد مخدر در میان نوجوانان افزایش چشمگیری یافته است (سراج‌زاده و همکاران، ۲۰۱۴). اعتیادپذیری در بسیاری از افراد، از سنین دبیرستان آغاز می‌شود؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش مصرف مواد مخدر و اعتیادپذیری در بزرگسالی، کنترل آن در نوجوانی است (ولدیگی، نیک بخت و لشکری، ۱۳۹۶).

مطالعات داخلی و خارجی متفاوت بیانگر این است که دوران نوجوانی و به ویژه حضور نوجوانان در دبیرستان، یکی از حساس‌ترین مقاطع در اعتیادپذیری است و گرایش به مصرف مواد مخدر رشد روزافزونی در این بازه سنی دارد (بروکس روسل و همکاران^۵، ۲۰۱۳؛ اوسترلو و همکاران^۶، ۲۰۱۲؛ یوسف و همکاران^۷، ۲۰۱۴؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه بیشتر اعضای این گروه سنی را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند، می‌توان این آمار را خطرناک دانست.

به طور کلی با در نظر گرفتن اینکه سلامت هر جامعه با سلامت نوجوانان آن جامعه به طور کلی و سلامت نوجوانان دختر آن جامعه به طور جزئی رابطه‌ای نزدیک دارد؛ لذا به بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار خواهیم پرداخت که به نظر می‌رسد یکی از مؤلفه‌های مهم در اعتیادپذیری، مکانیزم‌های دفاعی است. بنا بر عقیده فروید^۸، دفاع‌ها برای عملکرد یک شخصیت سالم ضروری هستند؛ بنابراین با بینش کافی به مکانیزم‌های دفاعی^۹ و آگاهی به احساس‌های بیمارگون افراد به آسانی و با شفافیت بیشتری به معنای رفتارهایی که تا آن لحظه منطقی برای آن نمی‌یافتند، رسیده و از علائم بیماری و شیوه نگرش خود اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند. رسیدن به چنین شناختی، نشانه‌های روان پزشکی دردناک (از قبیل افسردگی^{۱۰} و هراس‌ها^{۱۱}) را در افراد کاهش داده و باعث ایجاد تغییرات رفتاری سالم در زندگی می‌شود. طبق برخی یافته‌ها افرادی که به سمت مصرف مواد کشیده می‌شوند، بیشتر از مکانیزم‌های دفاعی رشدنا یافته استفاده می‌کنند. این افراد در موقعیت‌های تنیدگی را از به کارگیری مکانیزم‌های دفاعی مؤثر و کارآمد ناتوان هستند و به رفتارهای برانگیخته و مخرب مانند مصرف مواد روی می‌آورند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مکانیزم‌های دفاعی می‌تواند نقش مهمی در آسیب‌های روانی و گرایش افراد به مصرف مواد داشته باشد. مکانیزم‌های دفاعی عبارتند از واکنش‌های ناخودآگاه «من»، به عنوان قسمتی از شخصیت به منظور کاهش اضطراب با استفاده از تغییر در مسیر ادراک واقعیت. «من» در تلاش است تا از طریق این فرایندها اضطراب‌های ناشی از تعارض بین «نهاد» و «فرامن» را برطرف سازد (فلوروس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۴). هسیه و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۹) مکانیزم‌های دفاعی را بر حسب سبک‌های دفاعی، به سه دسته شامل سبک دفاعی رشد یافته، نوروپیک و رشدنا یافته تقسیم می‌کنند. مکانیزم‌های دفاعی در این تقسیم بندی‌ها به صورت سلسله مراتبی مرتب

- 1 Adolescence
- 2 Sercombe
- 3 Addiction
- 4 Adolph & Berger
- 5 Brooks-Russell
- 6 Oesterle & et al.
- 7 Yusoff & et al.
- 8 Frued
- 9 defense mechanism
- 10 Depression
- 11 phobia
- 12 Floros & et al.
- 13 Hsieh & et al.

شده‌اند، به گونه‌ای که از دفاع‌های بسیار ناپخته تا بسیار پخته و بسیار ناسازگارانه با بسیار سازگارانه گسترش یافته‌اند. در ناپخته ترین سطح، مکانیزم‌های دفاعی واقعیت را انکار نموده و به ابداع واقعیت خیالی می‌پردازند. مکانیزم‌های انکار و خیال پردازی از همه ناپخته ترند. زیرا فرد واقعیت بیرونی را حتی نمی‌تواند تشخیص دهد. در سطح دوم پختگی، دفاع‌هایی همچون فرافکنی قرار دارند که به موجب آن، واقعیت بیرونی را فرد تشخیص داده اما با دور انداختن جنبه‌های ناراحت کننده آن از خود، با آن کنار می‌آید. در سطح سوم پختگی، رایج‌ترین دفاع‌ها قرار گرفته از جمله آن دلیل تراشی و واکنش وارونه می‌باشد. این مکانیزم‌ها با اضطراب کوتاه مدت به نحو مؤثری برخورد نموده اما در بلندمدت برای سازگاری فایده‌ای ندارند. دفاع‌های سطح چهارم، سازگارترین و پخته‌ترین دفاع‌ها هستند و شامل مکانیزم‌های همچون والایش و شوخی است (ریو، سیدمحمدی، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با اعتیادپذیری، مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری یک تعهد درونی و الزام از سوی فرد جهت انجام مطلوب فعالیت‌هایی می‌باشد که بر عهده‌اش است. نظریه وجودگرایان از جمله نظریاتی است که در رابطه با مسئولیت‌پذیری بحث می‌کنند. بر طبق نظریه وجودگرایان مسئولیت‌پذیری امری وجودی است که شکوفایی آن از طریق تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد؛ بنابراین، هر چه انسان آگاه‌تر باشد بیشتر نیز احساس مسئولیت خواهد نمود و با تداوم آگاهی، منجر به افزایش احساس مسئولیت می‌گردد (جاگر و فیفکا^۱، ۲۰۲۰). مسئولیت‌پذیری توانایی برآوردن نیازهای خود و پذیرفتن پیامد رفتارها به گونه‌ای که مانعی در جهت برآوردن نیازهای افراد نباشد، تعریف می‌شود. صاحبی و همکاران (۱۳۹۴) مسئولیت‌پذیری را در قالب سه مؤلفه صورت‌بندی نموده‌اند: ۱. یادگیری انتخاب رفتارهایی است که منجر به برآورده کردن نیازهای اساسی می‌گردد. ۲. پذیرش پیامدهای رفتار خود و ۳. مانعی در مسیر برآورده شدن نیازهای دیگران نباشد. بر اساس مطالعات صورت گرفته بین اعتیادپذیری با ویژگی‌های شخصیتی نظیر مسئولیت‌پذیری رابطه معنی‌داری وجود دارد (رینا و همکاران^۲، ۲۰۱۳؛ کامکار و همکاران، ۱۴۰۰). انسان اجتماعی از دیرباز، برای زیستن ناگزیر به همکاری با هموعان خود و قبول مسئولیت بوده چرا که نیازهای او با کمک و همیاری دیگران مرتفع می‌شده است (ستوده، ۱۳۹۸).

مشکلات مطرح شده فوق ضرورت برنامه‌ریزی و تدوین مداخله‌ای پیشگیرانه اعتیادپذیری را در مدارس نشان می‌دهد. استفاده از مواد مخدر در میان دانش‌آموزان پیامدهای جدی در بردارد که برخی از این پیامدهای جدی عبارتند از: طرد شدن، ایجاد نسل دارای اعتیاد، کاهش ارتباط با افراد عادی و افزایش ارتباط با معتادان و فروشندگان مواد و همچنین از طرف دیگر، ایران یکی از قربانیان بزرگ مواد مخدر در جهان محسوب می‌شود؛ از آنجا که ایران در سر راه یکی از مسیرهای اصلی حمل و نقل مواد افیونی قرار دارد و نیز به دلایل اجتماعی و تاریخی لزوم توجه ویژه به امر اعتیادپذیری در جامعه احساس می‌شود (تقوی سوره برق و نویدی پشتیری، ۱۴۰۰). گستره پیامدهای منفی اعتیاد به مواد مخدر در جامعه باعث می‌شود که پرداختن به این موضوع و شناسایی عوامل مرتبط با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد؛ بنابراین جهت مقابله با این پدیده انجام پژوهش‌های گسترده جهت شناسایی بهتر عوامل ایجاد کننده و کمک به بالا بردن توانایی افراد برای مقابله با این پدیده ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این که پیشگیری از مبتلا شدن به مواد به مراتب آسان‌تر از درمان این اختلال می‌باشد (زرگر و همکاران، ۱۳۹۲)؛ لذا جامعه باید قادر به اقدامات پیشگیرانه از طریق شناسایی عوامل مؤثر بر اعتیادپذیری دانشجویان باشد. آمار روز افزون وابستگی به مواد مخدر بخصوص اشاعه آن در بین نوجوانان و دانش‌آموزان نشان می‌دهد نسل نوجوان که باید در جهت سازندگی و پیشرفت جامعه مشارکت داشته باشند، گرایش به مصرف مواد مخدر پیدا کرده و در دام اعتیاد به هدر می‌روند. از این رو لازم است بررسی‌های عمیق و وسیع در مورد شناسایی عوامل زمینه ساز اعتیادپذیری انجام گیرد. با توجه به مبانی نظری اشاره شده در پژوهش حاضر و همچنین سوابق پژوهشی راجع به متغیرها نشانگر این مسئله است که مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری می‌تواند در اعتیادپذیری دختران دبیرستانی نقش داشته باشد. مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که رابطه بین این سه متغیر به شکل هم زمان مطالعه نشده است و از آنجا که این موضوع تازه و مشکل به روز جامعه قلمداد می‌شود و پژوهش‌چندانی درباره آن در مورد دانش‌آموزان دختر انجام نگرفته است و اکثریت بر روی دانشجویان انجام شده است؛ لذا تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه بین مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری در دختران دبیرستانی انجام شده است.

۲- روش بررسی

جامعه: کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهرستان لنگرود در سال تحصیلی ۹۶-۹۷
نمونه: نمونه پژوهش حاضر ۱۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر از بین دبیرستان‌های دولتی شهرستان لنگرود بود که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین جامعه انتخاب شدند.

1 Jäger & Fifka
2 Reyna & et al.

۲-۱- ابزار بررسی

پرسشنامه اعتیادپذیری وید و بوچر^۱ (۱۹۹۲): جهت سنجش آمادگی به اعتیاد است که با توجه به شرایط روانی- اجتماعی جامعه ایرانی ساخته شده است. این پرسشنامه از دو عامل تشکیل شده است و دارای ۳۶ ماده به اضافه ۵- ماده دروغ سنج می‌باشد. این پرسشنامه ترکیبی از دو عامل آمادگی فعال و آمادگی منفعل می‌باشد. آمادگی فعال مربوط به رفتارهای ضد اجتماعی، میل به مصرف مواد، نگرش مثبت به مواد، افسردگی و هیجان‌خواهی می‌باشد و در عامل دوم (آمادگی منفعل) بیشترین ماده‌ها مربوط به عدم ابراز وجود و افسردگی می‌باشد. نمره گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از صفر (کاملاً مخالفم) تا ۳ (کاملاً موافقم) می‌باشد. البته این شیوه نمره گذاری در سؤالات شماره ۱۲، ۱۵، ۲۱ و ۳۳ معکوس خواهد شد. این پرسشنامه دارای عامل دروغ سنج است که شامل سؤالات شماره ۱۲، ۱۵، ۲۱ و ۳۳ می‌شود. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه باید مجموع امتیازات تک تک سؤالات (به غیر از مقیاس دروغ سنج) را با هم جمع نمود. این نمره دامنه‌ای از ۰ تا ۱۰۸ را خواهد داشت. نمرات بالاتر به منزله آمادگی بیشتر فرد پاسخ دهنده برای اعتیاد می‌باشند و برعکس. سؤالات مربوط به هر خرده مقیاس بدین شرح است: آمادگی اعتیاد (استعداد اعتیاد): سؤال‌های ۳-۴-۵-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۲-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱ و ۳۳. آمادگی منفعل (پذیرش اعتیاد): سؤال‌های ۱-۲-۳-۱۳-۱۴-۲۰-۲۳. سؤال ۹ هر دو خرده مقیاس را می‌سنجد. زرگر و همکاران (۱۳۸۷) نشان دادند که این پرسشنامه دو گروه معتاد و غیر معتاد را به خوبی از یکدیگر تمیز می‌دهد. همچنین به عنوان روایی همگرا رابطه نمرات این آزمون را با نمرات مقیاس ۲۵ ماده‌ای فهرست علائم بالینی ۰/۴۵ گزارش کردند. اعتبار این مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد (زرگر و همکاران، ۲۰۰۸؛ خانزاده و همکاران، ۱۳۹۲). در این پرسشنامه میزان اعتبار بر حسب آلفای کرونباخ (۰/۷۹) کسب شد.

پرسشنامه مسئولیت پذیری: که این آزمون توسط کردلو در سال ۱۳۸۹ به منظور سنجش میزان مسئولیت پذیری دانش آموزان در خانه و مدرسه ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۵ زیر مقیاس است که به ترتیب در مقیاس اول فعالیت‌های دانش آموز در داخل و خارج از مدرسه پرسیده می‌شود. مقیاس دوم مسئولیت‌های دانش آموزان را در منزل مورد سؤال قرار می‌دهد. مقیاس سوم، میزان غیبت و تأخیر آزمودنی را مورد سؤال قرار می‌دهد. مقیاس چهارم و پنجم پرسشنامه میزان مسئولیت‌پذیری، احساس امنیت، عزت نفس و تعلق را مورد سنجش قرار می‌دهد. مقیاس‌ها شامل: احساس امنیت: به منظور اندازه‌گیری میزان احساس امنیت و شامل سؤالات ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۲-۱۳-۱۶-۲۲ می‌باشد و به منظور بدست آوردن نمرات امنیت آزمودنی نمرات ۱۴ سؤال فوق جمع شده و در نهایت احساس امنیت آزمودنی را تشکیل می‌دهد. عزت نفس: به منظور اندازه‌گیری میزان عزت نفس آزمودنی در مدرسه گزینه‌های ذیل طرح گردیده است. مقیاس ۴: ۱۱-۱۴-۱۵. مقیاس ۵: ۱-۲-۳-۴-۵-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶. گویه‌های ۱-۵۰-۵۲-۵۵ به صورت منفی نمره‌گذاری می‌شود. بقیه سؤالات به صورت مثبت نمره‌گذاری می‌گردد. احساس تعلق: به منظور اندازه‌گیری میزان احساس تعلق آزمودنی در مدرسه گزینه‌های ذیل طراحی شده است. مقیاس ۴: ۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲. مقیاس ۵: ۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۸-۴۰-۴۱. در این مقیاس ۱- کاملاً موافقم (۱) کاملاً مخالفم (۴ امتیاز). نمرات احساس مسئولیت شامل دو بخش است: بخش تعهد بیرونی و تعهد درونی. نمرات احساس مسئولیت: (تعهد بیرونی)، سؤالات: ۲۰-۲۱-۲۴-۲۹-۳۰-۳۴-۳۵-۳۶-۳۸-۴۰-۴۱. در این مقیاس ۱- کاملاً موافقم (۱) امتیاز ۲- موافقم (۲ امتیاز) ۳- مخالفم (۳ امتیاز) ۴- کاملاً مخالفم (۴ امتیاز). مسئولیت پذیری: (تعهد درونی) به این سؤالات اختصاص دارد: ۲۲-۲۳-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۳۱-۳۲-۳۳-۳۷. اعتبار این آزمون در پژوهش کردلو برابر با ۰/۹۸ گزارش گردیده است. در تحقیق عقلی و نصیری (۱۳۹۳) نیز پایایی مقیاس مذکور با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش گردید. در این پرسشنامه میزان اعتبار بر حسب آلفای کرونباخ (۰/۸۸) کسب شد.

پرسشنامه سبک‌های دفاعی: توسط آندروز و همکاران^۲ در سال ۱۹۹۳ تنظیم شد. این پرسشنامه بر اساس پرسشنامه اولیه باند^۳ و همکاران که در سال ۱۹۸۳ تهیه شده بود، تحول یافت. این آزمون ۲۰ مکانیزم دفاعی را در سه عامل رشد یافته، رشد نایافته و روان آزرده‌وار از یکدیگر مورد بازشناسی و تفکیک قرار داده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ گویه است. مقیاس نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت لیکرت می‌باشد. هر فرد میزان موافقت خود را به هر سوال در یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرتی اعلام می‌کند. فرد در هر یک از مکانیزم‌های دفاعی نمره‌ای بین ۲ تا ۱۸ به دست می‌آورد. در هر کدام از مکانیزم‌های دفاعی که نمره فرد از ۱۰

1 Weed & Butcher

2 Andrews & et al.

3 Bond

بیشتر شود، به معنی استفاده فرد از آن مکانیزم است و در سبک‌های کلی میانگین نمرات فرد در هر سبک مشخص شده و با نمره میانگین فرد در سبک‌های دیگر مقایسه می‌شود. فردی دارای سبک دفاعی است که بیشترین میانگین را داشته باشد. این پرسشنامه در ایران توسط حیدری نسب مورد بررسی و هنجاریابی قرار گرفت. اعتبار پرسشنامه سبک‌های دفاعی آندروز از روش بازآزمایی و نیز محاسبه آلفای کرونباخ در گروه‌های مطالعه به تفکیک در دانش‌آموزان و دانشجویان و جنسیت گروه نمونه‌گیری و نیز سبک‌های دفاعی نشان می‌دهد بالاترین آلفای کلی در مردان دانشجو ۰/۸۱ و پایین‌ترین آلفای کلی در دانش‌آموزان دختر ۰/۶۹ مشاهده می‌شود. در سبک‌های دفاعی بالاترین آلفا مربوط به سبک رشد نیافته ۰/۷۲ و کمترین مربوط به سبک روان‌آزوده وار ۰/۵۰ می‌باشد (آندروز و همکاران، به نقل از حیدری نسب و شعیری، ۱۳۹۰). در این پرسشنامه میزان اعتبار بر حسب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) کسب شد.

۲-۲- روش اجرا

مطالعه حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی - پیش‌بینی است. جامعه پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دولتی شهرستان لنگرود در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تشکیل می‌دهد. این شهرستان دارای ۹ دبیرستان متوسطه دخترانه دولتی است. تعداد دانش‌آموزان دختر دبیرستانی این دبیرستان‌ها ۱۹۵۰ نفر تخمین زده شده است که نمونه آماری پژوهش از میان این تعداد انتخاب شده‌اند. تعداد ۵ دبیرستان از ۹ دبیرستان وارد پژوهش شدند. نمونه آماری پژوهش حاضر ۱۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر از بین دبیرستان‌های دولتی شهرستان لنگرود بود که بر اساس روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به موجب بررسی حاضر ابتدا از بین ۹ مدرسه دخترانه موجود در شهرستان لنگرود ۵ مدرسه را انتخاب گردید و سپس با هماهنگی با مسئولین مدارس اجرای پژوهش آغاز شد. از هر مدرسه به صورت تصادفی چهار کلاس انتخاب شدند. انتخاب هر کدام از این کلاس‌ها از بین مجموع کلاس‌های موجود در هر مقطع تحصیلی اول، دوم، سوم و چهارم صورت پذیرفت. سپس از بین کلاس‌های انتخاب شده آزمودنی‌ها انتخاب شدند (دانش‌آموزانی که تمایل به این کار نداشتند و یا علاقه‌ای نداشتند که اوقات فراغت خود را در اختیار پژوهشگر قرار دهند از بررسی خارج شدند)؛ بنابراین پرسشنامه‌های اعتیادپذیری، مسئولیت‌پذیری و سبک‌های دفاعی در بین دانش‌آموزان انتخاب شده کلاس‌ها پخش شدند. آزمون به شکل گروهی در هر کلاس و با نظارت دقیق پژوهشگر صورت پذیرفته است. قبل از آغاز اجرای پژوهش از هدف پژوهش و حساسیت پاسخگویی درست به سؤالات پرسشنامه‌ها برای رسیدن به نتایج درست با زبان ساده به دانش‌آموزان توضیحاتی ارائه شد تا با دقت بیشتری به سؤالات پاسخ دهند و در پایان بررسی نهایی توسط آزمون SPSS به طور مشروح در بخش یافته‌ها آمده است.

۳- یافته‌ها

هدف این پژوهش بررسی رابطه مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری در دختران دبیرستانی می‌باشد. داده‌های جدول ۱ توزیع فراوانی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع فراوانی بر حسب مقطع تحصیلی

مقطع	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
اول دبیرستان	۳۷	۲۸/۵	۲۸/۵
دوم دبیرستان	۲۳	۱۷/۷	۴۶/۲
سوم دبیرستان	۳۴	۲۶/۲	۷۲/۳
چهارم دبیرستان	۳۶	۲۷/۷	۱۰۰
کل	۱۳۰	۱۰۰	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در بین ۱۳۰ دانش‌آموز، ۳۷ نفر (۲۸/۵ درصد) سال اول دبیرستان و ۲۳ نفر (۱۷/۷ درصد) سال دوم دبیرستان هستند. ۳۴ نفر (۲۶/۲ درصد) سال سوم دبیرستان هستند و ۳۶ نفر (۲۷/۷ درصد) سال چهارم دبیرستان هستند.

جدول ۲. آزمون همبستگی پیرسون

مقیاس‌ها	اعتیادپذیری	مسئولیت‌پذیری	مکانیزم‌های دفاعی
اعتیادپذیری همبستگی	۱	-۰/۸۱	۰/۷۵۹
سطح معناداری		۰/۰۱	۰/۰۰
تعداد	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰

با توجه به جدول فوق، مقدار معناداری $P=0/01$ نشان می‌دهد که بین دو متغیر بین اعتیادپذیری و مسئولیت‌پذیری رابطه خطی معناداری وجود دارد. زیرا $P = 0.01 < \alpha = 0.05$. مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-0/81$ شده است که رابطه‌ای قوی بین اعتیادپذیری و مسئولیت‌پذیری را نشان می‌دهد. مقدار منفی این ضریب همبستگی، جهت رابطه را مشخص می‌کند؛ یعنی هر چه امتیاز آزمون مسئولیت‌پذیری افراد بیشتر باشد، انتظار داریم که اعتیادپذیری آنها کمتر باشد و بالعکس. همچنین مقدار معناداری $P=0$ نشان می‌دهد که بین دو متغیر اعتیادپذیری و مکانیزم‌های دفاعی رابطه خطی معناداری وجود دارد. زیرا $P=0 < \alpha=0.05$. مقدار ضریب همبستگی پیرسون $0/759$ شده است که رابطه‌ای کاملاً قوی بین دو متغیر اعتیادپذیری و مکانیزم‌های دفاعی را نشان می‌دهد. مقدار مثبت این ضریب همبستگی، جهت رابطه را مشخص می‌کند؛ یعنی هر چه امتیاز آزمون مکانیزم‌های دفاعی افراد بیشتر باشد، انتظار داریم که اعتیادپذیری آنها بیشتر باشد و بالعکس؛ لذا بین مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری در دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	خطای استاندارد شده برآورد
۱	۰/۸۵۲	۰/۶۶۱	۰/۶۶۰	۲۵/۸۶۰

پیشگوها: مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری

متغیر وابسته: اعتیادپذیری

با توجه به جدول فوق، دو متغیر مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با هم، ۶۶ درصد تغییرات متغیر وابسته اعتیادپذیری را بیان می‌کنند که با توجه به مقدار معناداری گزارش شده $P=0.00$ در جدول زیر (ANOVA) معنادار است. چون مقدار P کوچکتر از $0/05$ است؛ لذا مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

جدول ۴. آنوا

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری (P)
رگرسیون	۲۳۱/۹۸۵	۲	۱۱۶/۹۹۳	۱/۷۷۵	۰/۰۰
باقی مانده	۸۴۹/۱۲۲	۱۲۷	۶۶۸/۳۳۳		
کل	۸۷۳/۱۰۸	۱۲۹			

نتایج فوق نشان می‌دهد که مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری دارای تأثیر معنادار و قابل پیش‌بینی در اعتیادپذیری دارد. همچنین با توجه به مقدار بتا می‌توان گفت که به ازاء یک واحد افزایش در میزان مسئولیت‌پذیری $0/31$ اعتیادپذیری کاهش پیدا می‌کند. همچنین به ازاء یک واحد افزایش در میزان مکانیزم‌های دفاعی $0/35$ اعتیادپذیری افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی

مدل	B	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد نشده		
			بتا	آماره t	P
متغیر پیشگو	۱۵/۹۰۰	۹/۰۳۲		۷/۲۹۶	۰۰۰
مکانیزم‌های دفاعی	۰/۲۴	۰/۰۵۰	۰/۳۵	۰/۴۸۲	۰/۶۳۱
مسئولیت‌پذیری	-۳/۳	۰/۲۵	-۰/۳۱	-۱/۸۲۵	۰/۰۷۰

متغیر وابسته: اعتیادپذیری

۶- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش مؤید این نکته بود که بین اعتیادپذیری، مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری در دختران دبیرستانی رابطه وجود دارد. به این معنا که هر چه مسئولیت‌پذیری افراد بیشتر باشد، انتظار داریم که اعتیادپذیری آنها کمتر باشد و بالعکس و همچنین هر چه امتیاز آزمون مکانیزم‌های دفاعی افراد بیشتر باشد، انتظار داریم که اعتیادپذیری آنها بیشتر باشد و بالعکس. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری تأثیر معنادار و قابل‌پیش‌بینی در اعتیادپذیری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های فلاح کهن، رهبر و اکبری (۱۳۹۵)؛ جانسون و همکاران^۱ (۲۰۱۵)؛ علی مهدی و همکاران (۱۳۹۰)؛ احمدی و همکاران (۱۳۹۱)؛ برودی و کارسون^۲ (۲۰۱۲) هماهنگ می‌باشد. این پژوهشگران در نتایج پژوهش‌های خویش ارتباط با مکانیزم‌های دفاعی و مسئولیت‌پذیری با اعتیادپذیری را تأیید کردند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که به طور کلی انسان‌ها از سبک‌های دفاعی مشخص و گاه منحصر به فردی در مواجهه با فشار روانی استفاده می‌کنند که واقعیت را به لحاظ ماهیت تحریف می‌کنند (کرامر^۳، ۲۰۱۲؛ ضیافر و علیجانی، ۱۳۹۸). به طور کلی بی‌انگیزه بودن و یا مقاومت در برابر تغییر در معتادان، نتیجه سبک‌های دفاعی رشد نیافته نیرومند و انعطاف‌ناپذیری است که خود بخشی از بیماری آنهاست. به نظر می‌رسد استفاده بیش از حد و بیمارگونه برخی از مکانیزم‌های دفاعی (انکار، دلیل تراشی، گسست و فرافکنی و...)، بخشی از شخصیت افراد معتاد و یا افراد دارای ویژگی اعتیادپذیری بالا را شکل می‌دهد (که این موضوع در دانش‌آموزان و نوجوانان به علت قرار داشتن در سنین حساس رشدشان می‌تواند به شکل افراطی‌تر نیز باشد) و به عنوان سدی محکم در راه داشتن یک زندگی عادی و یا بهبودشان از بیماری‌شان عمل می‌کند. به نظر می‌رسد که افراد معتاد با بهره‌گیری از فرافکنی مشکلات و پیامدهای ناشی از مصرف مواد را که در روابط بین فردی و خانوادگی خلل ایجاد می‌کند و به دنبال آن موجب تجربه سطوح بالایی از اضطراب می‌گردد، کاهش می‌دهند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که این افراد خود را در برابر اعمالشان پاسخگو نمی‌بینند و مسئولیت رفتارهای پرخطرشان در پناه استفاده ناخودآگاه از مکانیزم‌های دفاعی گوناگون، پنهان می‌شود و اما در افراد و خصوصاً نوجوانان (دانش‌آموزان) عدم مسئولیت‌پذیری می‌تواند موجب ناتوانی در برقراری روابط سالم و محبت‌آمیز با دیگران، ناتوانی در تصمیم‌گیری، شکست‌های پیاپی تحصیلی، ترک تحصیل و مهم‌تر از همه روی‌آوری به مواد مخدر، نوشیدنی‌های الکلی، پرخاشگری و بزهکاری شود؛ بنابراین با کاهش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان، میزان استعداد اعتیاد و اعتیادپذیری در آنان افزایش خواهد داشت. دانش‌آموز مسئولیت‌پذیر با سایر دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها و کارهای گروهی کلاس همکاری می‌کند، برای هر کاری دلیل و منطق دارد و تکالیف خانه و مدرسه را به خوبی انجام می‌دهد. درواقع در راستای نیازهای رشدی‌اش حرکت می‌کند و کمتر به سمت تمایلات بزهکارانه، گروه‌های دوستی خطرناک و روی‌آوری به مصرف مواد می‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد که کاهش استفاده نادرست و ناکارآمد از مکانیزم‌های دفاعی و همچنین تقویت مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌تواند مانعی در راه افزایش اعتیادپذیری آنها قرار گیرد.

در تبیین یافته اخیر نیز می‌توان گفت که دانش‌آموزانی که در موقعیت‌های پراسترس از به کارگیری مکانیزم‌های دفاعی مؤثر و کارآمد ناتوان هستند، احتمال اینکه به رفتارهای برانگیخته و مخرب مانند سیگار و مواد روی‌آورند بسیار بیشتر از دانش‌آموزان دیگر

- 1 Johnson & et al.
- 2 Brody & Carson
- 3 Cramer

است. این نتیجه‌گیری به نظر می‌رسد که برای تمامی اقشار و گروه‌های سنی دیگر نیز صدق کند؛ بنابراین استفاده بیش از حد از مکانیزم‌های دفاعی می‌تواند پیش‌بینی کننده اعتیاد پذیری و یا مبتلا شدن به اختلال مصرف مواد در آینده را برای نوجوانان و دانش‌آموزان پیش‌بینی کند. همچنین یکی از پیامدهای استفاده از مکانیزم‌ها و سبک‌های دفاعی ناکارآمد می‌تواند عدم مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان باشد. به این شکل که مسئولیت‌پذیری ناخودآگاه تحت سیطره مکانیزم‌های دفاعی ناکارآمدی همچون فرافکنی و دلیل تراشی و انکار و ... قرار می‌گیرد؛ بنابراین یک ارتباط متقابل بین مسئولیت‌پذیری و مکانیزم‌های دفاعی می‌تواند احتمال پیش‌بینی کنندگی اعتیادپذیری را در افراد و مخصوصاً نوجوانان و دانش‌آموزان بالا ببرد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همراه بود: از جمله استفاده از پرسشنامه خودگزارشی که دقت اندازه‌گیری را در پژوهش حاضر با مشکل مواجه می‌کند. از محدودیت‌های دیگر پژوهش، اجرای آن تنها در دبیرستان‌های دخترانه شهرستان لنگرود بود و از مدارس روستاهای اطراف شهرستان لنگرود نمونه‌گیری به عمل نیامده است. در پژوهش حاضر، نمونه آماری پژوهش صرفاً دختران دبیرستانی بوده‌اند. نتایج پژوهش حاضر قابل تعمیم به پسران دبیرستانی نخواهد بود؛ لذا در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید دقت و احتیاط شود. از این رو پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده با انتخاب نمونه‌های پسران دبیرستانی و دانش‌آموز نیز انجام پذیرد و همچنین پژوهش‌هایی مشابه به جهت اهمیت موضوع (به ویژه موضوع اعتیاد پذیری) در جمعیت‌های مدارس روستایی شهرستان لنگرود نیز علاوه بر مدارس شهر انجام پذیرد.

منابع

۱. احمدی، محسن؛ نجفی، محمود؛ مدنی، حسین؛ عشوری، آلاله (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های دفاعی و ویژگی‌های شخصیتی در افراد معتاد و عادی، فصلنامه اعتیاد پژوهی سوءمصرف مواد، سال ششم، شماره بیست و سوم: ۳۹-۵۲.
۲. تقوی سوره برق، جواد؛ نویدی پشتیری، شبنم (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی روش دستگاه الکتروشوک RT-901 بر ترک اعتیاد و بررسی میزان این اثربخشی با سطح تأثیر روش متادون درمانی. فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۶).
۳. حیدری نسب، لیلا؛ شعیری، محمدرضا (۱۳۹۰). ساخت عاملی پرسشنامه سبک‌های دفاعی در نمونه‌های غیربالینی ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۶ (۲۱)، ۷۷-۹۷.
۴. دهقانی، سپیده؛ رستمی، رضا؛ اصلانی، سعید (۱۳۹۶). اعتیاد در نوجوانان: مروری بر مباحث عصب شناختی. رویش روان‌شناسی، سال ششم، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۰.
۵. ریاحی، م.؛ علیوردی‌نیا، ا.؛ سلیمانی بشلی، م. ر (۱۳۸۸). نگرش دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه قائم شهر نسبت به مصرف سیگار. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، ۵ (۳)، ۴۴-۵۴.
۶. ریو، جان مارشال (۲۰۰۵). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۷). تهران: نشر ویرایش.
۷. زرگر، یدالله؛ کرمی‌راد؛ بهنام؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر آمادگی اعتیاد در دانشجویان. مجله اعتیادپژوهی، ۱۲ (۳۲)، ۲۹۳-۲۸۹.
۸. ستوده، هدایت الله (۱۳۹۸). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
۹. صاحبی، علی؛ زالی زاده، محسن؛ زالی زاده، مسعود (۱۳۹۴). تئوری انتخاب: رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی. رویش روان‌شناسی، ۱۱ (۲): ۲-۱۴.
۱۰. ضیافر، سارا؛ علیجانی، فاطمه (۱۳۹۸). پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت نوجوانان شهر قزوین بر اساس مسئولیت‌پذیری و سبک‌های دفاعی در دانش‌آموزان دختر. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱۲، ۱۰۸-۱۱۷.
۱۱. عقیلی، سیدمجتبی؛ نصیری، الهه سادات (۱۳۹۳). رابطه راهبردهای یادگیری و سبک‌های اسناد با مسئولیت‌پذیری، دو فصلنامه علمی- پژوهشی شناخت اجتماعی، ۱۱۰-۱۲۷.
۱۲. علی مهدی، منصور؛ فهیمی، صمد؛ بیرامی، منصور (۱۳۹۲). مطالعه مقایسه سبک‌ها و سازوکارهای دفاعی معتادان خودمعرّف و افراد غیر معتاد. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۴ (۱)، ۸۳-۹۱.
۱۳. فلاح کهن، صفیه؛ رهبر، طیبیه؛ اکبری، بهمن (۱۳۹۵). رابطه بین استعداد اعتیاد به مواد با سبک‌های دفاعی در مردان تحت درمان نگهدارنده با متادون شهرستان رشت. کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری.
۱۴. کامکار، شبنم؛ فرخی، نورعلی؛ سلیمی بجستانی، حسین؛ مردانی راد، مژگان (۱۴۰۰). تدوین و آزمون مدل علی پرايش به اعتیاد دانشجویان بر اساس تمایز یافتگی با میانجی‌گری ناگویی هیجانی و مسئولیت‌پذیری. مجله روان‌شناسی اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۶۱، ۶۵-۷۹.

۱۵. کردلو، محمد (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسؤولیت پذیری نوجوانان دبیرستانی، فصلنامه رشد آموزشی مشاوره مدرسه، ۴(۱): ۱۱-۴.
۱۶. گاطع زاده، عبدالامیر؛ مولایی راد، محمدرضا (۱۳۹۹). پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد نوجوانان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین و نقش میانجی منبع کنترل: یک مطالعه توصیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۹، ۱۲۶۱-۱۲۷۶.
۱۷. مرادی‌شکیب، آمنه؛ قدم‌پور؛ سمانه؛ سقایی پورسیفی، مهدیه (۱۳۹۶). مقایسه گرایش به مصرف مواد و مشکلات روان‌شناختی در نوجوانان عادی و آهسته گام. فصلنامه توانمندسازی کودکان استثنایی، سال ۸، شماره ۲۱.
۱۸. ولدبیگی، اقبال؛ نیک بخت، عیسی؛ لشکری، امیر (۱۳۹۶). گرایش به مصرف مواد مخدر در بین دانش‌آموزان دبیرستانی دبیرستان‌های شهر مریوان. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶۴.
19. Adolph, K. E., & Berger, S. E. (2015). Physical and motor development. In M. H. Bornstein & M. E. Lamb (Eds.), *Developmental science: An advanced textbook*, (7th ed., pp. 261-333). New York: Psychology Press/Taylor & Francis.
20. Brody, S., & Carson, C.M. (2012). Brief report: Self-harm is associated with immature defense mechanisms but not substance use in a nonclinical Scottish adolescent sample. *Journal of Adolescence*, 35, 765-767.
21. Brooks-Russell, A., Farhat, T., Haynie, D. & Simons-Morton, B. (2013). Trends in Substance Use Among 6th- to 10th-Grade Students From 1998 to 2010: Findings From a National Probability Study. *The Journal of Early Adolescence*, 34(5), 667-680.
22. Cramer P. (2012). Psychological maturity and change in adult defense mechanisms. *Journal of Research in Personality*; 46(3): 306-316.
23. Floros G, Siomos K, Stogiannidou A, Giouzevas I, et al. (2014). The relationship between personality, defense styles, internet addiction disorder, and psychopathology in college students. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*; 17(10): 672-676.
24. Hsieh K Y, Hsiao R C, Yang Y H, Lee K H, et al. (2019). Relationship between self-identity confusion and internet addiction among college students: the mediating effects of psychological inflexibility and experiential avoidance. *International journal of environmental research and public health*; 16(17): 3225.
25. Jäger J, Fifka M. (2020). A comparative study of corporate social responsibility in English and German professional football. *Soccer & Society*; 1-19.
26. Johnson RA1, Lukens JM2, Kole JW3, Sisti DA (2015). Views about responsibility for alcohol addiction and negative evaluations of naltrexone. *Subst Abuse Treat Prev Policy*. 2015 Mar 8;10:10. doi: 10.1186/s13011-015-0004-7
27. Oesterle, S. et al. (2012). A Cross-National Comparison of Risk and Protective Factors for Adolescent Drug Use and Delinquency in the United States and the Netherlands. *Journal of Drug Issues*, 42(4), 337-357.
28. Sercombe, H. (2014). Risk, adaptation, and the functional teenage brain. *Brain and Cognition*, 89, 61-69.
29. Yusoff, F. et al. (2014). Illicit Drug Use Among School-Going Adolescents in Malaysia. *Asia-Pacific Journal of Public Health*, 26(55), 1005- 1075.
30. Zargar Y, Najarian B, Naami AZ. (2008). The relationship of some personality variables, religious attitudes and marital satisfaction with addiction potential in personnel of an industrial factory in Ahvaz. *J Edu Sci Psych Ahvaz Univ*, 1(1): 99-120.

تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود سازگاری اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه شهرستان سرپل ذهاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

کد مقاله: ۴۹۰۲۱

مهناز رشتیانی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر مهارت‌های اجتماعی بر بهبود سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر با نیازهای ویژه (استثنایی) شهرستان سرپل ذهاب انجام شده است. جامعه آماری شامل دانش آموزان پسر و دختر با نیازهای ویژه (استثنایی) مقطع ابتدایی مدارس شهرستان سرپل ذهاب در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ می باشد. ۶۹ دانش آموز (۲۶ دختر، ۴۳ پسر) به عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و با استفاده از اصل اشباع انتخاب گردید. این پژوهش به شیوه میدانی و بهره‌گیری از پرسشنامه محقق ساخته با روش توصیفی همبستگی انجام پذیرفته است. داده‌های این تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS (نسخه ۲۵) و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون تحلیل گردیدند. نتایج پژوهش صورت گرفته بیانگر این است که بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر با نیازهای ویژه (استثنایی)، همبستگی و رابطه معنادار مثبتی وجود دارد ($p < 0.05$). یافته‌های پژوهش صورت گرفته بیانگر تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود سازگاری اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) است. بنابراین پیشنهاد می‌شود با طراحی و اجرای آموزش مهارت‌های اجتماعی جهت بهبود سازگاری اجتماعی این گروه از دانش آموزان اقدام گردد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی، دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی)، سازگاری اجتماعی، شهرستان سرپل ذهاب.

۱- مقدمه

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است، به گونه‌ای که بسیاری از نیازهای متعالی و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌هایش از طریق تعامل بین فردی و ارتباط اجتماعی ارضا شده و به فعل در می‌آید (بهمی و همکاران، ۱۳۹۵). هر شخصی برای آغاز نمودن و ادامه دادن یک ارتباط و همچنین ارتباط برقرار کردن و پاسخ به دیگران زمانی که در یک مباحثه شرکت می‌کند، از مهارت‌های اجتماعی استفاده می‌نماید (کوچوگنو^۱، ۲۰۰۹). کسب مهارت‌های اجتماعی کودکان بخشی از اجتماعی شدن آنان است؛ در فرآیند اجتماعی شدن، هنجارها، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار فرد شکل می‌گیرد، تا به نحو مناسب و مطلوبی نقش کنونی یا آتی خود را در جامعه ایفا کند. خانواده و نهادهای اجتماعی دیگر مانند مدرسه، مهمترین عامل اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی هستند (به‌پژوه، ۱۳۸۹: ۱۶۶). شواهد نشان می‌دهد که افراد با نیازهای ویژه (استثنایی) در مقایسه با همسالان خود در یادگیری مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز خود مشکل دارند (گانای^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

توجه به مهارت‌های اجتماعی و تقویت آن می‌تواند راهگشایی جهت بهبود یادگیری و فعالیت‌های آموزشی در مدارس باشد. چرا که مهارت اجتماعی، رفتارهای آموخته شده‌ای است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه اثر بخش داشته و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی خود داری کنند. مهارت‌های اجتماعی توانایی‌هایی هستند که باعث بروز رفتارهایی می‌شوند که به صورت مثبت و یا منفی تقویت می‌گردند. این مهارت‌ها می‌توانند در روابط انسان با دیگران نتایج مثبت و موفقیت آمیزی به وجود آورند و موجبات سازگاری بیشتر و اثر گذاری مناسب و مطلوب در رفتار دیگر افراد جامعه که کودک در ارتباط با آن‌ها در اجتماع زندگی می‌کند، را فراهم نمایند. اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای فرد شکل می‌گیرد و او را برای ورود به جامعه آماده می‌کند و زمینه موفقیت او را فراهم می‌نماید (کرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴).

کودکانی که مهارت‌های اجتماعی کافی کسب کرده‌اند در ایجاد ارتباط با همسالان و یادگیری در محیط آموزشی موفق‌تر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت‌ها می‌باشند (ایلکنور و بالبین^۳، ۲۰۰۷). همچنین یادگیری مهارت‌های اجتماعی، محور اصلی رشد اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می‌آید (تئودورو^۴ و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین با توجه به نقش مهارت‌های اجتماعی در رفتار اجتماعی، بهداشت اجتماعی و به طور ویژه اثر پایدار آن در افزایش سازگاری اجتماعی فرد و نیز با توجه به اینکه افراد فاقد سازگاری اجتماعی و یا با سازگاری اجتماعی ضعیف بیشتر از دیگران دچار آسیب‌ها و مشکلات رفتاری و سازشی می‌شوند، لزوم فراگیری آموزش‌های منتهی به ارتقای مهارت‌های اجتماعی پر اهمیت جلوه می‌نماید. و از آنجا که دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) از سطح سازگاری اجتماعی پایین‌تری نسبت به سایر دانش آموزان برخوردار هستند آموزش مهارت‌های اجتماعی به این دانش‌آموزان ضرورت دارد. لذا در این پژوهش تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش آموزان با نیازهای ویژه بر افزایش سازگاری اجتماعی بررسی و سؤالات زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

آموزش مهارت‌های اجتماعی چه تأثیری بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر دارای نیازهای ویژه (استثنایی) دوره ابتدایی شهرستان سرپل ذهاب دارد؟

آموزش مهارت‌های اجتماعی چه تأثیری بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر دارای نیازهای ویژه (استثنایی) دوره ابتدایی شهرستان سرپل ذهاب دارد؟

۲- مبانی نظری پژوهش

مهارت‌های اجتماعی ترکیب فتونی است که به دانش آموزان برای کسب روابط بین فردی معنادار، ارتباط درست و روشن، ارزیابی درست از خود و پاداش دادن به رفتارهای انطباقی خود کمک می‌کند (هارل^۵ و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین مهارت‌های اجتماعی بیانگر مجموعه پیچیده‌ای از مهارت‌هاست که شامل ارتباط، حل مسئله، تصمیم‌گیری، خودمدیریتی، جرئت‌ورزی، تعامل با همسالان و گروه می‌شود (جلیل آبکنار و همکاران، ۱۳۹۲). مهارت‌های اجتماعی به افراد اجازه می‌دهند تا تعاملات اجتماعی مثبتی را با دیگران شروع کرده و ادامه دهند و شامل مهارت‌هایی، مانند برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان، حل مسأله، تصمیم‌گیری و خودمدیریتی می‌باشد. این مهارت‌ها، رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری هستند که استقلال، قابلیت پذیرش و کیفیت مطلوب زندگی را بهبود می‌بخشند، برای سازش یافتگی و کارکرد بهنجار فرد مهم هستند و نارسایی در آنها با اختلال‌های روانی و مشکلات رفتاری مرتبط هستند (کوک^۶ و همکاران، ۲۰۰۸؛ ماتسون^۷ و همکاران، ۲۰۰۸).

1 cotugno

2 Ganaie

3 ILknur & Bulbin

4 Teodoro

5 Harrell

6 Cook

7 Matson

سازگاری با موقعیت‌های جدید و متنوع در دورانی که عصر تنیدگی و تغییر سریع اجتماعی است، کار آسانی نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که هر گونه دگرگونی در زندگی آدمی، خواه خوشایند و خواه ناخوشایند، مستلزم سازگاری مجدد است (نزو^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). سطح سازگاری اجتماعی ما، بر روش برخورد ما با مشکلات زندگی تأثیرگذار است؛ لذا افراد باید هر یک، به نوعی به سازگاری رضایت بخش دست یابند (لارا^۲ و همکاران، ۲۰۰۶). از این رو، مهارت‌های اجتماعی مجموعه‌ای از توانایی‌ها است که قدرت سازگاری اجتماعی را افزایش می‌دهد (دانش و همکاران، ۱۳۹۳).

۳- پیشینه‌ی پژوهش

محققین در ایران و کشورهای دیگر پژوهش‌هایی در خصوص مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان انجام داده‌اند. تعدادی از این پژوهش‌ها را که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش دارد بررسی می‌گردد.

به‌پژوه و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دیر آموز» انجام دادند. آنان برای انجام پژوهش ۵۰ دانش‌آموز دیر آموز پایه دوم را به روش نمونه‌گیری تصادفی از شهر خدابنده انتخاب کردند و با استفاده از طرح آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایشی و کنترل مورد سنجش قرار گرفته است. آزمون‌های مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون، مقیاس رفتار سازشی واینلند و آزمون پیشرفت تحصیلی محقق ساخته به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد و سپس دانش‌آموزان گروه آزمایشی در ۱۲ جلسه یک ساعته در دوره آموزش مهارت‌های اجتماعی شرکت کردند. پس از برگزاری برنامه مداخله‌ای، دو گروه آزمایشی و کنترل با یکدیگر مقایسه شدند. یافته‌ها نشان داد برنامه مداخله‌ای اثر معناداری بر بهبود سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دیر آموز در گروه آزمایشی داشته است.

شریفی درآمدی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر رویکرد شناختی - رفتاری بر سازگاری دانش‌آموزان نابینا» به روش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل انجام داد. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی شهر اصفهان بود و ۳۶ دانش‌آموز پسر نابینا به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داده که آموزش مهارت‌های اجتماعی در بهبود سازگاری دانش‌آموزان پسر نابینا در گروه آزمایش به طور معناداری مؤثر بوده است. آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر رویکرد شناختی رفتاری سبب افزایش سازگاری دانش‌آموزان نابینا شده است.

فتح‌اله‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی» که با روش پژوهش نیمه تجربی با گروه آزمایش، گروه گواه و طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری دو ماهه و جامعه آماری ۲۴۳۸۳ دانش‌آموز مقطع متوسطه ناحیه ۲ آموزش و پرورش اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ انجام شد به این نتایج دست یافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری اثر داشته و روشی مؤثر برای ارتقاء سازگاری نوجوانان دختر است و همچنین و میزان خودکارآمدی را نیز به طور معناداری افزایش داده است.

شریعت باقری و نیک‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی بر مسئولیت‌پذیری و سازگاری دانش‌آموزان» که بر روی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه دبیرستان مهر هشتم تهران در سال ۱۳۹۶ انجام پذیرفت و با استفاده از پرسشنامه و تقسیم دانش‌آموزان نمونه مورد بررسی به دو گروه آزمایش و کنترل انجام گرفت به این نتایج دست یافتند: آموزش مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی به طور معناداری، باعث افزایش مسئولیت‌پذیری و سازگاری با مدرسه در دانش‌آموزان می‌شود. به عبارت بهتر با شرکت در جلسات آموزش مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی، سطوح مسئولیت‌پذیری و سازگاری با مدرسه در دانش‌آموزان افزایش می‌یابد.

آتاسکادرو^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی تحت عنوان «بهبود سازگاری رفتاری اجتماعی نوجوانان: اثربخشی مداخله گروهی مهارت‌های اجتماعی» که با هدف بررسی تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری رفتاری اجتماعی نوجوانان انجام پذیرفته است. به این نتیجه دست یافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی تأثیر مثبتی بر سازگاری اجتماعی نوجوانان می‌تواند داشته باشد و نوجوانانی که تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی بوده‌اند از سطح سازگاری بیشتری برخوردار هستند.

لی تل^۴ و همکاران (۲۰۰۸) تحقیقی با عنوان «سازگاری بهتر دانش‌آموزان عادی نسبت به دانش‌آموزان استثنایی» انجام دادند. این تحقیق با هدف مقایسه سازگاری دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزان استثنایی انجام پذیرفته است. نتایج پژوهش آنان بیانگر این است که دانش‌آموزان مدارس عادی، سازگاری اجتماعی بیشتری در مقایسه با دانش‌آموزان استثنایی هم سن خود در مدارس استثنایی دارند. و دانش‌آموزان مدارس استثنایی از توان سازگاری اجتماعی پایینی برخوردار هستند.

1 Nezu
2 Laura
3 Atascadero
4 littl

راتکلیف^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی که در خصوص آموزش مهارت‌های اجتماعی - عاطفی به کودکانی که به مدرسه می‌روند و مبتلا به اختلال طیف اوتیسم هستند به این نتایج دست یافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث افزایش مهارت‌های هیجانی - عاطفی و افزایش صلاحیت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی بیش‌تر و در کل افزایش سلامت روان افراد می‌شود.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش رابطه مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) مقطع دبستان شهرستان سرپل ذهاب با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بررسی شده است. متغیرهای مستقل تحقیق در قالب مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی با مرور ادبیات نظری و پیشینه تحقیق بدست آمد و بر اساس آن پرسشنامه تحقیق طراحی شده است. و سازگاری اجتماعی در این تحقیق به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شد. متغیرهای مستقل (مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی): مهارت حل مسأله، رعایت قوانین اجتماعی، شناسایی ارزش‌های اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، روابط بین فردی مطلوب، مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی، جرات‌ورزی، درک اجتماعی و خودگردانی است (توکلی و سلطانی، ۱۳۹۴؛ هارل و همکاران، ۲۰۰۸؛ جلیل آبکنار و همکاران، ۱۳۹۲).

در این تحقیق جامعه آماری شامل: دانش آموزان دختر و پسر با نیازهای ویژه (استثنایی) دوره دبستان شهرستان سرپل ذهاب که در سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰ مشغول به تحصیل هستند می‌باشد. تعداد نمونه به دلیل کم بودن جامعه آماری برابر جامعه آماری در نظر گرفته شد. ۶۹ دانش آموز که شامل ۲۶ دانش آموز دختر و ۴۳ دانش آموز پسر می‌باشد به عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و استفاده از اصل اشباع انتخاب گردید. سوالات پرسشنامه شامل مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی می‌باشد و میزان اثر گذاری آنها بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان مورد بررسی می‌باشد. برای بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه پس از طرح ۳۰ سؤال از میان آنها ۲۰ سؤال انتخاب شد و پرسشنامه برای بررسی روایی صوری در اختیار چند پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی قرار گرفت و سوالات اصلاح گردید.

جدول ۱- شیوه تفسیر شدت رابطه در همبستگی

پیرسون

شدت رابطه	تفسیر
۰/۸ تا ۱	رابطه بسیار قوی
۰/۶ تا ۰/۸	رابطه قوی
۰/۴ تا ۰/۶	رابطه متوسط
۰/۲ تا ۰/۴	رابطه کم (یا ضعیف)
صفر تا ۰/۲	فقدان رابطه یا رابطه ناچیز

ضریب روایی محاسبه شده ۹۱ درصد بود و برای پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد که ۸۵ درصد به دست آمد، بنابراین می‌توان گفت پرسشنامه مورد استفاده پایایی لازم را دارد. برای تحلیل داده‌ها با توجه به نرمال بودن داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که کلیه مراحل آماری با استفاده از نسخه ۲۵ نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. شیوه تفسیر رابطه همبستگی در جدول شماره ۱ آمده است (افکاری، ۱۳۹۸).

۵- یافته‌ها

سؤال اول تحقیق «آموزش مهارت‌های اجتماعی چه تأثیری بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر دارای نیازهای ویژه (استثنایی) دوره ابتدایی شهرستان سرپل ذهاب دارد؟» نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر مورد بررسی در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲- آزمون همبستگی پیرسون دو متغیر مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر

متغیر مستقل (مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی)	ضریب پیرسون	سطح معناداری
مهارت حل مسأله	۰/۶۲	۰/۰۰۱
قدرت تصمیم‌گیری	۰/۵۷	۰/۰۰۵
روابط بین فردی	۰/۷۳	۰/۰۰۱
تعامل اجتماعی	۰/۸۱	۰/۰۰۱
شناسایی ارزش‌های اجتماعی	۰/۵۴	۰/۰۰۵
جرات‌ورزی	۰/۶۱	۰/۰۰۱
خودگردانی	۰/۶۲	۰/۰۰۱
رعایت قوانین اجتماعی	۰/۶۴	۰/۰۰۱
درک اجتماعی	۰/۶۳	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری	۰/۶۱	۰/۰۰۱

¹ Ratcliffe

طبق نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول (۲) بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر همبستگی مثبت و معنی داری ($p < 0/05$) وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معنی داری بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی به گونه زیر است:

مهارت حل مسأله (ضریب همبستگی: $0/62$ و سطح معنی داری: $0/001$)، قدرت تصمیم‌گیری (ضریب همبستگی: $0/57$ و سطح معنی داری: $0/005$)، روابط بین فردی (ضریب همبستگی: $0/73$ و سطح معنی داری: $0/001$)، تعامل اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/81$ و سطح معنی داری: $0/001$)، شناسایی ارزش‌های اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/54$ و سطح معنی داری: $0/005$)، جرأت ورزی (ضریب همبستگی: $0/61$ و سطح معنی داری: $0/001$)، خودگردانی (ضریب همبستگی: $0/62$ و سطح معنی داری: $0/001$)، رعایت قوانین اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/64$ و سطح معنی داری: $0/001$)، درک اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/63$ و سطح معنی داری: $0/001$)، مسئولیت‌پذیری (ضریب همبستگی: $0/61$ و سطح معنی داری: $0/001$).

سؤال دوم تحقیق «آموزش مهارت‌های اجتماعی چه تأثیری بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر دارای نیازهای ویژه (استثنایی) دوره ابتدایی شهرستان سرپل ذهاب دارد؟» نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر مورد بررسی در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون دو متغیر مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر

متغیر مستقل (مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی)	ضریب پیرسون	سطح معناداری
مهارت حل مسأله	$0/64$	$0/005$
قدرت تصمیم‌گیری	$0/61$	$0/001$
روابط بین فردی	$0/81$	$0/001$
تعامل اجتماعی	$0/83$	$0/001$
شناسایی ارزش‌های اجتماعی	$0/61$	$0/001$
جرأت ورزی	$0/58$	$0/005$
خودگردانی	$0/65$	$0/001$
رعایت قوانین اجتماعی	$0/62$	$0/001$
درک اجتماعی	$0/71$	$0/001$
مسئولیت‌پذیری	$0/63$	$0/001$

طبق نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول (۳) بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر همبستگی مثبت و معنی داری ($p < 0/05$) وجود دارد. ضریب همبستگی و سطح معنی داری بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی به گونه زیر است:

مهارت حل مسأله (ضریب همبستگی: $0/64$ و سطح معنی داری: $0/005$)، قدرت تصمیم‌گیری (ضریب همبستگی: $0/61$ و سطح معنی داری: $0/001$)، روابط بین فردی (ضریب همبستگی: $0/81$ و سطح معنی داری: $0/001$)، تعامل اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/83$ و سطح معنی داری: $0/001$)، شناسایی ارزش‌های اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/61$ و سطح معنی داری: $0/001$)، جرأت ورزی (ضریب همبستگی: $0/58$ و سطح معنی داری: $0/005$)، خودگردانی (ضریب همبستگی: $0/65$ و سطح معنی داری: $0/001$)، رعایت قوانین اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/62$ و سطح معنی داری: $0/001$)، درک اجتماعی (ضریب همبستگی: $0/71$ و سطح معنی داری: $0/001$)، مسئولیت‌پذیری (ضریب همبستگی: $0/63$ و سطح معنی داری: $0/001$).

۶- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود سازگاری اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه دوره ابتدایی شهرستان سرپل ذهاب انجام شده است. به همین منظور، مهمترین مهارت‌های اجتماعی با استفاده از نتایج تحقیقات متعدد شناسایی و در ۱۰ گروه طبقه‌بندی گردید که عبارتند از: توانایی حل مسأله، رعایت قوانین اجتماعی، شناسایی ارزش‌های اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، روابط بین فردی مطلوب، مسئولیت‌پذیری، تعامل اجتماعی، جرأت‌ورزی، درک اجتماعی و خودگردانی. فقدان مهارت‌های اجتماعی و یا پایین بودن سطح آن در دانش آموزان به ویژه دانش آموزان مدارس استثنایی بی‌شک می‌تواند آسیب‌های قابل توجهی به تعادل روانی و شخصیتی آنان وارد سازد. بنابراین دانش آموزان دوره ابتدایی بدون یادگیری مهارت‌های اجتماعی، در دفاع از حقوق خود، انجام کار گروهی و همکاری با دیگران، برقرار نمودن روابط سالم، ابراز وجود، توانایی تصمیم‌گیری و مواجه مناسب با مسائل و مشکلات زندگی ناتوان خواهند بود.

در دانش آموزان پسر مورد بررسی مؤلفه تعامل اجتماعی همبستگی بسیار قوی‌ای (معنی دار و مثبت) با سازگاری اجتماعی دارد. و مؤلفه‌های مهارت حل مسأله، روابط بین فردی، جرأت ورزی، خودگردانی، رعایت قوانین اجتماعی، درک اجتماعی و مسئولیت-

پذیری همبستگی قوی‌ای (معنی‌دار و مثبت) با سازگاری اجتماعی دارند. و بنابراین این دو گروه از مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی بیشترین تاثیر را بر روی سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر دوره ابتدایی با نیازهای ویژه (استثنایی) دارند. دو مؤلفه قدرت تصمیم‌گیری و شناسایی ارزش‌های اجتماعی دارای همبستگی متوسطی (معنی‌دار و مثبت) با سازگاری اجتماعی هستند. می‌توان گفت تا حدودی بر روی سازگاری اجتماعی این دانش آموزان اثر گذار می‌باشد.

در دانش آموزان دختر مورد بررسی دو مؤلفه روابط بین فردی و تعامل اجتماعی همبستگی بسیار قوی‌ای (معنی‌دار و مثبت) با سازگاری اجتماعی دارند. و مؤلفه‌های شناسایی ارزش‌های اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، مهارت حل مسأله، خودگردانی، رعایت قوانین اجتماعی، درک اجتماعی و مسئولیت‌پذیری همبستگی قوی‌ای (معنی‌دار و مثبت) با سازگاری اجتماعی دارند. و بنابراین این دو گروه از مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی بیشترین تاثیر را بر روی سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر دوره ابتدایی با نیازهای ویژه (استثنایی) دارند. مؤلفه جرأت ورزی، دارای همبستگی متوسطی (معنی‌دار و مثبت) با سازگاری اجتماعی دارد. و می‌توان گفت این مؤلفه نیز تا حدودی تاثیر گذار بر نحوی سازگاری اجتماعی دانش آموزان مورد بررسی می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رابطه بین مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر و دختر با نیازهای ویژه (استثنایی) مقطع دبستان از نوع مثبت و مستقیم می‌باشد. با افزایش سطح مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی در این گروه از دانش آموزان می‌توان انتظار داشت که میزان سازگاری اجتماعی آنان در زمینه‌های مختلف افزایش یابد. به گونه‌ای که آموزش مهارت‌های اجتماعی، سازگاری اجتماعی دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) را افزایش داده و موجب ایجاد ارتباط اجتماعی مناسب با همکلاسی‌ها، گروه همسالان، و دیگر اعضای جامعه شود. این یافته با نتایج پژوهش به‌پژوه و همکاران (۱۳۸۹)، شریفی درآمدی (۱۳۹۰)، فتح‌اله‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، شریعت باقری و نیک‌پور (۱۳۹۷)، آناسکادرو و همکاران (۲۰۰۸) و راتکلیف و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. نتایج پژوهش آنان نیز بیانگر این بود که آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب ارتقاء سازگاری اجتماعی، در افراد مورد بررسی شده است.

از طریق فراهم نمودن آموزش مهارت‌های اجتماعی، دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) قادر خواهند بود با دیگران سازگاری بهتری پیدا کرده و با موقعیت و شرایط اجتماعی مختلف کنار بیایند؛ اما در این نوع از آموزش اگر از موقعیت‌های واقعی که در جامعه بومی و محلی دانش آموزان در جریان است استفاده شود تاثیر گذاری این نوع از آموزش بر فراگیران بیشتر خواهد شد. با توجه به اینکه یادگیری مهارت‌های اجتماعی موجب بهبود روابط اجتماعی، تعامل اجتماعی و سازگاری اجتماعی در دانش آموزان با نیازهای ویژه می‌شود، بنابراین مجهز نمودن دانش آموزان با نیازهای ویژه به مهارت‌های اجتماعی ضروری موجب بهبود و ارتقاء سازگاری اجتماعی آنان در سطح جامعه می‌شود. می‌توان گفت آموزش مهارت‌های اجتماعی یک ضرورت تربیتی در جهت رشد اجتماعی این قشر از دانش آموزان است. بر این اساس انتظار می‌رود، آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان یک جنبه مکمل برنامه‌های آموزشی مدارس دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی) در نظر گرفته شود. و نیز در برنامه‌ریزی درسی و به ویژه در تهیه محتوای کتب درسی به این مهارت‌ها توجه بیشتری گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود که تحقیقات مشابهی برای سایر گروه‌ها و مقاطع تحصیلی و در شهرهای مختلف انجام شود. و از جهات مختلف اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی بررسی گردد.

منابع

۱. افکاری فاطمه (۱۳۹۸)، «خود آموز گام به گام SPSS25»، تهران: آتی نگر
۲. به‌پژوه احمد، سلیمانی منصور، افروز غلامعلی و غلامعلی لوسانی مسعود (۱۳۸۹)، «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دیر آموز»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۱۶۳-۱۸۶
۳. بهمنی بهناز، ترابیان سحر السادات، رضائی‌نژاد سالار، منظری توکلی وحید و معینی فرد مژگان (۱۳۹۵)، «اثر بخشی آموزش خودکارآمدی هیجانی بر سازگاری اجتماعی و اضطراب اجتماعی نوجوانان»، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان شناسی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۶۹-۸۰
۴. توکلی یاسین و سلطانی اکبر (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان استان آذربایجان شرقی و الزامات آن در برنامه درسی»، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۲، شماره ۲۰، صص ۱۰۳-۹۰
۵. جلیل آبکنار سیده سمیه، عاشوری محمد و افروز غلامعلی (۱۳۹۲)، «اثر بخشی آموزش رفتارهای اجتماعی بر بهبود مهارت های اجتماعی نوجوانان کم توان ذهنی»، فصلنامه آرشبو توانبخشی، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۳۱-۴۰
۶. دانش عصمت، سلیمی نیا نرگس، فلاحتی جواد، سابق لیلا و شمشیری مینا (۱۳۹۳)، «اثر بخشی آموزش گروهی حل مسأله بر سازگاری دختران نوجوان ناسازگار»، فصلنامه روان شناسی کاربردی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۲۳-۴۰
۷. شریعت باقری محمد مهدی و نیک‌پور فاطمه (۱۳۹۷)، «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی - ارتباطی بر مسئولیت‌پذیری و سازگاری دانش آموزان»، فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۲۰۷-۲۲۳
۸. شریفی درآمدی پرویز (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر رویکرد شناختی - رفتاری بر سازگاری دانش آموزان نابینا»، فصلنامه روان شناسی افراد استثنایی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۵-۶۶

۹. فتح‌اله‌زاده نوشین، باقری پریسا، رستمی مهدی و دربان‌ی سید علی (۱۳۹۵)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سازگاری و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی»، فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۲۸۹-۲۷۱

10. Atascadero, CA., Amanda, U.S., Harrell, W., Sterett, H. and Derosier, E. (2008). Improving the social behavioral Adjustment of Adolescents: The Effectiveness of a Social Skills Group Intervention. *Journal of child and Family Studies*, 2(3).
11. Cook, C.R., Gresham, F.M., Kern, L., Barreras, R.B., Thornton, S., and Crews, S.D. (2008). Social skills training for secondary students with emotional and/or behavioral disorders. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 16, 131-144.
12. Cotugno, A. J. (2009). *Group Interventions for Children with Autism Spectrum Disorders A Focus on Social Competency and Social Skills*. Jessica Kingsley Publishers. London and Philadelphia.
13. Ganaie, Sh. A., Beigh, A. M., Shah, S. A., Hussain, A., Qadri, T. S., and Qurashi, K. K. (2015). Social Maturity and Problem Behaviour in Children with Autism Spectrum Disorders and Intellectual Disabilities. *Journal of Neuropsychiatry*, 1(3), 1-8.
14. Harrell, A.W., Mercer, S.H., and DeRosier, M.E. (2008). Improving the socialbehavioral adjustment of adolescents: the effectiveness of social skills group intervention. *Journal of Child and Family Studies*, 18(2), 378-387.
15. Ilknur, C., and Tekinarsla, B.S. (2007). Effectiveness of Cognitive Process Approached Social Skills Training Program for people With Mantal Retardation. *International Journal of Special Education*, 22626101-108
16. Laura, B., Ilenaa, B., Ian. F., and Dario, L. (2006). Innovations: Rehab rounds: Problem-solving skills for cognitive rehabilitation among persons with chronic psychotic disorders in Italy. *Psychiatrics Services*, 57(2), 172-174.
17. Matson, J.L., and Boisjoli, J. (2007). Differential diagnosis of PDD-NOS in children. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 1, 75-84.
18. Nezu, A. M., Nezu, C. M., and D’Zurilla, T. J. (2013). *Problem-solving therapy: A treatment manual*. New York: Springer Publishing Co.
19. Ratcliffe, B., Wong, M., Dossetor, A., and Hayes, S. (2014). Teaching social– emotional skills to school-aged children with autism spectrum disorder: A treatment versus control trial in 41 mainstream schools. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 8(12), 1722-1730.
20. Teodoro, M.L., Kappler, K.C., Rodrigues, J.L., de Freitas, P.M., and Haase, V.G. (2005). The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY) and its Adaptation for Brazilian children and adolescents. *International Journal of Psychology*, 39(2), 239-246.

The effect of social skills training on improving students' social adjustment to the special needs of Sarpol-e Zahab city

Abstract

The aim of this study was to determine the effect of social skills on improving social adjustment of male and female students with special (exceptional) needs in Sarpol-e Zahab. The statistical population includes male and female students with special needs (exceptional) of primary schools in Sarpol-e Zahab city in the academic year 2021-2022. 69 students (26 girls, 43 boys) were selected as the sample by purposive non-random sampling method using the saturation principle. This research has been done in a field method and using a researcher-made questionnaire with a descriptive correlation method. The data of this study were analyzed using SPSS program (version 25) and Pearson correlation coefficient tests. The results indicate that there is a significant correlation and positive relationship between the components of social skills and social adjustment of male and female students with special (exceptional) needs ($p < 0.05$). Findings indicate the effect of social skills training on improving social adjustment of students with special (exceptional) needs. Therefore, it is suggested to design and implement social skills training to improve the social adjustment of this group of students.

Keywords: Components of social skills, students with special needs (exceptional), social adjustment, Sarpol-e-Zahab city.

رابطه خشم سرکوب شده و احساس خودکهوری با گرایش به خودکشی در دانش آموزان دختر و پسر شهر نوک آباد شهرستان خاش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶

کد مقاله: ۳۷۰۷۶

بهروز میرکازهی ریگی^۱، مجید هاشم زهی کهنوکی^۲

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه خشم سرکوب شده و احساس خود - کهوری با گرایش به خودکشی در دانش آموزان دانش آموزان دختر و پسر شهر نوک آباد شهرستان خاش می باشد. روش انجام تحقیق مذکور بر مبنای هدف تحقیق، روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان شهر نوک آباد شهرستان خاش در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ می باشند. در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۱۵۰ از دانش آموز بر حسب جنسیت و قومیت می باشند. در این پژوهش داده‌ها به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و ...) استفاده شد و در بخش آمار استنباطی برای تعیین رابطه بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان داد که بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها در بررسی رابطه بین احساس خودکهوری با گرایش به خودکشی در دانش آموزان نشان داد که بین احساس خودکهوری با گرایش به خودکشی در دانش آموزان رابطه ای وجود ندارد. همچنین، متغیر خشم سرکوب شده توانسته است ۲/۸۹ درصد تغییرات گرایش به خودکشی دانش آموزان را پیش بینی کند.

واژگان کلیدی: خشم سرکوب شده، احساس خودکهوری، گرایش به خودکشی، دانش آموزان

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی و مشاور تحصیلی

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی

زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهمترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه کودکان در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می شوند و استرس و تعارضی را که به دنبال می آید، می تواند به مشکلات رفتاری- عاطفی و یادگیری در آن ها بینجامد. اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین می باشد. به عبارت دیگر، وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن ها با فرزندان ارتباط دارد. همچنین از آنجاییکه خودکشی به عنوان یک پدیده روانی- اجتماعی، موضوع چندوجهی و پیچیده یی است که تمام ملل و جهان با آن مواجه می باشند. وقتی شخصی مرتکب خودکشی می شود، معمولاً وابستگان و دوستان او متعجب و حیران می شوند اما پس از بررسی دقیق سرنخ هایی بدست می آید که در عین دشواری ضرورت پیگیری و جستجوی کمک و خدمات تخصصی را آشکار می سازد. بنابراین، پیش بینی خودکشی حتی برای متخصصان امری آسان و دقیق نیست، ازین رو بررسی دقیق علایم و نشانه های خطر خودکشی برای تشخیص به موقع و مناسب بسیار کمک کننده است. به همین دلیل سعی می کنیم که رابطه فرزند پروی عزت مندانه را با سلامت روانی که یکی از مباحث آن افکار خودکشی و خودکشی است را مورد بحث قرار داده شود.

۲- بیان مسأله و اهمیت و ضرورت تحقیق

خودکشی یک مشکل عمده بهداشتی است که حدود ۰/۴ تا ۰/۹ تمامی مرگ های ایالات متحده را در بر می گیرد. هشتمین علت مرگ و میر در کل جمعیت و سومین علت مرگ در بین جوانان می باشد. میزان خودکشی در آن کشور به طور میانگین ۱۲/۵ در ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت می باشد و در طی ۱۵ سال گذشته میزان خودکشی در بین سنین ۲۴-۱۵ سال دو تا سه برابر شده است (سادوک و همکاران^۱، ۲۰۰۴). طبق گزارش انجمن روانپزشکی آمریکا خودکشی دومین علت مرگ در میان دانشجویان و سومین علت مرگ در سنین ۱۵-۲۴ سال و ششمین علت مرگ در کودکان زیر ۱۵ سال را تشکیل می دهد (دیوانی، ۱۳۸۳؛ وندا^۲، ۲۰۰۳). آمارها بیانگر آن است که سالانه نزدیک به یک میلیون نفر از جمعیت جهان جان خود را به دلیل خودکشی از دست می دهند. این نکته مبین آن است که در حال حاضر به ازاء هر ۳۰ ثانیه یک مورد خودکشی در دنیا رخ می دهد. پیش بینی ها همچنین نشان می دهند که با رشد روز افزون آمارهای خودکشی در سال ۲۰۲۰ میلادی جهان شاهد یک میلیون و پانصد و سی هزار مورد خودکشی خواهد بود. این رقم بیانگر آن است که در سال ۲۰۱۰ میلادی به ازاء گذشت هر ۲۰ ثانیه یک مورد خودکشی در دنیا رخ می دهد (بیوتریس و میشارا^۳، ۲۰۰۸). میزان بالای خودکشی و اقدام به آن سبب شده تا پژوهشگران عوامل مرتبط با اقدام به خودکشی را مورد بررسی قرار دهند، یکی از این عوامل خشم است. خشم نقش یک احساس شدید منفی را دارد که در زمینه زندگی منفی و روابط بین فردی رخ می دهد و به گسترش ناراحتی، ناامیدی و خودکشی منجر می شود (کونیک و گوتیرز^۴، ۲۰۰۵). اگرچه تجربه خشم گاهی اوقات ممکن است غیرقابل اجتناب باشد و به عنوان توانایی انطباق و تنظیم هیجانات به کار رود با این حال به طور کلی خشم با سلامت روانی و جسمانی ضعیف و رفتار خودکشی ارتباط اجتناب ناپذیری دارد (فیلیپ و همکاران^۵، ۲۰۰۶). خشم به طور کلاسیک به عنوان یک مفهوم هیجانی چندبعدی و فیزیولوژیکی نیز مطرح است که متشکل از احساسات و نگرش ها در محدوده شدت از تحریک کم تا خشم شدید قرار می گیرد (اشپیلگر و همکاران^۶، ۱۹۹۵). علاوه بر این خشم بین یک یا چند بار تلاش برای اقدام به خودکشی تمایز ایجاد می کند و مشخص شده که سهم خشم به عنوان یک عامل خطر برای رفتارهای خودکشی در طول عمر مطرح است (اسپوزیتو و همکاران^۷، ۲۰۰۳). به لحاظ تئوری نیز بین خشم و رفتار خودکشی رابطه وجود دارد. برخی از تئوری های تکاملی و روان تحلیلی بر این دیدگاه هستند که خشم و خودکشی به لحاظ مفهومی مرتبط هستند و هر دوی آنها ممکن است ریشه در پرخاشگری داشته باشند (پلوتچیک و همکاران^۸، ۱۹۸۹). بر اساس این تئوری ها افسردگی و رفتارهای خودکشی نشات گرفته از خشم و تکانه های پرخاشگری برگشته به درون هستند (کوتلر^۹، ۲۰۰۱). با این حال، پژوهش های اخیر نشان می دهند که هم خشم درون و هم خشم بیرون با کاهش کیفیت زندگی و رفتارهای خودکشی مرتبط هستند (کانر و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ دومیس و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۵؛ پینیولی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۷).

از دیدگاه شناختی نیز افرادی که مشکلات مرتبط خشم دارند دارای محدوده ای از بازداری های شناختی و نقایص بین فردی هستند که باعث تاثیر منفی روی بهزیستی آنها دارد و باعث شکل گیری خطر افزایش رفتارهای خودکشی می شوند نظیر حل مسئله ضعیف اجتماعی و استدلال اجتماعی ضعیف (برندگدن و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۲؛ رودولف و کلارک^۱، ۲۰۰۱). عامل مهمی

- 1 Saduk et al
- 2 vanda
- 3 Biotris & mishara
- 4 Kuvnik & gutirez
- 5 Fillip et al
- 6 Shpilger et al
- 7 Spozito et al
- 8 Plotchik et al
- 9 Kutler et al
- 10 Konner et al
- 11 Dumis et al
- 12 Pinyouli et al
- 13 Brandgedn et al

دیگری که نقش مهمی در گرایش به خودکشی دارد احساس کهرتری، ارزشمندی و عزت نفس پایین است. احساس عقده حقارت یا به تعبیر فارسی احساس کهرتری از جمله عواطف و احساس‌هایی است که هر فرد در زمدگی روزمره خود به شکلی آن را تجربه می‌کند و تقریباً تمامی افراد بشر کم و بیش با این مسئله درگیرند (طاهری، ۱۳۸۵). این واژه برای بیان نداشتن عزت نفس مطرح شده است (هاسپر^۲، ۲۰۱۳). آدلر معتقد بود که احساس حقارت منبع تمامی تلاش‌های انسان است. رشد فرد از جبران از تلاش‌های ما برای چیره شدن بر حقارت‌های واقعی یا خیالی ما ناشی می‌شود. در طول زندگی خود با نیاز به جبران این احساس‌های حقارت و تلاش کردن برای سطوح به مراتب بالاتر رشد تحریک می‌شویم (شولتز^۳، ۱۳۹۱). از آنجا که احساس حقارت همیشه در مقایسه خود با دیگران به کار می‌رود داشتن چنین احساسی با احساس انزوای اجتماعی و تعلق نداشتن نیز همراه است (هاسپر، ۲۰۱۳). جنبه‌های غیر مفید کنار آمدن با احساس کهرتری بنیادی در واقع همان پاسخ‌های سازش نیافته در برابر زندگی از قبیل سوء مصرف مواد مخدر، الکلیسم، بدبینی، خودکشی و یا انواع روان‌آزردگی‌ها هستند که صرف نظر از وجود نارسایی عضوی، در سبک زندگی نامناسب ریشه دارند (آقا یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، احساس حقارت و کهرتری به عنوان یکی از ویژگی‌های شناختی افراد مبتلا به اختلالات اضطرابی نیز در نظر گرفته می‌شود به طوریکه افراد مبتلا به اختلال فوبی اجتماعی و سواس اجبار ارزیابی منفی تری از خود و عملکرد اجتماعی‌شان دارند (یائو و همکاران^۴، ۲۰۰۷). این افراد برای کنار آمدن با اضطراب باید چندین نوع واکنش دفاعی را پرورش دهند که مهمترین آن‌ها از نظر فروید مکانیزم دفاعی سرکوبی است. در این مکانیزم فرد انرژی خود را بیسج می‌کند و افکار ناخوشایند را واپس می‌زند (دارابی، ۱۳۸۵). احساس کهرتری و یا حقارت منجر به عزت نفس پایین و جستجوی رفتارهای خطرآفرین و منفی در نوجوانان می‌شود (مورتایز، ورنر و کولامی^۵، ۲۰۰۶). و از طرفی این احساس حقارت و کهرتری با گرایش به سوء مصرف مواد، پرخاشگری، آسیب به خود و نتایج ضعیف تحصیلی همراه است (کرک و رید^۶، ۲۰۰۱؛ اسکات^۷، ۲۰۰۴). با توجه به اهمیت مسائلی که در ارتباط با نقش عوامل مهم در گرایش به خودکشی مطرح شد حال این سوال مطرح است که آیا بین خشم سرکوب شده و احساس کهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان دختر و پسر شهر نوک آباد شهرستان خاش ارتباط معناداری وجود دارد؟

۳- چارچوب تحقیق

اهداف تحقیق

هدف اصلی: تعیین رابطه‌ی بین خشم سرکوب شده و احساس کهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان دختر و پسر

اهداف فرعی:

تعیین رابطه‌ی بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان دختر و پسر

تعیین رابطه‌ی بین احساس کهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان دختر و پسر

فرضیه‌ها:

فرضیه اول: بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین احساس خودکهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان دختر و پسر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴- تعاریف نظری مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

خشم: خشم وضعیتی روانی است که در گستره‌ی آزردگی اندک تا غضب شدید می‌گنجد. معلول‌های فیزیکی خشم شامل، تندشدن ضربان قلب، افزایش فشار خون و میزان آدرنالین در خون است. از دید عده‌ای، خشم بخشی از واکنش مغز به بیمناکی‌اش از درد است. هنگامی که شخص خودآگاهانه تصمیم به اقدام می‌گیرد تا بلافاصله رفتار تهدیدکننده‌ی نیروی بیرونی دیگری را متوقف کند، خشم احساس غالب (رفتاری، ذهنی و کالبدشناختی) در وی می‌شود. نمودهای خارجی خشم را در حالات چهره و بدن، واکنش‌های کالبدشناختی و گاه رفتارهای تهاجمی در ملاً عام توان یافت. مثلاً جانوران و آدمیان بانگ‌های درشت بر می‌آورند، می‌کوشند که بزرگ‌تر جلوه کنند، دندان می‌نمایند و خیره می‌شوند. خشم^۱ الگویی رفتاری است که برای زنده‌یادان به تعرض‌کنندگان طراحی شده است تا از رفتار تهدیدکننده‌شان دست کشند. درگیری فیزیکی، بدون ابراز پیشاپیش خشم توسط یکی از طرف‌های درگیر، خیلی به ندرت رخ می‌دهد. بعضی‌ها به این باورند که خشم یکی از خواص نفس بوده که در اثر عمل و یا حالت غیرپسندیده از باطن خروج کرده و حالت زنده‌ی جانان را متغیر ساخته و حتی با عکس‌العمل خطرناک می‌شود. کسانی که می‌توانند خشم خود را کنترل کنند، عمل بدی از آنها سر نمی‌زند که این عمل بسیار مشکل بوده و ظرفیت بسیار زیادی می‌خواهد.

- 1 Rodoulf & klark
- 2 Hasper
- 3 shoults
- 4 Yao et al
- 5 Murtaiz et al
- 6 Krak & rid
- 7 scout

۴-۱- احساس کهنتری

«احساس کهنتری» از جمله احساس‌هایی است که تقریباً تمامی افراد با شدت و ضعف، با آن درگیرند. این احساس از یک سو، گرانبهاترین انگیزه‌ای است که انسان را وادار می‌کند تا به تکامل خویش و راهکارهای رسیدن به کمال بیندیشد تا آن‌جا که مبنای حرکت و موجب گذر از کهنتری به مهتری می‌گردد و از سوی دیگر، می‌تواند نقشی مخرب و ویرانگر داشته باشد و به صورتی دردناک در وجود فرد رسوخ یابد و به جای حرکت و گذر به مهتری، موجب رفتارهای نامطلوب و غیرعادی شود. احساس کهنتری همچون سکه دورویی است که یک روی آن ارجمندی انسان را در پی دارد و روی دیگرش سقوط او را. بنابراین، موفقیت و عدم موفقیت انسان وابسته به چگونگی مواجهه با احساس کهنتری است. اما از آن‌جا که همه افراد از عزت نفس بالایی برخوردار نیستند، در مواجهه با احساس کهنتری اقدام به جبران کاذب یا انحرافی می‌نمایند. مکانیزم فرار از واقعیت و روی آوردن به خیالات، گریز از مسؤولیت، خودنمایی و ریاکاری، جلب توجه، ترور شخصیت، تخریب دیگران و استفاده از غیبت - تهمت، استهزاء و ...، روی آوردن به لذات موقت و مواد مخدر، روشنفکرنمایی و هویت باختگی، شبهه افکنی و سنت شکنی و ریاست طلبی نمونه‌هایی از جبران کاذب به شمار می‌آیند.

۴-۲- خودکشی

عملی عمدی است که باعث مرگ فرد شود. خودکشی اغلب به علت یأس صورت می‌گیرد که علت آن اغلب به اختلال روانی نظیر افسردگی، اختلال دوقطبی، اسکیزوفرنی، شکست عشقی، اعتیاد به الکل، یا سوء مصرف دارو نسبت داده می‌شود. اغلب، عوامل استرس‌زا مانند مشکلات مالی و یا مشکلات ارتباط بین فردی در این میان نقش دارند. تلاش برای جلوگیری از خودکشی شامل موارد زیر است: محدود کردن دسترسی به سلاح گرم، درمان بیماری‌های روانی و سوء مصرف دارو و بهبود وضعیت اقتصادی. رایج‌ترین روش انجام خودکشی در کشورهای مختلف متفاوت است و تا حدی به روش‌های قابل دسترسی بستگی دارد. روش‌های معمول عبارتند از: حلق‌آویز کردن، مسمومیت با قرص برنج، و سلاح گرم و کشیدن تیغ روی رگ سالانه حدود ۸۰۰،۰۰۰ تا یک میلیون نفر بر اثر خودکشی می‌میرند، و این امر دهمین علت اصلی مرگ در سراسر جهان است. میزان این کار در مردان بالاتر از زنان بوده و احتمال خودکشی مردان سه تا چهار برابر بیشتر از زنان است. تخمین زده می‌شود که هر سال ۱۰ تا ۲۰ میلیون اقدام به خودکشی غیرکشنده رخ می‌دهد. اقدام به این کار در جوانان و زنان شایع‌تر است. دیدگاه‌های مربوط به خودکشی تحت تأثیر درون‌مایه‌های زیستی متنوعی نظیر مذهب، افتخار و معنای زندگی قرار دارد. ادیان ابراهیمی ستاً خودکشی را وهن خداوند تلقی می‌کنند که دلیل این مسئله اعتقاد به تقدس زندگی است. در طول دوران سامورایی در ژاپن، سپوکو به عنوان جبران شکست و یا نوعی اعتراض شمرده می‌شد. رسم ساتی، که در حال حاضر عملی غیرقانونی در مراسم تشییع جنازه هندو است، این انتظار را مطرح می‌کرد که بیوه دست به قربانی کردن خود بزند و برای این کار خود را خواسته یا ناخواسته و تحت فشار خانواده و جامعه، بر روی تل هیزم مراسم تشییع جنازه شوهرش بیندازد. قبلاً خودکشی و اقدام به خودکشی جرم محسوب می‌شد و مجازات در پی داشت، اما اکنون دیگر در اکثر کشورهای غربی چنین نیست. این کار همچنان در بسیاری از کشورهای اسلامی جرم محسوب می‌شود. در قرن بیستم و بیست و یکم، از خودکشی به شکل قربانی کردن خود به عنوان روشی برای اعتراض استفاده می‌شود، و کامیکازی و بمب‌گذاری‌های انتحاری به عنوان تاکتیک‌های نظامی یا تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۴-۳- روانشناسی فرزند پروری عزت مندانه

الف- تأثیرات والدین

انسان، چون موجودی اجتماعی است و در ارتباط با محیط‌های اجتماعی مختلف می‌باشد، از هر محیطی چیزی می‌آموزد تا در مجموع از فرد بدون هویت، تبدیل به شخص اجتماعی (نیک گهر، ۱۳۶۹) و دارای هویت اجتماعی گردد و طبیعی است که این فرد شهروندی متمر بر برای جامعه خویش می‌شود. در گذر از شخص فردی بدون هویت به شخص اجتماعی، فعالیت جامعه پذیری نسبت به وی اعمال می‌شود. امر جامعه‌پذیری توسط منابع مختلف بر روی انسان عملی شده، و هر یک بخشی از شخصیت فرهنگی و اجتماعی شخص اجتماعی شده را می‌سازند. در این بین، خانواده در اکثر جوامع از جمله ایران بیشترین نقش را ایفا کرده، (پیاز، ۱۹۸۱) که این نقش در رفتارها و نوع فرزند پروری عزت مندانه آنها متبلور می‌شود. در این رابطه ثنائی به نقل از فریمو می‌گوید: "اثر خانواده بر اشخاص از تمام نیروهائی که تا بحال شناخته شده بیشتر است. یعنی اثر خانواده فراتر از فرهنگ جامعه، دنیای کار، دوستان، نزدیکان و امثال آنهاست" (ثنائی، ۱۳۷۸: ۲۶). ثنائی به نقل از مینوچین بر این باور است که، "فرد بدون خانواده، قابل تعریف نیست. در واقع خانواده کانون شکل‌گیری و هویت فرد است" (همان: ۲۹). باقر ثنائی نیز خود معتقد است، "انسان عمدتاً وارث برنامه ریزی‌های خودآگاه و ناخودآگاه خانواده و برون‌سازی‌های دوران کودکی خود با آنهاست" (همان: ۲۱). اعزازی نیز به نقل از ماکس هورکهایمر معتقد است که "از میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار (دیکتاتوری در سطح جامعه) آماده می‌سازد، خانواده در مقام اول قرار دارد." (اعزازی، ۱۳۷۶: ۲۰) در همین رابطه کلاین برگ نقل می‌کند که، "ژاک در مطالعه‌ی استادانه خود در باره قدرت طلبی در کودکان ۴ ساله ثابت کرد که تغییر صفات شخصیت بر اثر تغییر اوضاع و احوال محیط ممکن است." (کلاین برگ، ۱۳۷۲: ۲۰) و تأثیر گذارترین این محیط‌ها خانواده می‌باشد. به عقیده کاردینر "شیوه تربیت کودک (نخستین نهاد اجتماعی) ساختمان اساسی شخصیت را پی‌ریزی می‌کند." (همان، ۱۳۹۴). نیوکمب چنین می‌

گوید: "تفاوت جنبه های عملی تربیت کودکان نتیجه تفاوت فرهنگی و نیز تفاوت شخصیت است. شیخواندی نیز در مورد تاثیر خانواده بر شخصیت فرزندان معتقد است که "بر اساس مطالعات روانی-جامعوی، مثلاً ملاحظه شده است که در خانواده های سختگیر کودکان یا سر بطغیان می زنند و خشونت بخرج می دهند و یا احساس گناه و مجرمیت می کنند و در خود فرو می روند." (۱۳۷۹: ۴۴)

رابطه والدین با فرزندان یا شیوه های فرزند پروری، در گذر از اعمالی است که اهداف گوناگونی را در بر دارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسائی، رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید والدین، از جمله این اهداف می باشند. "پارسنز نیز دو کارکرد اساسی یعنی اجتماعی کردن و شکوفایی شخصیت فرزند را برای خانواده در نظر می گیرد." (اعزاز، ۱۳۷۶: ۱۶) این گونه اهداف والدین که شامل تمام فعالیت ها و اعمالی می شود که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم ارتباط آنها را با فرزندان در رفتارهای روزمره (برچه و لوکمان، ۱۹۸۶) نشان می دهد، هسته اصلی این مقاله بوده، که تحت عنوان فرزند پروری عزت مندانه یا رابطه آموزشی مطرح می باشد. این فعالیت ها برطبق نظریه عمل بوردیو جامعه شناس معاصر فرانسوی (بوردیو، ۱۹۸۹) توسط نیروهای هدایت و یا کنترل می شوند، که این نیروها به صورت یکسان و به یک اندازه نزد انسانها از جمله والدین وجود ندارد. این نیروها در ارتباط با وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی خانواده می باشند. همچنین تصویری که والدین از فرزندان خود دارند، تاثیر بر روی چگونگی نوع روابط یعنی شیوه های فرزند پروری عزت مندانه نیز دارند. (منادی، ۱۳۷۸) تصورات نیز تحت تاثیر طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرد (یا سرمایه های فرهنگی) می باشند. تصورات و فرهنگ فرد، یعنی عادت واره (بوردیو، ۱۳۸۰) هر دو عامل به صورت مستقیم و غیر مستقیم اعمال فرد را هدایت و کنترل می کنند. در این پژوهش، فرهنگ و تصورات والدین و نقش فرزند، هدایت کننده رفتارهای آنها از جمله نوع رابطه با فرزندان می باشند.

ب- شیوه های فرزند پروری عزت مندانه

رابطه والدین اعم از آموزشی یا غیر آموزشی با فرزندان، رابطه ای یکسان و بر طبق یک الگو و مدل خاصی نیست. بر اساس تحقیقی در فرانسه، این مدلها در ارتباط با طبقه اجتماعی خانواده ها می باشند. (ژیفو لوواسور، ۱۹۹۵) به گفته کاستلان "یک مدل فرزند پروری عزت مندانه در همه خانواده ها وجود ندارد. بلکه به تعداد خانواده ها، تعداد روش های فرزند پروری عزت مندانه وجود دارد." (کاستلان، ۱۹۷۶: ۷) برای مثال، در مورد فعالیت اجتماعی کردن کودکان، مدلهای متفاوتی وجود دارد. بومریند به نقل از سیف (۱۹۶۸: ۱۷۸) با انجام پژوهشی درباره ۱۵۰ کودک ۴ ساله، که در دوره آمادگی پیش دبستانی ثبت نام کرده بودند، والدین آنها را به سه گروه مختلف به شرح زیر تقسیم می کند:

گروه اول، والدینی هستند که فرزندان خود را مجبور به اطاعت کورکورانه می کنند. این گروه، فرزندان خود را محدود کرده، اختیار و آزادی کمتری به آنها می دهند و معتقدند که رفتار کودکان بایستی زیر نظر آنان باشد. در نتیجه، ضوابط رفتاری آنها انعطاف پذیر نبوده و یک جانبه است، و گاهی اوقات برای اجرای همان ضوابط رفتاری، کودکان را تنبیه می کنند.

گروه دوم، والدینی هستند که با فرزندان خود با اقتدار رفتار کرده، ولی بر عکس گروه اول معتقد به انعطاف پذیری در رفتارند. به فرزندان خود فرصت می دهند تا در صورت لزوم اعتراض کنند و تربیت خاصی را با دلیل به آنها تفهیم می کنند. گروه سوم، والدینی هستند که نسبت به رفتار فرزندان تحمل پذیرند و در برابر اعمال خلاف، چشم پوشی می کنند. این والدین، معیارهای مشخصی را جهت رفتار کودکان در نظر می گیرند، و سایر رفتار آنان را با دیده اغماض می نگرند، جز رفتارهایی که باعث صدمه و آسیب بدنی به آنها می شود. علی شریعتمداری نیز سه روش دموکراسی، آزادی و دیکتاتوری را تقریباً با همین محتوی به عنوان شیوه های فرزند پروری عزت مندانه موجود در خانواده ها معرفی می کند. (شریعتمداری، ۱۳۶۷) در پژوهش حاضر، نکته قابل تمق در شیوه های فرزندپروری عزت مندانه، حضور فیزیکی والدین در محیط خانه یعنی زمان بودن با فرزندان و چگونگی فضای فرهنگی حاکم بر خانواده مد نظر می باشد (شریعتمداری، ۱۳۶۷)

۴-۴- شخصیت

شخصیت مجموعه ویژگی های فکری، ذهنی، ذوقی و رفتاری انسان است که غالباً در گفتارها و رفتارها و عکس العمل انسان ها در فعالیت و برخوردهای روزمره اشان قابل رؤیت است. شخصیت به مانند "وجدان که امری اجتماعی است" (لوفور، ۱۹۷۶: ۶۱)، محصول محیط اجتماعی و فرهنگی ای است که فرد در آن متولد شده و بزرگ می شود. پر واضح است که خانواده، فرهنگ حاکم بر جامعه، رسانه ها و نهاد آموزش و پرورش هر یک به نوعی در ساختن ویژگی های شخصیت فرد سهیم هستند. ولی "تاثیر خانواده بر شخصیت افراد از امتیاز خاصی بر خوردار است" (پروین، ۱۳۷۴: ۱۴۷) لذا، شخصیت انسان بطور شگفت انگیزی پیچیده است. (گلدارد، ۱۳۷۴: ۱۴۷) یا به باور لاپاساد ناتمام است (لاپاساد، ۱۹۹۷) لذا، بسادگی نمی توان کلیه ویژگی های شخصیت یک انسان را شناسایی کرد. ما نیز قصد چنین کاری را در این پژوهش نداریم. از میان ویژگی های متعدد شخصیت افراد، یک ویژگی برای ما قابل تمق بوده است. اجتماعی بودن انسان یا چگونگی رابطه وی با محیط اطراف خود اعم از والدین، دوستان و یا در جامعه و مدرسه مد نظر می باشد. برای شناسایی اینگونه رابطه از اندیشه ژاک اردوانو روانشناس اجتماعی معاصر فرانسوی استفاده کرده ایم.

اردوآنو (اردوآنو ۱۹۹۴: ۱۶ و ۱۷)، رفتار و رابطه انسان را با هر نظامی (خانه، مدرسه، محیط کار و غیره) که در آن قرار دارد به سه حالت معرفی می‌کند. وی معتقد است، وقتی انسان در مقابل قوانین، هنجارها و آداب‌های آشکار و پنهان نوشتاری و گفتاری یک نظامی قرار می‌گیرد، امکان انتخاب یکی از سه حالت مختلف را دارد. این سه حالت که هر یک ویژگی خاص خود را دارند، عبارتند از: رفتاری مجریانه، رفتاری بازیگریانه، و رفتاری خالق‌گرایانه. این سه حالت هر یک محصول یکی از شیوه‌های فرزند پروری عزت‌مندانه می‌باشند. با توجه به اینکه والدین تشکیل‌دهنده‌های اصلی و اولیه هر کانون خانواده هستند، نوع نگاه آنها نسبت به فرزند یا جایگاه فرزند در خانواده، شکل رابطه آنها را با فرزندان مشخص و هدایت می‌کند. طبیعتاً فرزندان نیز نسبت به کنش‌های والدین، واکنش نشان می‌دهند. این واکنش‌ها در طی گذر زمان در شکل شخصیت آنان انعکاس می‌یابد. یعنی حرکت اصلی و اولیه توسط والدین آغاز و به اجرا گذاشته می‌شود. حرکت والدین تحت تأثیر جهان بینی یا سرمایه‌های فرهنگی آنان می‌باشد. در بعضی از خانواده‌ها، والدین تصمیم‌گیرندگان اصلی بوده و فرزندان بدون چون و چرا، اوامر و خواسته‌های آنها را اطاعت می‌کنند. یعنی در این حالت، فرزندان نقشی پائین‌تر از والدین داشته، و روش والدین که فقط نان آور خانواده می‌باشند قانداستبدادی بوده، و در این حالت غالباً زمان گفتگوئی بین والدین و فرزندان وجود ندارد، یا در صورت وجود اندک خواهد بود. در خانواده‌های دیگر، فرزند سالاری ملاک بوده، یعنی توجه و اهمیت بیش از حد به فرزندان می‌شود که باعث شده فرزند، محور قرار بگیرد و والدین نقش اصلی خود را در تهیه رفاه فرزندان خلاصه می‌کنند. در این حالت بیشتر یک رابطه بر اساس آزادی حاکم است و در مواقعی زمان گفتگو به مقدار کم وجود دارد، چون والدین وظیفه خود را در تهیه رفاه مادی فرزندان خلاصه کرده‌اند. خانواده‌هایی که در حالت میانه به صورت دموکراتیک رفتار می‌کنند، یعنی، هر دو بخش اعضاء خانواده دارای ارزش یکسانی بوده، ولی دارای وظایف متفاوتی می‌باشند. در این حالت، والدین هم نان آور خانواده بوده، هم به احساسات فرزندان توجه دارند، یعنی با فرزند گفتگو و مشورت می‌شود. هر یک از این سه حالت، یعنی فرزند عضو ضعیف خانواده باشد، یا فرزند محوری، و یا فرزند عضوی برابر با والدین باشد، این ویژگی‌ها در طبقات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی نیز هستند. علاوه بر این عنصر، ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگی والدین نیز در چگونه انگاشتن فرزند دخالت دارند. تحقیقی که توسط یک گروه متخصص در فرانسه در سال ۱۹۹۴، صورت گرفته است، به این نتیجه دست یافتند، هر چقدر والدین دارای شخصیتی درونی باشند، فرزندان خود را بیشتر پذیرا هستند و هر چقدر کمتر درونی باشند و بیشتر بیرونی باشند، کمتر فرزندان خود را می‌پذیرند. (ورکر و همکاران، ۱۹۹۴)

۴-۵- سلامت روان

الف- روانشناسی سلامت روان

در مورد سلامت روان تعاریف نظری فراوانی وجود دارد، و یک توافق جمعی و مشترک بین اندیشمندان رشته‌های مختلف در این مورد وجود ندارد. مثلاً پزشکان و افرادی که با دیدگاه پزشکی به این مسئله می‌نگرند سلامت روان را منوط به نداشتن علائم بیماری تلقی می‌نمایند. روان‌شناسان و پزشکان نیز فردی را از نظر روانی سالم می‌دانند که دچار علائم روانی که بیانگر اختلال در کارکردهای روانی است نباشد، و بتواند به هنگام مواجه شدن با مسائل و مشکلات اجتماعی در رفتارهایشان تعادل برقرار کنند. کارشناسان سازمان بهداشت جهانی سلامت فکر و روان را چنین تعریف می‌نمایند سلامت روان عبارت است از: سلامت فکر، قابلیت برقراری رابطه هماهنگ و موزون با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی، حل تضادها، مشکلات، تمایلات فردی به طور منطقی، عادلانه و مناسب است. لونسون^۱ و همکاران (۱۹۶۲) معتقدند که سلامت روان عبارت است: از اینکه اولاً چه احساسی نسبت به خود و دیگران و دنیای اطراف و ثانیاً به چگونگی سازگاری فرد و شناخت موقعیت مکانی و زمانی خویش ارتباط دارد. فرهنگ بزرگ روانشناسی لاروس سلامت روان را چنین تعریف می‌کند: استعداد روان برای هماهنگ، خوشایند و موثر کار کردن برای موقعیت‌های دشوار، انعطاف پذیر بودن و توانایی داشتن برای ارزیابی تعادل خود است. در تعریفی دیگر سلامت روان عبارت است از سازگاری فرد با جهان اطراف با حداکثر امکان به طوری که باعث شادی و برداشت مفید و موثر از سوزی فردمی شود (میلانی فر، ۱۳۸۳). پاتن استاد فلسفه دانشگاه هلستیک می‌عتقد است که سلامت روانی را بایستی به منزله توانایی افراد برای دستیابی به اهدافی که برای خود در نظر گرفته‌اند تعریف نمود (شرف الدین زاده، ۱۳۸۸). سلامت روان به معنای احساس رضایت، روان سالم تر و تطابق اجتماعی با موازین مورد قبول هر جامعه است (کاپلان و سادوک، ترجمه پور افکاری، ۱۳۷۶). به طور کلی، شخصی دارای سلامت روان می‌تواند با مشکلات دوران رشد روبه‌رو شود و قادر است در عین کسب فردیت با محیط نیز انطباق یابد به نظر میرسد تعریف رضایت بخش از سلامت روان برای فرد مستلزم داشتن احساس مثبت و سازگاری موقعیت آمیز و رفتار شایسته مطلوب است بنابراین هر گونه ملاکی که به عنوان اساس سلامتی در نظر گرفته می‌شود باید شامل رفتار بیرونی و احساسات درونی باشد. (بنی جمال واحدی، ۱۳۷۰) سازمان بهداشت جهانی، سلامت روان را چنین تعریف کرده است بهداشت روان در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی، جسمی و بهداشتی، سلامتی تنها در نبود بیماری یا عقب ماندگی نیست. تعریف کینز برگ^۲ در مورد بهداشت روانی عبارت از تسلط مهارت در ارتباط با محیط، به خصوص درس خرسند، فرار از مسائلی که با قانون درگیری دارد لذت بردن از زندگی و استفاده صحیح از فرصت‌ها ملاک تعادل و سلامت روان است. (میلانی فر، ۱۳۷۴)

1 Lonsion
2 Kinsbarg

تعریف سلامت روان بر اساس ادبیات موضوع وابسته به هفت ملاک می‌داند که عبارتند از:

- ۱- فقدان بیماری
- ۲- رفتار اجتماعی مناسب
- ۳- رهایی از نگرانی و گناه
- ۴- کفایت فردی و خود مهارگری
- ۵- خویشتن‌پذیری و خودشکوفایی
- ۶- تفرّد سازمان شخصیت
- ۷- گشاده‌نگری و انعطاف‌پذیری

به نظر تودور، با توجه به ادبیات موجود نمی‌توان با قاطعیت از ملاک‌های پذیرفته‌شده جهانی برای سلامت روان سخن گفت؛ بنابراین سلامت روان از دیدگاه‌های گوناگونی تعریف می‌شود و هر تعریفی از سلامت روان، فرضیه‌های فرهنگی ذاتی خود را دارا است (لطافتی بریس، ۱۳۸۸).

سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۴) سلامت روان را به عنوان حالتی از بهزیستی که در آن فرد توانمندی خود را شناخته از آن‌ها به نحو موثر و مولد استفاده کرده و برای اجتماع خویش مفید است تعریف می‌کند به طور کلی بهداشت روان ایجاد سلامت روان بوسیله پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های روانی، کنترل عوامل موثر بروز آن، تشخیص زود رس، پیشگیری از عوامل ناشی از برگشت بیماری روانی و ایجاد محیط سالم در برقراری روابط صحیح انسانی است (میلانی فر، ۱۳۸۲).

لونسون (۱۹۷۵) سلامت روان را این گونه تعریف کرده است: سلامت روان، عبارت است از اینکه فرد چه احساسی نسبت به خود، دنیای اطراف، محل زندگی و اطرافیان دارد، مخصوصاً با توجه به مسئولیتی که در قبال دیگران دارد. همچنین به چگونگی سازش وی با درآمد خود و شناخت موقعیت مکانی و زمانی خویش بستگی دارد. دوبوس^۱ (۱۹۸۵) معتقد است که سلامت روان را نباید به عنوان حالت آسایش ایده‌آل که از طریق حذف کامل بیماری به دست می‌آید در نظر گرفت بلکه سلامتی روشی برای زندگی است که از طریق آن انسان ناکامل بتواند در مواجهه با این دنیای ناکامل بدون اینکه متحمل درد و ناکامی بشود به موفقیت‌هایی هم دست پیدا کند (به نقل از نسینت و جانت ۱۹۹۲، ترجمه جانقربانی، ۱۳۷۳).

رفتار عادی نمودار شخصیت سالم انسان عادی است که موجب سازگاری او با محیط و در نتیجه رفع نیازهای ضروری او می‌شود چنین رفتاری نشانه سلامت روانی است. اکثر روانپزشکان توانایی سازش فرد با محیط، انعطاف‌پذیری، استقلال، قضاوت عادلانه و منطقی در مواجهه با محرومیت‌ها و رفتارهای روانی را ملاک سلامت روان و تعادل روان می‌دانند و اهداف اصلی از درمان بیماران روانی، قادر کردن آن‌ها به زندگی خانواده و اجتماعی و به اصطلاح سازش با محیط است (احمدوند، ۱۳۸۴). سلامت روان را حالتی از عملکرد موفق فرآیندهای ذهنی، فعالیت‌های کارآمد، موثر و پربار، توانایی سازگاری با تغییرات و منطبق شدن با شرایط نامطلوب می‌داند که در بهترین حالت شامل وضعیتی پویا، فقدان نشانه‌های بیماری و حضور نشانه‌های سلامت است که شامل ابعاد ذهنی، روانی و اجتماعی می‌باشد (کیبز، ۲۰۰۳).

اکثر اشخاص سالم در گذشته زندگی نمی‌کنند آن‌ها قربانیان ترور شدن‌های خیالی یا واقعی نیستند. همچنین، بعضی از نظریه پردازان داشتن دورنمایی از آینده را برای شخصیتی سالم، حیاتی می‌دانند. اما توصیه نمی‌کنند آینده را جانشین حال سازیم. جهت‌گیری ما به سوی هدف‌ها و مسئولیت‌های آتی می‌باشد. ولی همواره باید از هستی‌مان آگاه باشیم و موافق آن زندگی کنیم. نگرش‌های پیرامون شخصیت سالم نه تنها در مورد افراد متفاوت، بلکه در سنین مختلف یک فرد واحد نیز متفاوت است. ارزش‌ها، خواسته‌ها، نیازها، بیم‌ها، امیدهای ما در هر مرحله رشد و پرورش دگرگون می‌شود. احتمالاً راه درست را درست را با همان روشی در می‌یابیم که در هر دوره زندگی آنچه برایمان مناسب است می‌آموزیم. روش‌های متفاوت زندگی مجموعه اعتقادات و نقش‌های اجتماعی را می‌آموزیم، تا مناسب‌ترین آن‌ها را برای خود بیابیم. ظاهراً اشخاصی که در رسیدن به سلامت روان مختارند، کسانی هستند که به اندازه کافی آزادند که تجویزهای متفاوت را تجربه کنند تا اعتبار آن‌ها را در آزمایشگاه زندگی روزمره شان بیاموزند. دیگران می‌توانند مسیری را برای دنبال کردن پیشنهاد کنند. ولی تنها خود ما هستیم که می‌توانیم سودمندی‌اش را بسنجیم. به اعتقاد گوردن آلپورت، ویژگی شخصیت سالم چند خصوصیت را در بر می‌گیرد که عمده‌ترین آن پذیرفتن خود است. شخصیت‌های سالم می‌توانند همه جنبه‌های هستی خود را از جمله نقاط ضعف و کاستی‌های خود را بپذیرند. شخص سالم به جهان خویش عینی می‌نگرد، به عکس روان‌نژدها ناچارند واقعیت را تحریف کنند تا به خواسته‌ها و نیازها و ترس‌هایشان سازگار شود. شخصیت‌های سالم به جلو می‌نگرند و انگیزشان و هدف‌ها و برنامه‌های دراز مدت دارند (شولتز؛ ترجمه گیتی خوشدل، ۱۳۶۸).

فروم شخصیت انسان را بیشتر محصول فرهنگ می‌داند. در نتیجه به اعتقاد وی سلامت روان بسته به این است که سلامت جامعه تا چه اندازه نیازهای اساسی افراد جامعه را بر می‌آورد. نه این که فرد تا چه اندازه خودش را با جامعه سازگار می‌کند. در نتیجه سلامت روان بیش از آن که امری فردی باشد مسئله‌ای اجتماعی است. به اعتقاد وی تلاش برای سلامت عاطفی و بهبود گرایش یا استعدادهای فطری برای زندگی بارور و برای هماهنگی در نهاد همه ماست. اگر به افراد فرصت داده شود این گرایش فطری و عشق شکوفا خواهد شد و امکان حداکثر استفاده از استعداد بالقوه را خواهد داد. در تفکر فروید انسان متعارف کسی است که مراحل رشد جنسی - روانی را با موفقیت گذرانده باشد و در هیچ یک از مراحل بیش از حد تبعیت نشده باشد. از نظر او کمتر انسانی متعارف به حساب می‌آید و هر فردی به نحوی انحاء غیر متعارف است. آدلر انسان را موجودی خوب، انتخاب‌گر، اجتماعی،

مسئول و در حال شدن می‌داند. که نه خوب است و نه بد و نه ماهیتش در جامعه شکل می‌گیرد. و تکامل او در واقعیت بخشیدن به خویش است. به نظر آدلر^۱ نوروز نتیجه قصور در یادگیری است و نیز نتیجه ادراک و تصورات معیوب و منحرف است. نوروز بهایی است که ما برای فقدان تمدن خویش می‌پردازیم در صورتی که فرید نوروز را بهایی می‌دانست که ما در قبال تمدن می‌پردازیم. هر نوروز به منزله کوششی است برای رها کردن (شولتز؛ همان منبع).

۴-۶- مدل جدید سلامت روان

به عنوان راهی برای حل بعضی از مسائل زندگی، با در نظر گرفتن سلامت، به مسابه یک مفهوم نسبی به جای یک مفهوم مطلق، (دوانی^۲ و همکاران ۱۹۹۶) مدل جدیدی از سلامت روان را ارائه کرده‌اند. این مدل ابعاد مثبت و منفی سلامت روان را مطرح می‌کند که هر کدام با عناصر جسمی، روانی و اجتماعی که از تعریف سازمان بهداشت جهانی (۱۹۴۶) از سلامت روان انجام شده نشأت می‌گیرد، مطابقت دارد. ابعاد سلامت شامل بعد منفی: بیماری، بدشکلی، حالات ناخواسته، جراحات (ضایعه)، ناتوانی، عقب ماندگی. بعد مثبت: اجتماعی، جسمانی، روانی: تناسب اندام (صحت)، سلامتی و خوشی (میلانی، ۱۳۸۳). در سال‌های اخیر انجمن کانادایی بهداشت روان، سلامت روان را به سه بخش تعریف کرده است:

بخش اول بازخوردهای مربوط به خود شامل: الف: تسلط بر هیجان‌های خود؛ ب: آگاهی از ضعف‌های خود؛ ج: رضایت از خوشی‌های خود.

بخش دوم: بازخوردهای مربوط به دیگران شامل: الف: علاقه به دوستی‌های طولانی و صمیمی؛ ب: احساس تعلق به یک گروه؛ ج: احساس مسئولیت در مقابل محیط انسانی و مادی.

بخش سوم: بازخوردهای مربوط به زندگی شامل: الف: پذیرش مسئولیت‌ها؛ ب: ذوق توسعه امکانات و علایق خود؛ ج: توانایی اخذ تصمیم‌های شخصی؛ د: ذوق خوب کار کردن (اسلامی، ۱۳۸۹).

روان‌شناسان مکتب کمال، برخی از شاخص‌های سلامت روان را به قرار زیر، معرفی می‌کنند:

۱. میان محرک‌ها و پاسخ‌های فرد، تناسب و تعادل منطقی وجود دارد؛
۲. آرمان‌ها و هدف‌های فرد، در محدوده امکانات وی قرار دارد. به این مفهوم که در انتخاب اهداف زندگی به واقعیات، توجه کافی به عمل می‌آید؛

۳. فردی که دارای سلامت روان است، آگاهی و شناخت نسبتاً مطلوبی از انگیزه‌های خویش دارد و ارتباط منطقی میان انگیزه و رفتار خویش برقرار می‌کند؛

۴. فردی که روان سالم و پهن‌جارد، معمولاً از رفتار یک دست و هماهنگی برخوردار است. به عنوان مثال در حوزه احساسات و انفعالات، «ثبات عاطفی» دارد و به سادگی دستخوش هیجانات زودگذر و ناپایدار نمی‌شود؛

۵. فرد در روبرو شدن با شکست‌ها و واقعیات‌های دردناک زندگی، توانایی ویژه‌ای دارد. او ناکامیهای خود را با شجاعت می‌پذیرد و از آنها به منزله سکوی پرتاب به دنیای کامیابی‌ها و موفقیت‌هایش استفاده می‌نماید (شرفی، ۱۳۸۰)
سلامت روان عبارت است از:

۱. برخورداری از شخصیت خوش‌آمیز و توانایی گرد آمدن؛
۲. شخصی که احساس خوشبختی می‌کند و درباره خویش‌اش احساسات خوبی دارد و در زندگی لذت می‌برد؛
۳. شخصی که می‌تواند با امور زندگی و محیط سازگار شود؛
۴. شخصی که می‌تواند از گذشته‌اش یاد بگیرد (به نقل از عبدالعلی بیاتپانی، ۱۳۹۰)

۴-۷- خودکشی

پدیده خودکشی که از عوارض مهم دنیای صنعتی عصر حاضر است بیشتر متأثر از نا به سامانی‌ها، اختلال‌های روانی و نابرابری‌های اجتماعی است. دورکیم در کتاب "تقسیم کار" خود بر این اعتقاد است که "خودکشی همراه با تمدن ظاهر می‌شود و یا حداقل آن چه به شکل خودکشی در جوامع فروتر ملاحظه می‌شود، خصوصیات ویژه‌ای دارد." (دورکیم، ۱۳۵۹: ۲۸۴) (ستوده، ۱۳۷۸: ۲۳۶) در سال ۱۷۳۷ دفونتن برای نخستین بار کلمه Suicide در فرانسه به کار برد که بعداً آکادمی علوم فرانسه در سال ۱۷۶۲ آن را پذیرفت. (اسلامی نسب، ۱۳۷۱: ۷۳) باتامور در اثر خود "جامعه‌شناسی"، آورده است که دورکیم در تحقیق خود قصد آن داشته که بین میزان خودکشی و درجه‌ی پیوستگی افراد در گروه‌های اجتماعی (همبستگی و انسجام اجتماعی) رابطه برقرار کند و معتقد است که هدف دورکیم این بود که میزان خودکشی در گروه‌های مختلف اجتماعی را به خصایص مشخصه‌ی این گروه‌ها ربط دهد و به این طریق علل اجتماعی خودکشی را کشف نماید. (باتامور، ۲۵۳۵: ۲۲). دورکیم طبیعت بشر را با رجوع به مفهوم واقعیت‌های اجتماعی تبیین می‌کند. به نظر وی واقعیت‌های اجتماعی طرق عمل کردن، فکر کردن و احساس کردن است که تا حدودی بین شماری از مردم مشترک است که این واقعیت‌ها نسبت به افراد اموری خارجی و بیرونی محسوب می‌شوند و بر وی اقتدار آمران‌ای را اعمال می‌کنند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۲۰) در زندگی شهرنشینی کنونی، جمعیت بسیار زیاد در شهرها

1 adler
2 dowani

وعدم تجانس افراد با هم واحساس غربت، تنهایی وکم شدن تعداد افراد خانواده ها و کاهش یافتن محبت خانوادگی، افزایش استقلال فردی، هم چشمیها و پیداشدن آرزوهای دور و دراز زندگی مادی، خواستن ها و نتوانستن ها، فرار از خانواده و پناه بردن به اجتماع نا آشنا، سرگشتگی در میان ارزش های متضاد زندگی شهری جدید، ناتوانی در مبارزه با دشواری ها وشکستها و نومیدیها، محرومیت در عشق توام با فقر مادی وسر انجام ضعف یا رنجوری شخصیت آن چنان ناراحتی هایی ایجاد می کند که فرد خود را در نابودی وپوچی جستجو می کند و دست به خودکشی میزند.

۴-۸- افسردگی

همان طور که قبلاً اشاره شد افسردگی از مهم ترین رفتارهای منجر به خودکشی است ؛ احساس بی ارزشی، احساس گناه و اندیشیدن درباره مرگ، خودکشی یا اقدام به خودکشی از شایع ترین نشانه های افسردگی است ؛ فاربر و ولیمتن (۱۹۷۰) بیان کرده اند که هنگام افسردگی شدید، شخص معمولاً دوراندیشی خود را از دست داده و از لحاظ عاطفی، توانایی حل مشکلات را نداشته و به دلیل محدودیت جریان فکری قادر به انتخاب راه حلی جز خودکشی نیست .(کلمن، ۱۳۷۶:۶۷۷) و نیز گفته شد که منظور افسردگی به معنی Depression و افسردگی به معنی Melancholy است.

علائم Depression عبارتند از: اختلال در اشتها، اختلال در خواب، فقدان انرژی، احساس بدبینی، هیجان روانی و حرکتی، گاهی غمگین و گاهی شاد و هیجانی اشتغال ذهنی در مورد مرگ و خودکشی، خستگی پذیری. علائم Melancholy عبارتند از: بی خوابی، سوءهاضمه، منزوی و غیر فعال شدن، خودداری از حرف زدن و خوردن، احساس شدید تقصیر و گناه و بیچارگی، اضطراب و گریه بی اراده، اعتراف نکردن به افسردگی اشاره کرد که در نهایت فرد تصویری کند درد او غیر قابل علاج است و تنها راه چاره خودکشی است .(دانش، ۱۳۷۹: ۱۸۳، ۱۸۴)

۵- متغیرهای جمعیت شناختی

جدول ۱. نتایج حاصل از بررسی نمونه آماری دانش آموزان بر اساس جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
پسر	۷۵	۵۰/۰۰
دختر	۷۵	۵۰/۰۰
کل	۱۵۰	۱۰۰

در هر پژوهشی بررسی متغیرهای جمعیت شناختی یکی از بخش های آن فرایند محسوب می شود که در جای خود از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد. لذا تحلیل این بخش از داده ها نیز در فرایند تحقیق و پژوهش مفید و مؤثر خواهد بود. نتایج حاصل از بررسی جدول نشان می دهد که ۵۰/۰۰ درصد از نمونه آماری پسر و ۵۰/۰۰ درصد از این نمونه دختر می باشند.

جدول ۲. نتایج حاصل از بررسی نمونه آماری دانش آموزان بر اساس مدارس محل تحصیل

مدارس محل تحصیل	فراوانی	درصد
دبیرستان دخترانه پروین	۳۶	۲۴/۰۰
دبیرستان دخترانه الزهرا	۳۷	۲۴/۷
دبیرستان پسرانه امیرکبیر	۴۰	۲۶/۷
دبیرستان پسرانه مصطفی خمینی	۳۷	۲۴/۷
کل	۱۵۰	۱۰۰

نتایج حاصل از بررسی جدول و نمودار ۲ نشان می دهد که ۲۴/۰۰ درصد از نمونه آماری در دبیرستان دخترانه پروین، ۲۴/۷ درصد از این نمونه در دبیرستان دخترانه الزهرا، ۲۶/۷ درصد در دبیرستان پسرانه امیرکبیر و ۲۴/۷ درصد در دبیرستان پسرانه مصطفی خمینی مشغول به تحصیل هستند.

۶- آزمون کلموگروف اسمیرنوف (بررسی نرمال بودن داده ها)

نتایج حاصل از جدول ۳ نشان می دهد که میزان کلموگروف اسمیرنوف داده ها در متغیر خشم سرکوب شده با میانگین (۱۰/۱۶۶) و انحراف معیار (۱۸/۷۶)، (۰/۶۶۹) می باشد. این مقدار در متغیر احساس خودکهنتری با میانگین (۹۶/۵۸) و انحراف معیار (۱۳/۳۷)، (۰/۸۹۷) می باشد. همچنین، این مقدار در متغیر گرایش به خودکشی با میانگین (۱۶/۱۰) و انحراف معیار (۴/۲۰)، (۰/۹۳۵) می باشد. که این نشان دهنده این هست که داده ها نرمال می باشند.

جدول ۳. آزمون کلموگروف اسمیرنوف (بررسی نرمال بودن داده ها)

متغیر	تعداد	میانگین *	انحراف معیار *	مقدار کلموگروف	سطح معناداری (Sig)
خشم سرکوب شده	۱۵۰	۱۰/۱۶۶	۱۸/۷۶	۰/۶۶۹	۰/۷۶۲
احساس خودکهنتری	۱۵۰	۹۶/۵۸	۱۳/۳۷	۰/۸۹۷	۰/۳۹۷
گرایش به خودکشی	۱۵۰	۱۶/۱۰	۴/۲۰	۰/۹۳۵	۰/۳۴۷

** a. Test distribution is Normal. b. Calculated from data.

۷- آزمون فرضیه های تحقیق

در این بخش با استفاده از فنون آمار توصیفی و استنباطی به آزمون فرضیه های تحقیق می‌پردازیم.
فرضیه اول: بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد	R پیرسون	سطح معناداری
خشم سرکوب شده	۱۰۱/۶۶	۱۸/۷۶	۱۵۰	۰/۱۷۰	۰/۰۳۸
گرایش به خودکشی	۱۶/۱۰	۴/۴۰	۱۵۰		

بررسی رابطه بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان نشان می‌دهد که متغیر خشم سرکوب شده دارای میانگین (۱۰۱/۶۶) و انحراف معیار (۱۸/۷۶) می‌باشد. همچنین، متغیر گرایش به خودکشی دارای میانگین (۱۶/۱۰) و انحراف معیار (۴/۴۰) می‌باشد. یافته‌ها همچنین بیانگر این است که ضریب همبستگی پیرسون بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان برابر با $r = 0.170$ و $p = 0.038$ می‌باشد. لذا، به لحاظ آماری اینطور می‌توان بیان داشت که بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۵. خلاصه الگوی رگرسیون متغیر خشم سرکوب شده برای پیش بینی گرایش به خودکشی دانش‌آموزان

گام	متغیر	r	r ²	F	β	t	sig
۱	متغیر خشم سرکوب شده	۰/۱۷۰	۰/۲۸۹	۴/۳۸	۰/۱۷۰	۲/۰۹۴	۰/۰۳۸

نتایج حاصل از جدول ۵ حاکی از آن است که در بررسی اولویت‌های متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی گرایش به خودکشی دانش‌آموزان، متغیر خشم سرکوب شده پیش‌بینی داشته، این متغیر به میزان ۲/۸۹ واریانس رابری گرایش به خودکشی دانش‌آموزان تبیین کرده و پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌داری برای آن بود.

فرضیه دوم: بین احساس خودکهتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۶. ضریب همبستگی بین احساس خودکهتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد	R پیرسون	سطح معناداری
احساس خودکهتری	۹۸/۲۲	۱۱/۴۸	۱۵۰	۰/۰۳۶	۰/۰۶۶۵
گرایش به خودکشی	۱۶/۱۰	۴/۴۰	۱۵۰		

بررسی رابطه بین احساس خودکهتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان نشان می‌دهد که متغیر احساس خودکهتری دارای میانگین (۹۸/۲۲) و انحراف معیار (۱۱/۴۸) می‌باشد. همچنین، متغیر گرایش به خودکشی دارای میانگین (۱۶/۱۰) و انحراف معیار (۴/۴۰) می‌باشد. یافته‌ها همچنین بیانگر این است که ضریب همبستگی پیرسون بین احساس خودکهتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان برابر با $r = 0.036$ و $p = 0.0665$ می‌باشد. لذا، به لحاظ آماری اینطور می‌توان بیان داشت که بین احساس خودکهتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه‌ای وجود ندارد.

۸- بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول: بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
نتایج حاصل از یافته‌های فرضیه اول تحقیق و در بررسی رابطه بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان نشان داد که بین خشم سرکوب شده با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هر قدر خشم سرکوب شده در دانش‌آموزان زیاد باشد، گرایش به خودکشی در آنها به همان میزان افزایش پیدا می‌کند. انی نتیجه همسو با نتایج تحقیقات (محمدی فر و همکاران (۱۳۹۲)، حسینی و همکاران (۱۳۸۵)، آمرمن، کلیمن، یویچی، کنور و مک کلونسکی (۲۰۱۵)، دنیل، گودسون، ارکانی، فرانکلین و میفیلد (۲۰۰۹) لهنرت و اورهولسر (۱۹۹۴))، می‌باشد. محمدی فر و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به مقایسه ویژگی‌های شخصیت مرزی، خشم، خصومت و پرخاشگری در معتادان با و بدون افکار خودکشی، پرداختند. ویژگی‌های شخصیت مرزی، خشم، خصومت و پرخاشگری در معتادان خودکشی‌گرا بالاتر از معتادان غیر خودکشی‌گرا بود. نتیجه‌گیری: غربالگری و شناسایی معتادانی که در آنها ویژگی‌های پرخاشگری و شخصیت مرزی بالا است

برای پیشگیری از خودکشی ضروری به نظر می‌رسد. حسینی و همکاران (۱۳۸۵)، در پژوهشی به بررسی اختلالات شخصیت و اقدام به خودکشی در دانشجویان، پرداختند. یافته‌ها نشان داد که دانشجویان اقدام کننده به خودکشی در علایم اختلالات شخصیت اجتنابی، ضداجتماعی، مرزی، اسکیزوتایپی، پارانوئید، خودشیفته، پرخاشگر - منفعل و آزارطلب تفاوت معناداری با گروه دانشجویان عادی داشتند و میانگین گروه اقدام کننده به خودکشی بالاتر بود. در علایم اختلالات شخصیتی اسکیزوئید، وابسته، نمایشی، وسواسی - جبری و آزارگر تفاوت‌های بین دو گروه معنادار نبود. نتیجه: دانشجویان اقدام کننده به خودکشی در بعضی از اختلالات شخصیت نمرات بالایی دارند و می‌توان با بررسی اختلالات شخصیت آنها، افراد در معرض خطر را تشخیص داد و اقدامات لازم را به منظور پیشگیری از اقدام به خودکشی و کمک به درمان دانشجویان اقدام کننده انجام داد. نتایج پژوهش لهنرت و اورهولسر (۱۹۹۴) نشان داد خشم نقش مهم در رفتار خودکشی نوجوانان بازی می‌کند. آنها ۳۲۳ نوجوان عادی و ۱۰۴ دانش‌آموزی که اقدام به خودکشی داشتند را بررسی کردند، نتایج نشان داد نوجوانان اقدام کننده به خودکشی تجربه عصبانیت داشتند همچنین این نوجوانان سطح بالاتری از خشم درونی و بیرونی، و کاهش گرایش به کنترل تکانه در آنها دیده شد. آمرمن، کلیمن، یوبیجی، کنور و مک کلونسکی (۲۰۱۵) در پژوهش خود مطرح کردند که ادبیات غنی در ارتباط با رابطه بین خشم و خودکشی با صفت خشم وجود دارد اما با این حال کمتر شناخته شده است. آنها مطرح کردند دو مکانیسم بالقوه در رابطه بین خشم و خودکشی با خشم وجود دارد و آن دو احساسات و تکانشگری هستند که با افزایش خشم همراه هستند و خشم به عنوان عامل زمینه‌ای مشترک برای هم خودکشی و هم خشم مطرح است. و اختلال در نظم احساسات و تکانشگری به عنوان واسطه‌ی بالقوه‌ای در رفتار خودکشی است. نتایج پژوهش دنیل، گودسون، ارکانی، فرانکلین و میفیلد (۲۰۰۹) که به بررسی صفت خشم، بیان خشم و تلاش‌های خودکشی در میان نوجوانان و جوانان با رویکردی طولی پرداختند نتایج حاکی از آن بود که صفت خشم بالاتر و خشم بیش از حد در بیان آن با افزایش احتمال اقدام به خودکشی در میان مردان مرتبط بود برای دختران صفت خشم و بیان آن با خطر خودکشی در صورت هم ابتلای افسردگی بیشتر بود این نتایج را می‌توان در پرتو نظریه فعال سازی رفتاری و سیستم بازداری رفتاری تفسیر کرد. نتایج پژوهش لهنرت و اورهولسر (۱۹۹۴) نشان داد خشم نقش مهم در رفتار خودکشی نوجوانان بازی می‌کند. آنها ۳۲۳ نوجوان عادی و ۱۰۴ دانش‌آموزی که اقدام به خودکشی داشتند را بررسی کردند، نتایج نشان داد نوجوانان اقدام کننده به خودکشی تجربه عصبانیت داشتند همچنین این نوجوانان سطح بالاتری از خشم درونی و بیرونی، و کاهش گرایش به کنترل تکانه در آنها دیده شد.

فرضیه دوم: بین احساس خودکهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از یافته‌های فرضیه دوم تحقیق و در بررسی رابطه بین احساس خودکهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان نشان داد که بین احساس خودکهرتری با گرایش به خودکشی در دانش‌آموزان رابطه‌ی وجود ندارد. این نتیجه در جهت عکس نتیجه تحقیق گودوین و ماریوزیک (۲۰۰۳) می‌باشد که نشان داد در میان نوجوانانی که اظهار داشتند احساس حقارت را تجربه کردند میزان اقدام به خودکشی و شانس افکار خودکشی افزایش یافت. بنابراین، افزایش احساس حقارت به طور قابل توجهی با خطر افکار خودکشی و رفتارهای خودزنده در جامعه همراه است.

زندگی خانواده نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. خانواده اولین و مهم‌ترین بافت اجتماعی را برای رشد انسان فراهم می‌سازد. در جریان رشد طبیعی هر کودک یک رشته تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی را شاهد هستیم. تقریباً همه کودکان در طول رشد و در جریان سازگاری با این تغییرات دچار مشکلاتی می‌شوند و استرس و تعارضی را که به دنبال می‌آید، می‌تواند به مشکلات رفتاری-عاطفی و یادگیری در آن‌ها بینجامد. اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین می‌باشد. به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد. همچنین از آنجاییکه خودکشی به عنوان یک پدیده روانی-اجتماعی، موضوع چند وجهی و پیچیده‌ی است که تمام ملل و جهان با آن مواجه می‌باشند. وقتی شخصی مرتکب خودکشی می‌شود، معمولاً وابستگان و دوستان او متعجب و حیران می‌شوند اما پس از بررسی دقیق سرنخ‌هایی بدست می‌آید که در عین دشواری ضرورت پیگیری و جستجوی کمک و خدمات تخصصی را آشکار می‌سازد.

منابع

۱. ابوالحسن تنهایی، حسین (۱۳۷۴)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات مرنديز.
۲. احمدوند، محمد علی (۱۳۸۴). بهداشت روانی تهران، دانشگاه پیام نور.
۳. استونز، راب (۱۳۸۳)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. مهرداد میردامادی (مترجم). تهران: انتشارات مرکز.
۴. اسلامی نسب، بجنوردی (۱۳۷۱)، بحران خودکشی. تران: نشر فردوس.
۵. اسلامی نسب، علی، (۱۳۷۳). روانشناسی اعتماد به نفس چاپ اول - تهران - انتشارات مرداد.
۶. شنایدر و براون (۱۹۹۸). معرفی نظریه امید، فصلنامه ذهن زیبا، به نقل از سلیمی (۱۳۸۹)، ارگان مرکز مشاوره دانشگاه علامه.
۷. شنایدر، شوری، جیونز و ویلکلاند (۲۰۰۲). معرفی نظریه امید، فصلنامه ذهن زیبا، به نقل از سلیمی (۱۳۸۹)، ارگان مشاوره بهداشت روان دانشگاه علامه.

۸. اعزازی شهلا (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۹. آقا یوسفی، علیرضا؛ اورکی، محمد؛ احمدی ازغندی، علی؛ حسینی، علی؛ نوفرستی، اعظم (۱۳۹۲). سبک زندگی سوء مصرف کنندگان مواد و افراد بهنجار: یک مقایسه مبتنی بر آدلری نگری. مجله روانشناسی سلامت، ۲ (۱): ۴۹-۶۲.
۱۰. اکبری، بهمن (۱۳۸۸). رابطه پابندی به دعا و اضطراب باتوجه متغیرهای جمعیتشناختی دردانشجویان ازاداسلامی، واحدانزلی، نشریه روان‌شناسی و دین، سال اول، شماره ۲، صفحه ۱۴۵-۱۵۵.
۱۱. امیدی ملایری، کاوه. ۱۳۸۲. "نگاهی به علل وعوامل خودکشی". فصل‌نامه علمی- کاربردی معاونت اجتماعی ناجا. پیش شماره ی اول. صص ۸۸-۱۰۱.
۱۲. امیر دیوانی، ابوالفضل (۱۳۸۳). خودکشی جوانان و نوجوانان و انگیزه های آن. فصلنامه بهداشت و روان، شماره ۷، ۲۳-۳۵.
۱۳. انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، بهار، ۱۳۸۶.
۱۴. انجمن روانپزشکی آمریکا (۲۰۰۰). ((راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی))، ترجمه نیکخو، محمدرضا و آوادیس یانس، هامایک ۲۰۰۴، انتشارات سخن، تهران.
۱۵. براون، کوری، هاگستروم و ساندستد (۱۹۹۹). به نقل از دکتر سلیمی (۱۳۸۹). معرفی نظریه امید. فصلنامه ذهن زیبا، ارگان مشاوره و بهداشت روان.
۱۶. بنی جمال واحدی، شکوه‌السات، احدی، حسن (۱۳۷۰). بهداشت روانی وعقب ماندگی ذهنی، تهران: نشر نی.
۱۷. بویری، ایرج (۱۳۸۶). رابطه علی بین سلامت روان و امید، شوخ طبعی و خوش بینی دردیبران راهنمایی شهرستان ایزه، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه ازاد اسلامی، واحد تحقیقات خوزستان.
۱۸. پروین لارنس ای (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق) ترجمه: محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، نشر رسا.
۱۹. پور محمد (۱۳۸۰)، آسیب‌شناسی روانی، تهران، انتشارات بعثت.
۲۰. پورمحمد، زهرا، دهقانی، خدیجه و یاسینی اردکانی، سیدمجتبی (۱۳۸۰). بررسی میزان ناامیدی و اضطراب درنوجوانان مبتلا به تالاسمی ماژور، مجله تحقیقات پزشکی شماره ۱.
۲۱. تایلر، استیو (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خودکشی و علی موسی نژاد (مترجم). تهران: انتشارات اصفهان.
۲۲. توسلی، غلام عباس (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۳. ثنائی باقر (۱۳۷۸). نقش «خانواده‌های اصلی» در ازدواج فرزندان. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران، بهار و تابستان ۱۳۷۸، جلد ۱، شماره ۲.
۲۴. جلالی تهرانی (۱۳۸۷) درس بهداشت روان دوره دکتری روان‌شناسی تربیتی.
۲۵. جوانمرد، غلام حسین (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی روانی ۲، تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۶. چانگ (۱۹۹۸). کوری، مانیر، سون داک، ساندستدست (۱۹۹۹). به نقل از دکتر سلیمی (۱۳۸۹) معرفی نظریه امید، فصلنامه ذهن زیبا، ارگان مرکز مشاوره دانشگاه علامه.
۲۷. حسینی، علی، مرادی، علیرضا، یاریاری. فریدون (۱۳۸۵)، اختلالات شخصیت و اقدام به خودکشی در دانشجویان، فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، دوره ۱، شماره ۳-۲، صص. ۸۶-۵۷.
۲۸. حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷). اصول بهداشت روانی، جلد چهارم، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی، ص ۴۱.
۲۹. حسینی، سیده مونس (۱۳۸۵). رابطه امید به زندگی و سرسختی روان شناختی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات خوزستان.
۳۰. حمیدحق گو، پرویز. ۱۳۵۲/ پایان نامه: خودکشی. دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. ۱۳۵۲-۱۳۴۷.
۳۱. خسروی، زهره. ۱۳۸۳/ "بررسی رابطه همسر آزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب‌رسانی به همسر در زنان شهر تهران". فصل‌نامه علمی- پژوهشی مطالعات زنان. سال دوم، شماره ۶/ تهران. صص ۲۹۳-۲۷۵.
۳۲. دارابی، ج (۱۳۸۵). تئوری‌های روانشناسی شخصیت. تهران: انتشارات آییژ.
۳۳. داودی، محمدرضا (۱۳۸۳). امید ونقش تربیتی ان درزندگی انسان، مجله معرفت، شماره ۲۰، صفحه ۲۰.
۳۴. دوری، محمد. سلیمی، علی، جامعه‌شناسی کجروی پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۳۵. درتاج، فریبرز (۱۳۸۶) بررسی نقش عوامل درون سازمانی ودرون فردی بروضعیت سلامت روانی مدیران و کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران، روان‌شناسی تربیتی.
۳۶. دهخدا، علی اکبر. ۱۳۴۷/ لغت نامه. زیرنظرمحمد معین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۷. دورکیم، امیل. ۱۳۵۹/ تقسیم کاراجتماعی. حسن حبیبی (مترجم). تهران: انتشارات قلم.
۳۸. دورکیم، امیل. ۱۳۷۸/ خودکشی. نادر سالار زاده امیری (مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۹. دیویسون، نیل و کرینگ، ترجمه دکتر مهدی دهستانی (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی روانی ۲، جلد اول، تهران، نشر ویرایش.

۴۰. رحیمی، فرزانه (۱۳۸۹). رابطه معنای زندگی، امیدواری و رضایت از زندگی با سلامت روان در آموزشیاران نهضت سواد آموزی بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۴۱. رشید یاسمی، هوشنگ. ۱۳۴۵/ پزشکی قانونی و طب کار. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۲. رضایی (۱۳۸۷). بهداشت روانی، نظریه اریکسون، سایت جامع مدیریت.
۴۳. رضایی (۱۳۸۷). بهداشت روانی، نظریه فروم، سایت جامع مدیریت.
۴۴. رضایی (۱۳۸۷). بهداشت روانی، نظریه جرج کلی، سایت جامع مدیریت.
۴۵. رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۸/ انومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: انتشارات سروش.
۴۶. روان شناسی مرضی؛ ساراسون؛ جلد اول؛ انتشارات رشد ۱۳۸۱
۴۷. روزنهان، سیلگمن، (۱۳۸۴) آسیب شناسی روانی ۸، (جلد دوم)، ترجمه سید محمدی، یحیی (۱۳۸۴)، نشر ارسباران، تهران.
۴۸. ریثس دانا، فرییز. ۱۳۸۰/ بررسی هایی در آسیب شناسی اجتماعی ایران. تهران: انتشارات سازمان بهزیستی کشور.
۴۹. ساراسون، ایروین جی. ساراسون باربارا آر. (روان شناسی مرضی)، (جلد اول)، ترجمه نجاریان، اصغری مقدم و دهقانی (۱۳۸۳)، انتشارات رشد، تهران.
۵۰. ستوده، هدایت الله. ۱۳۷۸/ آسیب شناسی اجتماعی. تهران: آوای نور.
۵۱. ستوده، هدایت الله، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی،
۵۲. سخاوت، جعفر. ۱۳۸۲/ جامعه شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۵۳. سلیمی (۱۳۸۹). معرفی نظریه امید، فصلنامه ذهن زیبا، ارگان مرکز مشاوره و بهداشت روان دانشگاه علامه.
۵۴. سلیمی، علی و محمد داوری. ۱۳۸۰. بررسی هایی در آسیب شناسی اجتماعی ایران. تهران: انتشارات آوای نور.
۵۵. سیف سوسن (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا.
۵۶. شاملو (۱۳۸۲). آسیب شناسی روانی، تهران رشد.
۵۷. شاملو (۱۳۸۰)، روش های تحقیق در علوم رفتاری، (چاپ سوم)، تهران، انتشارات سخن.
۵۸. شرف الدین زاده، نرگس (۱۳۸۸). رابطه بین سلامت روانی با شیوه های رویارویی با استرس دردانشجویان دانشگاه اسلامی واحد دزفول، پایان نامه کارشناسی روان شناسی عمومی دانشگاه پیام نور واحد اندیمشک.
۵۹. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰). جوان و نیروی چهارم زندگی و (اراده خودساز شخصیت) انتشارات سروش، تهران.
۶۰. شیرعتمداری علی (۱۳۶۷). روانشناسی تربیتی. انتشارات امیر کبیر. تهران.
۶۱. شریفی، حسن پاشا؛ نجفی زند، جعفر (۱۳۸۲)، روش های آماری در علوم رفتاری، (چاپ دهم)، انتشارات سخن.
۶۲. شهید مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، عدل الهی، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم.
۶۳. شهیدی، شهریار، حمیدیه، مصطفی (۱۳۸۱)، اصول و مبانی بهداشت روانی، تهران: انتشارات سمت،
۶۴. شولتز دوان (۱۹۷۷) روان شناسی کمال - ترجمه: گیتی خوشدل (۱۳۶۸) انتشارات نشر نور - تهران
۶۵. شولتز دوان و شولتز، سیدنی آلن (۱۹۹۸). نظریه های شخصیت ترجمه سید محمدی (۱۳۸۵).
۶۶. شولتز، د (۱۳۹۱). نظریه های شخصیت. ترجمه سید محمدی، ی. تهران: نشر ارسباران.
۶۷. شیخاوندی داور، (۱۳۷۹). جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی. نشر مرنديز، چاپ چهارم.
۶۸. شیخاوندی، داور. ۱۳۷۳/ جامعه شناسی انحرافات، آسیب شناسی جامعه‌ی. تهران: انتشارات مرنديز.
۶۹. طاهری، ح (۱۳۸۵). عقده حقارت و راهکارهای درمان آن در منابع اسلامی. فصلنامه پژوهش های دینی، ۲(۴)، ۳۰-۵.
۷۰. طباطبایی، سید موسی. "تشخیص و پیشگیری از خودکشی جوانان". ماهنامه ی اجتماعی، فرهنگی، آموزشی اصلاح و تربیت. شماره ی ۴۱/ سال چهارم. مرداد ماه ۱۳۸۴/ تهران: صص ۳۰-۳۷.
۷۱. عبدالعلی بیاتانی، لایلا (۱۳۹۰). بررسی رابطه هوش هیجانی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه پیام نور دزفول، پایان نامه کارشناسی، رشته راهنمایی و مشاوره در گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور دزفول.
۷۲. عسگری، پرویز، شرف الدین، هدا (۱۳۸۹)، رابطه اضطراب اجتماعی، امیدواری و حمایت اجتماعی با احساس بهزیستی اجتماعی دردانشجویان، واحد علوم و تحقیقات خوزستان.
۷۳. عطاری (۱۳۷۵). بهداشت روانی (۱۳۸۸). نظریه البرت الیس، سایت جامع مدیریت.
۷۴. عطاریان، مریم (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با سرسختی روان شناختی دانش آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی (۸۲-۱۳۸۱)، پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه اصفهان.
۷۵. علیپور، احمد (۱۳۹۰). مقدمات روانشناسی سلامت، تهران: دانشگاه پیام نور.
۷۶. فتحی آشتیانی، علی، باهمکاری محبوبه دادستانی (۱۳۸۸). آزمون های روان شناختی، ارزشیابی شخصیت و سلامت روان، موسسه انتشارات بعثت.
۷۷. قربانی، نیما (۱۳۷۴)، سخت رویی، ساختار وجودی شخصیت، مجله پژوهش های روانشناختی، دوره ۰، شماره ۴۰ و ۴۰.
۷۸. کاپلان (۲۰۰۳). خلاصه روانپزشکی، ترجمه پورافکاری، نصرت الله (۱۳۸۵) تهران، نشر سهراب.
۷۹. کاپلان و سادوک (۱۹۹۹). خلاصه روانپزشکی ترجمه پورافکاری (۱۳۷۶). تهران: نشر سهراب.
۸۰. کاکاوندی ملایری؛ علی (۱۳۸۸). وبلاگ روانشناسی، امیدواری تازه ترین حربه با افسردگی.

۸۱. کرمانی، زهرا، خداپناهی، محمدکریم، حیدری، محمود (۸۸-۱۳۸۷). تعیین ویژگی های روان سنجی، مقیاس امیدآشنايدر، دانشگاه شهیدبهشتی، فصلنامه کاربردی، سال پنجم
۸۲. کسلر (۲۰۰۶)، اصطلاحات خودکشی، به نقل از گروه سلامت سیمرغ، گروه سلامت روان بزرگسالان.
۸۳. کلانتر، جهانگیر (۱۳۷۷)، رابطه ساده و چندگانه سرسختی، تیپ شخصیتی الف و فشارهای روانی با بیماریهای روانی دانش آموزان پسر سال سوم نظام جدید شهرستان اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۸۴. کلاین برگ اتو (۱۳۷۲). روانشناسی اجتماعی. جلد دوم. ترجمه: علی محمد کاردان. تهران: نشر اندیشه.
۸۵. کلدی، علیرضا واردشیر گراوند. " بررسی خوکی در شهرستان کوهدشت ". فصلنامه ی علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم. شماره ۶/ زمستان ۱۳۸۱/ تهران: صص ۲۷۵-۲۹۳
۸۶. کلمن، جیمز سی. ۱۳۷۶. روانشناس نابه هنجار و زندگی نوین. کیانوش هاشمیان (مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
۸۷. کوری وهمکاران (۱۹۹۷). به نقل از سلیمی (۱۳۸۹). معرفی نظریه امید، فصلنامه ذهن زیبا، ارگان مرکز مشاوره و بهداشت روان دانشگاه علامه.
۸۸. کوزر، لوئیس (۱۳۸۰)، زندگی و اندیشه ی بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی (مترجم). تهران: انتشارات علمی.
۸۹. کوکرین، ریموند. ۱۳۷۶/ مبانی اجتماعی بیماری های روانی. فریده براتی سده و بهمن بخاریان (مترجمان). تهران: انتشارات رشد.
۹۰. کوهن، رابرت. ۱۳۷۷/ تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. علیرضا کلدی (مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
۹۱. کیویستو، پیتر. ۱۳۸۰/ اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی. منوچهر صبور (مترجم). تهران: انتشارات نی.
۹۲. گلدارد دیوید (۱۳۷۴). مفاهیم بنیادی و مباحث تخصصی در مشاوره، آموزش و کاربرد مهارتهای خرد در مشاوره فردی. ترجمه: سیمین حسینیان، تهران: نشر دیدار.
۹۳. گلدوزیان ایرج (۱۳۸۳)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
۹۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه شناسی. منوچهر محسنی (مترجم). تهران: انتشارات نی.
۹۵. لطافتی بريس، امين (۱۳۸۳). نظریه پردازان سلامت روان، ۷۹ فصلنامه تازه های روان درمانی سال شانزدهم شماره ۱۱ و ۱۹.
۹۶. لونسین وهمکاران (۱۹۶۲). به نقل از میلانی (۱۳۸۳)، بهداشت روانی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات قومس.
۹۷. مازلو (۱۹۷۲). بهداشت روانی (۱۳۸۸)، به نقل از موسوی (۱۳۸۷)، سایت جامع مدیریت.
۹۸. محسنی تبریزی، علیرضا. "ملاحظات دیرب نظریه ی خودکشی دورکهایم". نامه ی علوم اجتماعی. شماره ی ۷/ دوره ی جدید. ج ۳. زمستان ۱۳۷۳/ تهران. صص ۱۴۹-۱۱۷
۹۹. محمد خانی، شهرام. ۱۳۸۱/ پیشگیری از خودکشی جوانان و نوجوانان: راهنمایی عملی برای معلمان و مشاوران مدارس و متخصصان بهداشت روان. تهران: انتشارات طلوع دانش.
۱۰۰. محمدی فر. محمدعلی، زارعی مته کلایی. اله، نجفی. محمود، منطقی. محمود (۱۳۹۲)، مقایسه ویژگی های شخصیت مرزی، خشم، خصومت و پرخاشگری در معتادان با و بدون افکار خودکشی، فصلنامه اعتیاد پژوهی، دوره ۷، شماره ۲۸، صص. ۸۹-۱۰۰
۱۰۱. محمدی، زهرا. ۱۳۸۳/ بررسی آسیب های اجتماعی زنان در دهه ی ۱۳۸۰-۱۳۷۰. تهران: انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۰۲. منادی مرتضی (۱۳۷۸). آموزش و پرورش در آستانه قرن ۲۱. سخنرانی در دومین همایش علم در آستانه قرن ۲۱. توسط مرکز علمی فرهنگی دارالفنون توس، ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۸، مشهد.
۱۰۳. منینجر، ترجمه میلانی (۱۳۷۳). بهداشت روانی (۱۳۸۸). سلیت جامع مدیریت
۱۰۴. مهرابی، ح.ع (۱۳۸۹). هنجاریابی فرم ایرانی پرسشنامه بالینی نوجوانان میلون و تعیین تاثیر گروه درمانی به شیوه TTM بر نیمرخ روانی نوجوانان وابسته به مواد مقیم کانون اصلاح و تربیت شهر اصفهان. رساله دکتری روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۰۵. موسوی (۱۳۸۷). بهداشت روان (۱۳۸۹). نظریه سالیوان، سایت جامع مدیریت.
۱۰۶. موسوی (۱۳۸۷). بهداشت روانی (۱۳۸۹). نظریه گوردون آلپورت، سایت جامع مدیریت.
۱۰۷. موسوی (۱۳۸۷). بهداشت روانی (۱۳۸۹). نظریه مازلو سایت جامع مدیریت.
۱۰۸. میلانی فر - بهروز (۱۳۸۲). بهداشت روانی، چاپ هشتم - تهران: نشر قومی.
۱۰۹. میلانی فر، بهروز (۱۳۷۴). روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی، تهران: نشر قومس.
۱۱۰. میلانی فر، بهروز (۱۳۸۳). بهداشت روانی، تهران: انتشارات قومس.
۱۱۱. نادری، محمدرضا و حسینی (۱۳۸۵)، راهنمای تشخیص و آماری اختلال های روانی، جلد دوم، انتشارات سخن.
۱۱۲. نشریه امنیت (وزارت کشور)؛ سال چهارم؛ شماره ۱۵ و ۱۶، مهر و آبان ۱۳۷۹

۱۱۳. نلسون، ریتا ویلکس و الن سی. ایزرائل. ۱۳۷۵/ اختلال رفتاری کودکان. محمد تقی منشی طوسی (مترجم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱۴. نوربخش، امین؛ مولوی، حسین (۱۳۹۴). رابطه هوش معنوی و باورهای مذهبی با احساس حقارت و کهنتری در دانشجویان. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال شانزدهم، شماره ۱، ۴-۱۲.
۱۱۵. نیست، جانس (۱۹۹۲). درآمدی بر اپیت نیولوژی. ترجمه: جانقربانی، محسن، کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان (۱۳۷۳).
۱۱۶. نیک گهر عبدالحسین (۱۳۶۹). مبانی جامعه شناسی. انتشارات رایزن.
۱۱۷. هادی نژاد، تقی (۱۳۹۰). ارتباط بین میزان معنویت، افسردگی، امید به زندگی در بیمارستان سرطانی مردم مرکز تخصصی رادیوتراپی انکولوژی امام رضا (ع) و بیمارستان امید شهر مشهد، کتابخانه دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشکده فردوسی مشهد.
۱۱۸. یوسفی، رحیم؛ مظاهری، محمدعلی؛ ادهمیان، الهام (۱۳۸۷). احساس کهنتری در بیماران مبتلا به هراس اجتماعی و وسواس - بی اختیاری. فصلنامه روانشناسان ایرانی، سال هفتم، شماره ۱۷: ۶۸-۶۳.
119. Ader, R. and Cohen, N. (1993) psychoneuroimmunology: conditioning and stress. Annual Review of psychology, 44, 53-85
120. Ammerman, B.A., Kleiman, E.M., Uyeji, E.L., Knorr, A.C., and McCloskey, M.S. (2015). Suicidal and violent behavior: The role of anger, emotion dysregulation, and impulsivity. Journal of Personality and Individual Differences, 79; 57-62.
121. Beautrais, A.L., and Mishara, B. (2008). Word Suicide prevention day: Think globally, plan nationally, act locally". Criss, 29 (2): 59-63
122. Brendgen, M., Vitaro, F., Turgeon, L., and Poulin, F. (2002). Assessing aggressive and depressed children's social relations with classmates and friends: A matter of perspective. Journal of Abnormal Child Psychology, 30(6), 609-624. doi:10.1023/A:1020863730902.
123. Brown, J. M., and Campbell, E. A. (1994). stress and coping: sources and strategies, Wiley, Chichester, England.
124. Caar, David. E (2006). Social Behavior and personality, 25 (1), pp. 285-286
125. Corsini, R. (1973). current. psychotherapist. Peacock. publishers. Inc. Iitasaca. Llonnis.
126. Dayer, sj, Linda. C. (2000). Research in Nursing and Health. Feb. Vol 14, pp, 41-50.
127. Dumais, A., Lesage, A.D., Alda, M., Rouleau, G., Dumont, M., and Chawky, N., (2005). Risk factors for suicide completion in major depression: A case-control study of impulsive and aggressive behaviors in men. American Journal of Psychiatry, 162(11), 2116-2124.
128. Eshnider, Nima. p (2001). Occupational stress: the role of type a behavior pattern, neuroticism, and hardiness as moderators of the stress-strain relation ship. Alliant International university, los Angeles , 92 pages : AA 3205055.
129. Esposito, C., Spirito, A., Boergers, J., and Donaldson, D. (2003). Affective, behavioral, and cognitive functioning in adolescents with multiple suicide attempts. Journal of Suicide and Life-Threatening Behavior, 33 (4), 389-399. doi:10.1521/suli.33.4.389.25231.
130. Goodwin, R.D., and Marusic, A (2003). Feelings of inferiority and suicide ideation and suicide attempt among youth. Croatian Medical Journal. 44 (5): pp. 553-557.
131. Hasper, J. (2013). Management of inferior feelings and addictive behaviors. Available at: www.alfredadler.edu/.../Hasper%20MP%202013
132. Heart. w (1999), stress: Hardiness does not help women cope with stress. Atlanta: Jul. 19. p. 6.
133. Kemeny, ME, (2003). An interdisciplinary research model to investigate Psychosocial cofactors in disease; Application to HIV-1 Immunity, 17, 562-72.
134. Kenchappanavar, R.N (2012). Relationship between Inferiority complex and Frustration in Adolescents. Journal of Humanities and Social Science (JHSS), 2(2), (Sep-Oct. 2012), pp. 01-05.
135. Kirk, J and Reid, G (2001): An examination of the relationship between Dyslexia and Offending in Young people and the implications for the training systems. DYSLEXIA, 7, pp. 77-84.
136. Kiyas. G (2003), they mental health continu um : from languishing to slouping in life, Journal of health and social research, 43, PP. 207-222.
137. Lazarus, R. S. and folk man, s. (1984), Transactional theory and research on emotions and coping, European Journal of personality, 1(1), 141-70.
138. Painuly, N., Sharan, P., and Mattoo, S.K. (2007). Antecedents, concomitants and consequences of anger attacks in depression. Journal of Psychiatry Research, 153(1), 39-45. doi:10.1016/j.psychres. 2006.03. 001.
139. Phillips, L.H., Henry, J.D., Hosie, J.A., and Milne, A.B. (2006). Age, anger regulation and well-being. Aging & Mental Health, 10(3), 250-256.

140. Plutchik, R., van Praag, H.M., and Conte, H.R. (1989). Correlates of suicide and violence risk: III. A two-stage model of countervailing forces. *Journal of Psychiatry Research*, 28(2), 215–225. doi:10.1016/0165-1781(89)90048-6.
141. Rabinsoon, R. H, (2005), Hardiness at worke: psychophysiological indicators of every day courage under stress. university of California, Irvine. 236. page s :AAAt319837
142. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan and Sadock's (2004). *Comprehensive Textbook of Psychiatry*. London: Lippincott.
143. Sadock, b. j., and sadok, v. A. (2003). *Synopsis of psychiatry* (9tn.ed) philadelphia: lippincott Williams & wilkins.
144. Scott, R (2004): *Dyslexia and Counselling*, London: Whurs.
145. Snyder, C.R. (2000). *Hand book of hop*. copy right by Academic press.
146. Yao S, Cottraux J, and Martin R, (2007), Inferiority in social phobics, obsessive compulsives, and non-clinical controls: A controlled study with the inferiority scale. *Journal of Behavior and Cognitive Therapy Today*; 305-18.



فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
سال چهارم، شماره ۵ (پیاپی: ۱۸)، زمستان ۱۴۰۰، جلد دو

زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های نوپدید دینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

کد مقاله: ۹۱۶۴۸

امید ابرقوئی^۱

چکیده

مطالعه جنبش‌های نوپدید دینی از جمله مسائل پرتکرار در مطالعات اجتماعی امروز محسوب می‌شود. رشد بالای این گروه‌ها در شصت سال اخیر، به‌خصوص در جوامع غربی، باعث بروز سؤال‌هایی زیادی شده است. برای درک بهتر کارکرد این گروه‌ها می‌توان به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن‌ها پرداخت. نوشتار حاضر به همین منظور بعد از معرفی کلی پدیده مورد بحث و تشریح مباحث پیرامونی، به‌نوعی بررسی تاریخی-تحولی می‌پردازد تا نشان دهد چگونه در یک فرایند دیالکتیک وار با افول کلیسای کاتولیک (تز) و بحران معنایی ایجاد شده (آنتی تز)، شکل‌گیری جنبش‌های نوپدید دینی (سنتز) به‌عنوان نوعی کارکرد عمل کرده است. همچنین مسائلی از قبیل مهاجرت، کثرت‌گرایی فرهنگی و حکومت لیبرال دموکراسی نیز به‌عنوان عوامل گسترش دهنده این جریان‌ها مورد توجه خواهد بود.

واژگان کلیدی: جنبش‌های نوپدید دینی، کلیسا، مهاجرت، بحران معنایی، دیالکتیک، کارکرد

۱- دانشجوی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، oabarghooe@gmail.com

۱- مقدمه

در اواسط دهه ۷۰ میلادی مارشال اپل وایت (با عنوان مستعار دو) و بانی ترزدل ناتلس (با عنوان مستعار تی) گروهی به نام دروازه بهشت ایجاد کردند که حول محور مفهوم اشیای ناشناخته پرنده (UFO) و موجودات فضایی شکل گرفته بود. پیروان اعتقاد داشتند که موجوداتی فرازمینی در میلیون ها سال پیش بذر وجودی انسان (روح) را در درون بدن او (که همچون گلدان است) کاشته اند و پس از گذر سالیان طولانی اکنون بازگشته و آماده ی جذب روح های تکامل یافته اند تا آن ها را به سفینه فضایی خود ملحق کنند (Stein & Stein, 2017). اعضا همچنین باور داشتند که انجام یک خودکشی جمعی در زمان مناسب می تواند باعث شود که روح آن ها از بدن جدا شده و با ورود به سفینه بیگانگان به بعد جدیدی از وجود دست پیدا کند؛ جایی که جنسیت و فعالیت جنسی وجود ندارد (ibid). زمان مناسب مارچ ۱۹۹۷ بود. جنازه ۳۹ نفر از اعضای گروه در خانه ی اشتراکی آن ها در اطراف سن دیگو کالیفرنیا پیدا شد. طبق تحقیقات پلیس مشخص شد که این ۳۹ نفر (به همراه خود اپل وایت) خودکشی جمعی کرده اند. همه اعضا فوت شده لباس های یکسانی به تن داشتند همراه با نشانه ای که می گفت آن ها عضو گروه فراسو (the away team) هستند (Rothstein, 2006). با اینحال، فرجام دروازه بهشت با وجود خاص بودن موردی استثنایی محسوب نمی شد. تاریخ ادیان تعدادی از خودکشی های جمعی را نشان می دهد که توسط پیروان مذهبی بر اساس لذت، امید دستیابی و احساس تعلقی مذهبی رخ داده است (ibid). دروازه بهشت یکی از هزاران گروهی است که در ادبیات علوم اجتماعی از آن ها با عنوان جنبش های نوپدید دینی (New religious movements) یاد شده است. آمار دقیق و قطعی درباره تعداد این گروه ها وجود ندارد و آنچه هست، تخمین محسوب می شود (آروک، ۱۳۹۷). در دایره المعارف ادیان آمریکایی به بیش از ۱۳۰۰ مورد از گروه های مذهبی در ایالات متحده اشاره شده است (Melton, 2009). بارکر شمار جنبش های نوپدید دینی در غرب را چهاررقمی (بیش از دو هزار) و در جهان پنج رقمی (کمتر از ده هزار) تخمین می زند. (آروک، ۱۳۹۷؛ به نقل از بارکر، ۱۹۹۹) بر طبق گزارشی از شبکه اطلاعاتی متمرکز بر جنبش های مذهبی (INFORM) در لندن، در سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۳۰۰ جنبش جدید مذهبی در فایلهای مربوطه ثبت شده بود (Newcombe, 2014). در هر حال، گرچه به نظر می رسد این گروه ها روندی تصاعدی دارند اما به گفته ی محققین همچنان جمعیت کوچکی از ادیان را در جهان تشکیل می دهند. هدف نوشتار حاضر بررسی زمینه های اساسی شکل گیری این گروه ها و کارکرد آن ها در ذیل فرایندی دیالکتیک وار می باشد.

۲- فرقه یا جنبش نوپدید دینی؟

ظاهرا کاربرد اولیه واژه کالت^۱، نوعی پیشوند برای ادای احترام نسبت به چهره های الهی و مقدس محسوب می شده است؛ همچون کالت مریم مقدس (the cult of Mary) در کلیسای کاتولیک روم، اما به مرور به واژه ای برای توصیف گروه های مذهبی غیر مسیحی تبدیل شد. این واژه در اواخر قرن نوزدهم برای توصیف گروه هایی همچون کلیسای علم مسیحی یا انجمن تتوسوفی به کار می رفت (ibid). این فرایند با رشد فزاینده گروه های جدید دینی در قرن بیستم - که در مواردی حتی خارج با بر علیه جریان اصلی یهودی-مسیحی موجود در جامعه اروپا و آمریکا بودند (همچون کلیسای شیطان) یا به نحوی بیشتر شبه مذهبی محسوب می شدند (همچون کو کلاکس کلن)- باعث خارج شدن کامل واژه فرقه (کالت) از کاربردهای اولیه خود شد و به یک معنا به واژه ای با بار معنایی منفی تبدیل شد. تا اواسط قرن بیستم گمان محققین این بود که فرقه ها گروه های کوچک مذهبی و خارج از جریان اصلی مذهبی جامعه هستند که توسط رهبری فرهمند (کاریزماتیک) هدایت می شوند (Melton, 2007). همچنین این گروه ها عمدتاً خطرناک، بسته و مرتبط با مفاهیمی از قبیل شستشوی مغزی و بهره کشی جنسی از اعضای خود تلقی می شدند. وقوع رخداد جونزتاون، خودکشی جمعی ۹۱۸ نفر از اعضای گروه معبد مردم به رهبری جیم جونر در اواخر دهه ۷۰ و آشوب رسانه ای به راه افتاده در این میان، به تضادها و کشمکش ها دامن زد (آروک، ۱۳۹۷).

به مرور در درک این واژه مشکلاتی ایجاد شد؛ محققین متوجه شدند که تعدادی از این فرقه ها که گروه های جدید تلقی می شدند، قدمتشان به قرن قبل یا بیشتر از آن برمیگشت. همچنین این گروه های جدید مذهبی در موارد زیادی همان تعالیم ادیان اصلی را آموزش می دادند و از طرفی پویایی موجود در این گروه ها، باعث حرکت برخی از آن ها به سمت مذاهب (denominations) شده بود. رهبران فرهمند نیز تقریباً در تمام ادیان تثبیت شده همچون مسیحیت وجود داشتند (Melton, 2007). در واقع اینها خصلت هایی نبود که بتواند در مرزبندی و توضیح این گروه ها کاربرد چندانی داشته باشد.

از طرفی دیگر، مسئله برداشت عمومی، موضوع قابل توجهی محسوب می شود. ظاهراً تداعی معانی واژگان حتی اگر در اصل ارجاعی واحد داشته باشند، در نزد گروه ها و افراد تفاوت دارد. به عنوان نمونه، در پژوهشی که اولسن در میان ۲۴۰۰ نفر از مردم ایالت نبراسکا در ایالات متحده آمریکا انجام داد، مشخص شد که برداشت عموم مردم نسبت به دو واژه «جنبش نوپدید دینی» و

۱. معادل پیشنهادی برای این واژه (cult)، «فرقه» است که البته نمی تواند معادل چندان دقیقی باشد.

«کالت» تفاوت دارد. نتایج نظرسنجی نشان داد که حدود ۷۸ درصد از اعضای نمونه آماری در مقابل این پرسش که «اگر همسایه شما به فرقه (کالت) بپیوندند چه حسی خواهید داشت؟» اعلام ناراحتی کرده بودند. از سوی دیگر در مقابل و نسبت به همچنین سوالی در باب «پیوستن همسایه خود به جنبش نوپدید دینی»، تنها ۲۹ درصد افراد ابراز ناراحتی داشتند (Olsen, 2006).

مشکلات موجود در واژه کالت و ویژگی های سابقاً متصور برای آن و همچنین واکنش منفی عامه نسبت به این گروه‌ها باعث شد تا محققین و پژوهشگران واژگان دیگری را پیشنهاد کنند. در آلمان و اتریش واژه گروه‌های مذهبی جدید (new sects) پیشنهاد شد. همچنین ادیان جایگزین (alternative religions)، ادیان جدید (new religions)، جنبش‌های نوین معنوی (new spirituality movements) از دیگر پیشنهادها بودند؛ اما از میان تمام این واژگان، جنبش‌های نوپدید دینی (با سرواژه NRM) تبدیل به رایج‌ترین و مورد پذیرش‌ترین اصطلاح برای اشاره به گروه‌های مذهبی ایجاد شده به خصوص از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شد. باید گفت اساساً آنچه این گروه‌ها را جدید می‌کند، نحوه واکنش آن‌ها با زندگی در جهان جدید و روش‌های پیشنهادی آن‌ها برای زیستن و رستگاری می‌باشد (Haxham & Poewe, 1986). این گروه‌ها طیف وسیعی از سنت‌ها و معنویت‌ها را شامل می‌شوند که در موازات ادیان تثبیت شده ایجاد شده و تنوع وسیعی، از گروه‌های خودیاری متعلق به عصر جدید (new age) تا گروه‌های بسته و محرمانه‌ای همچون هاری کریشنا را در بر می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۹۷). به اعتقاد ملتون این گروه‌ها باید بر اساس موقعیت حاشیه‌ای خود در جامعه تعریف بشوند. تحت تاثیر جریان‌های مسلط دینی، دولت و فرهنگ غالب به صورت مجموعه‌ای از گروه‌های منحرف با مجموعه‌ای از باورهای متفاوت موجودیت پیدا کنند. گروه‌های مذهبی جدید همچون ادیان اقلیت، در سیستم اصلی اجتماعی (دولت، مقامات ایالتی و اداری) متحدان کمی دارند. ادیان جدید، گروه‌هایی در حاشیه هستند که در عقاید با یکدیگر و نسبت به ادیان تثبیت شده فرهنگی که درون آن قرار دارند، متفاوت اند (Melton, 2007). با این حال چنانچه خواهیم دید، این گروه‌ها صرفاً اقلیت‌هایی در موازات یا تعارض با ادیان تثبیت شده نیستند، بلکه اساساً کارکردهای متفاوتی را باید در آن‌ها جست.

۳- کلیسا در بحران

از قرن چهارم میلادی، جامعه دینی غرب تحت سلطه مسیحیت در اشکال مختلف آن بوده است. مسیحیت با سنت مستمر یهودیان فضایی مشترک داشت و تا سالهای نچندان دور، تاریخ تمدن غرب عموماً این دو اجتماع را به عنوان تنها سنت‌های مذهبی که در طول قرن‌ها فعالیت می‌کردند، در نظر می‌گرفت (Melton, 2009). کلیسا به عنوان نهاد مرکزی در سنت مسیحی از همان آغاز کار مسیحیت نقش مرکزی را به عهده داشت. در سده‌های میانه (۵-۱۵ م) کلیسا کارکردهای چندگانه یافت و انحصار طلبی خود را در بر تمام شئون زندگی از آموزش و حیات علمی تا مسائل کلامی و تفسیری در دست گرفت. با اینحال، تحولات ایجاد شده از سده شانزدهم به بعد تأثیراتی دائمی و تعیین‌کننده بر سرنوشت مذهبی جامعه غربی گذاشت.

قرن شانزدهم با دو رخداد سرنوشت‌ساز همراه میشود. نخست اصلاح دینی (The Reformation) که با افشاگری‌های کشیش آلمانی، مارتین لوتر آغاز شد و با کارهای چند چهره برجسته دیگر همچون ژان کالون ادامه پیدا کرد. مهم‌ترین تأثیر اصلاح دینی وارد کردن ایمان به زندگی شخصی فرد مومن (موضوعی که بعدها در جنبش‌های نوپدید دینی نقشی محوری پیدا کرد) و کاستن از اهمیت و نقش دستگاه کلیسا و واسطه‌های دینی همچون پاپ و کشیش بود و به نقل ماکس وبر «اطاعت خدا از اطاعت بندگان اولی‌تر است» (لالمان، ۱۳۹۹؛ وبر، ۱۳۹۹: ۲۵۰). دیگر آنکه، نوزایش (Renaissance) که با کارهای هنرمندان اومانیست (انسان‌گرا) همچون لئوناردو داوینچی و فلسفه سیاسی ماکیاولی که برنامه جدایی قاطع دستگاه حکومتی از دستگاه کلیسا و استقلال آن را می‌طلبید، تأثیر قاطعی بر بازشدن فضای جامعه می‌گذارد (لالمان، ۱۳۹۹). از سویی دیگر، پیشرفت‌های مختلف علمی از زمان کوپرنیک به بعد آشکارا با الهیات مسیحی همخوان نبود و بدین واسطه دستگاه کلیسا با نشان دادن مقاومت و تهاجم به معتقدان به کشفیات جدید، نوعی دلزدگی برای مومنان ایجاد کرده بود (راسل، ۱۳۹۶). در قرن هجدهم، کلیسای کاتولیک در اثر کهنه‌پرستی خود با مشکل بی‌اعتمادی روز افزون مواجه بود. حرکت به سمت ناکارکرد شدن کلیسا با انحصار طلبی کاتولیسیسم که بر خلاف الهیات پروتستان جایی برای تفاسیر شخصی نداشت ادامه یافت و به مرور افراد درون مذهب را دلزده کرد و این مورد با جریان انقلاب فرانسه که در آن دستگاه کلیسا به مخالفت با انقلاب پرداخت تشدید شد (ویلسون، ۱۳۹۶). انتشار کتاب منشأ گونه‌های چارلز داروین (۱۸۵۹) نقطه عطفی در تاریخ علمی، فکری و مذهبی اروپا در قرن نوزدهم ایجاد کرد. این کتاب از نظریه فرگشت (evolution) تدریجی گونه‌های جانوری منجمله انسانها دفاع می‌کرد. کار داروین که کاری تجربی بود، دقیق و بی‌طرفانه ظاهر شد (Woodbridge & James, 2013). تا بدینجا دین سنتی مسیحی، عمده‌ترین سه رخداد اصلاحات، انعطاف‌ناپذیری و علم ضربه‌ای شدید خورده بود که همگی محصول شرایط خاصی از زمان بودند.

وبر اشاره می‌کند که مسئله تنش میان «اصل رستگاری» و اجتماع، از جمله چالش‌های دین‌های سنتی (متکی بر رستگاری) در جهان مدرن محسوب می‌شود. همانطور که مسیح اشاره کرده بود افراد بایستی قادر به ترک والدین خود برای پیوستن به او در

زمان موعود باشند (فروند، ۱۳۸۳). این مسئله بعدها با نظریه کالون متکی بر آموزه تقدیر از پیش مقدر شده (predestination) تشدید شده بود. در همین دوران، جریان‌های جنبش‌های احیاگر (revitalization movements)، محصول دوران پرشتاب بعد از انقلاب صنعتی بودند که در قرن نوزدهم و به رهبری ایالات متحده (که آزادی مذهبی را ارج می نهاد) پدیدار شدند. این گروه‌ها در ابتدا عمدتاً در ارتباط با سنت مسیحی و اصلاح خواهی (اصل بازگشت به تعالیم واقعی) بودند که می‌توان به نمونه‌هایی همچون کلیسای عیسی مسیح قدیسان آخرالزمان (مورمن‌ها) و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم اشاره کرد؛ اما به مرور با ورود سنت‌های شرقی (به خصوص هندی) از یک سو و توجه مجدد به سنت‌های پیشا مسیحی و سرکوب شده (پاگانی) در قرون میانه از سوی دیگر، این گروه‌ها گسترش یافتند. اوج این پراکندگی در میانه سده بیستم به وقوع پیوست یعنی هنگامی که انسان به تعبیر نیچه ای «بندی میان حیوان و ابر انسان» (نیچه، ۱۳۸۷؛ ۲۴) می‌شد.

۴- بحران معنایی و مسئله وجود

جامعه‌شناسان و مورخان اغلب نوین‌سازی (modernization) را حرکت پیچیده و چند مرحله‌ای گذار از جامعه کشاورزی و روستایی یا سنتی به جامعه صنعتی، شهری، دموکراتیک، متکثر یا مدرن تعریف می‌کنند. منشاء این مفهوم غالباً در فلسفه سیاسی لیبرال که بر ارزش حقوق فردی، نظریه لیبرال اقتصادی و ترویج مشاغل آزاد و مقررات آزاد تجاری تأکید دارد، جستجو می‌شود. گذار از یک حالت سنتی به مرحله‌ای مدرن - که از جمله پیامدهای اجتماعی و اقتصادی انقلاب صنعتی بود از قرن هجدهم - احساس تعلق و هویت شخصی افراد با اجتماعی سنتی همچون کلیسا را تضعیف می‌کند و وفاداری به آداب و رسوم، عادات و سنت‌های قدیمی را از بین ببرد (Woodbridge & James, 2013).

دورکیم اشاره می‌کند که در جوامع سنتی، توده همسان و مشابه‌ای از افراد وجود داشت که نوعی انسجام مکانیکی (mechanical solidarity) تشکیل می‌داد. در این نوع انسجام، واکنشی شدید و احساسی در قبال تخطی از اصول سفت و سخت اخلاقی حاکم بر جامعه وجود داشت - بنابراین جای چندانی برای نوآوری نبود (و این مسئله تا حدی چرایی پدیدار نشدن جنبش‌هایی جدید مذهبی در آن دوره را نشان می‌دهد) - به علاوه، وجود قانونی سرکوبگر که در قانون این وجدان جمعی قرار داشت، تشابهات نهفته در همبستگی مکانیکی را تداوم میبخشید (پوپ، ۱۳۷۹). با گسترش جوامع و ورود به دنیای صنعتی و مدرن، این حالت از انسجام تضعیف و جای خود را به انسجام ارگانیکی (organic solidarity) داده است. تخصصی شدن کار و بالا رفتن اهمیت تقسیم کار در جوامع از یک سو و تحولات حقوقی و اجتماعی از سوی دیگر باعث آن شده است تا افراد نه بر پایه وجدان جمعی مشابه بلکه بر پایه نیازهای دو سویه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این تحول بزرگ تأثیر خود را بر ادیان تثبیت شده همچون مسیحیت و یهودیت گذاشته است (همان). اقتدار کلیسا به مثابه مرجعی در تحکیم مذهبی جمعی بر اثر عوامل مختلف افول کرد و این زمانی بود که جامعه غربی به سمت نوعی از فردگرایی متکی بر انسجام ارگانیکی مورد اشاره دورکیم حرکت می‌کرد. رابطه اشخاص با دولت (و ایضا بقیه نهادهای قدرت) تبدیل به شکلی از قرارداد شد که افراد دلبستگی‌های خود را در مقام فرد به اجرا گذاشته و نوعی از آزادی را که تا به حال تجربه نشده بود، متجسم می‌کردند. فیلسوفان و متفکران جدید نسبت به این دگرگونی‌های عظیم واکنش نشان دادند و در این میان فلسفه وجودی (existentialism) - که اساساً فلسفه مدرن است - سربر می‌آورد. آشفتگی و مواجه بشر با این آشفتگی، محور این فلسفه است. سورن کیرکگارد، به عنوان یک طغیانگر آرام در فلسفه قرن نوزدهم از سنت عقل‌گرایی هگلی بریده و پرسشی اساسی انسان و فلسفه را وجود (existence) می‌داند. به اعتقاد او پرسش درباره چیستی انسانیت، چیستی زندگی و جهان برای همگان مطرح است. انسان بودن به مثابه مخمضه‌ای همراه با ترس و اضطراب است. سرشت انسان تعارض‌آمیز است و این امر حل‌شدنی نیست. به بیانی، زمانی که رابطه کارکردی افراد با پیرامون خود قطع می‌شود، وحشت فلسفی ایجاد می‌شود که طی آن وجود درک می‌شود اما چرایی وجود نه. جهان پیرامون آشوب‌انگیز است و مرجعی برا حل این آشوب وجود ندارد (هالینگ دیل، ۱۳۸۴).

نیچه که از دیگر طغیانگران فلسفه مدرن محسوب می‌شود و جنون و اضطراب انسان جدید را به دوش می‌کشد، از کیرکگارد فراتر رفته و در اواخر قرن نوزدهم این چنین صریح مرگ خدا و مسیحیت را اعلام می‌کند: «خدا مرده است... ما او را کشتیم و ما قاتل قاتلان چگونه خواهیم خود را تسلی دهیم. کارد ما خون مقدس‌ترین و مقتدرترین چیزی را که دنیا تا همین امروز داشت، ریخت... آیا کلیسا چیزی جز آرمگه خدایان است؟» (نیچه، ۱۳۷۷؛ قطعه ۱۳۵، ۱۹۳ و ۱۹۴). در عصر مرگ خدا، جواب‌های الهی و تضمین‌ها از بین رفته است. سنگینی اشیاء رخت بر بسته و به تعبیر خود نیچه «تمام افق الهی دوهزارساله بشری محو شده است». کسوت فعلی موجود نتیجه‌ی کنار رفتن خدایی است که حامل معنا برای بشر بوده است (جفرودی، ۱۳۹۲). در نتیجه اگر هم این خدای سنتی همچنان قرار باشد به حیات تضعیف شده‌اش ادامه دهد، از یک موجود ازل‌ی و بی‌حد به یک مفهوم ذهنی تقلیل داده می‌شود، وجودی که به راحتی قابل تعویض و انکار است.

در کلام وبر وهم زدایی (disenchantment) بخش اصلی (به تعبیری ثمره) فرایند عقلانی شدن (rationalization) در جهان جدید است. جهان سروری انسان با تکنیک (تکنوکراسی)، منجر به کناره گیری ارزش های والای اجتماعی (موجود در نظم سنتی) شده است و این ارزش ها صرفاً به قلمرو فردی یا روابط برادری محدود شده است. علم یکی از قلمروهای زندگی ماست و گرچه کنترل طبیعت از طریق آن محقق شده اما این علم توانایی پاسخ به ضروری ترین پرسش ها را ندارد: به چه چیزی باور داشته باشیم؟ چگونه رفتار کنیم؟ این علم ناتوان در دادن معنایی به زندگی است در حالی که معناهای سابق نیز تزلزل یافته است (اسکاف، ۱۳۷۹). همراه با این فروپاشی هنجارهای اجتماعی، اضطراب وجودی و تزلزل در مراجع دینی سنتی، افراد دنبال توضیح و پاسخی به همان سؤال‌هایی که وبر «ضروری ترین پرسش ها» می دانست، می گردند. جنبش‌های نوپدید دینی با تأکید بر معنویت شخصی، افرادی (یا وجودهای مضطرب) را جذب می کنند که در این جهان بی ثبات و بی تضمین، به پیوند دوباره ای با ارزش ها و عقاید نیاز دارند. به علاوه فرصت برای تولید اندیشه های جدید در اثر انسجام مکانیکی و گسترش دموکراسی و حقوق فردی بالا می رود. با ورود به دهه ۶۰ طبقه متوسط تعاریف سنتی از کیستی خدا و راه ارتباط با او را به چالش کشید و این مسئله مطرح شد که خدا (معنویت در مفهوم کلی تر) در راه های فرعی و متنوعی یافت می شود (گیدنز، ۱۳۹۷؛ وانتو، ۱۳۹۶). فردگرایی نوینی که در همین دوران در حال گسترش بود، افراد را به این سمت می برد تا هویت های خویش را آگاهانه بسازند و مردم به سمت زندگی بازتر و انعطاف پذیرتری بروند. اکثر جوامع صنعتی تبدیل به جوامعی می شوند که ملغمه های فرهنگی هستند و خرده فرهنگ های زیادی را درون خود جای می دهند. گروه‌هایی که به واسطه الگوهای فرهنگی خود از فرهنگ مسلط قابل تشخیص هستند؛ بنابراین خرده فرهنگ ها محلی برای دگرگونی جامعه می شوند (گیدنز، ۱۳۹۷). در این دوران مسئله آزادی معنوی به شکل یک اصل کارکردی مطرح می شود. تأثیر جنبش هیپی ها، فمینیسم و دیگر گروه‌های جدید سربرآورده کاملاً مشهود است. وانتو (۱۳۹۶) به درستی اشاره می کند که مهم ترین تأثیر دهه ۶۰ در باب معنویت، رسیدن به این نتیجه بود که لزوماً دین و معنویت یکسان نیستند. الهیات لیبرالی، نوعی از رواداری و بیخیالی نسبت به باورهای مذهبی ایجاد کرده بود و از هر ده نفر نه نفر اعتقاد داشتند که فردی بدون شرکت در مراسم های مذهبی می‌تواند یهودی یا مسیحی باشد.

۵- مهاجرت و کثرت گرایی فرهنگی

برخی قرن بیست و یکم را عصر مهاجرت خوانده اند. فرایند مهاجرت گرچه قدمتی طولانی به اندازه حیات بشر دارد اما به مثابه بخشی از فرایند جهانی شدن در حال شتاب گرفتن است (گیدنز، ۱۳۹۷). قرن بیستم شاهد تحولات زیادی در زمینه مهاجرت بود که جغرافیای جهانی را دستخوش تحولاتی چشم گیر کرد. این مهاجرت ها عمدتاً از کشورهای آسیایی و آفریقایی به اروپا و آمریکایی شمالی اتفاق افتاده است. طبق گزارش موسسه گالوپ تا اواسط سال ۲۰۲۰، ۲۸۰ میلیون مهاجر در جهان وجود دارد و ایالات متحده آمریکا مقصد نخست برای مهاجران سراسر جهان محسوب می شود.^۱ مهاجرت آسیایی ها به غرب را می‌توان به دو دوره قدیمی و جدید تقسیم کرد. دوره مهاجرت قدیمی با موج های غیر متقابل جمعیت های متمایز آسیایی مشخص شد که عمدتاً در واکنش به شرایط اجتماعی سیاسی در سرزمین خود و کمبود نیروی کار غیر ماهر توسط گروه‌های دارای منافع خاص در ایالات متحده آمده بودند. مهاجرت جدید با ورود همزمان افرادی از مثلث آسیا و اقیانوسیه مشخص شد که عمدتاً با اصلاحات قانونگذاری ۱۹۶۵ در سیاست مهاجرتی ایالات متحده، کمبود نیروی کار ماهر و حرفه ای، دخالت ایالات متحده در آسیا و موقعیت های سیاسی اجتماعی ایجاد شد. درصد خارجیانی که در آمریکا به دنیا آمده اند از سال ۱۹۹۰ دو برابر شده و به بیش از ۱۰ درصد رسیده است. در دهه آخر قرن بیستم، جمعیت آسیایی در ایالات متحده با ۴۳ درصد افزایش به نزدیک ۱۰ میلیون نفر رسید (Liu & Yu, 2000; Beal, 2008). در اروپا گرچه به اندازه ایالات متحده قوانین مهاجرت آسانگیرانه نشد و از تنوع قومی با عنوان مفهومی مثبت یاد نشد اما تحولات قابل توجهی در بافت مذهبی-جمعیتی از اواخر دهه ۶۰ پدید آمد. فرانسه که تعداد مسلمانانش به ۵ میلیون نفر می رسید، تعداد مساجدش از ۱۳۰ در سال ۱۹۷۶ به بیش از ۱۰۰۰ مسجد در بیست سال بعد رسید. درصد اقلیت های قومی ساکن در بریتانیا از ۶ درصد به ۹ درصد در بین ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ افزایش یافت. در سال ۲۰۰۷، ۲ میلیون نفر از ۷ میلیون ساکن لندن در خارج از بریتانیا متولد شده بودند. بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲، ۱۵ میلیون مهاجر وارد اروپای غربی شدند. تعداد پناهجویان از حدود ۶۵۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۳ به بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ رسید (Merriman, 2010). در سال های اخیر شاهد باز شدن دریچه های سیل تنوع مذهبی بوده ایم و این تنوع مذهبی بی سابقه در دهه های آینده افزایش خواهد یافت (Beal, 2008). از جمله پیامدهای این مهاجرت های گسترده، انفجار ادیان جایگزین و به موازات شکل‌گیری جنبش‌های نوپدید دینی است که تاریخ طولانی رشد دین متافیزیکی، علوم غریبه (occult) و ادیان شرقی را ادامه می دهد. دین آسیایی در اوایل دهه ۱۸۰۰ وارد ایالات متحده شد. مهاجرت زیاد آسیایی ها در نیمه پایانی قرن نوزدهم اولین معلمان بودایی و هندو را به ایالات متحده آورد و بسیاری از ساکنان ساحل غربی را تهدید کرد. محدودیت های ایجاد شده، جریان مهاجران از هند،

1. UN DESA, 2020. <https://www.migrationdataportal.org/international-data>

ژاپن و آسیای جنوب شرقی را تا حدی کند می‌کرد و رشد طبیعی دین آسیایی بطور موثر متوقف شد. سپس در سال ۱۹۶۵، رئیس‌جمهور وقت آمریکا-لیندون جانسون-قوانین محرومیت آسیایی‌ها را لغو کرد و سهمیه مهاجرت آسیایی را به میزان سایر کشورها افزایش داد. در نتیجه، صدها هزار آسیایی به ایالات متحده آمده‌اند و با حضور خود مراکز شهری را تغییر شکل دادند. سوابق سرشماری نشان می‌دهد که قبل از سال ۱۹۶۰ کمتر از ۱۲۰۰۰ سرخپوست در ایالات متحده پذیرفته شده بودند. تا سال ۱۹۸۰ این رقم به بیش از ۳۸۰۰۰۰ رسید. برای ژاپنی‌ها، کره‌ای‌ها و دیگر آسیایی‌ها می‌توان به ارقام به همان اندازه چشمگیر اشاره کرد (Melton, 2013). از سویی جمعیت پروتستان ایالات متحده از ۶۷ درصد در ۱۹۶۷ به ۵۹ درصد در ۱۹۹۸ رسید و این عدد در سال ۲۰۲۰، ۴۲ درصد اعلام شد (Pew Research Center). از طرفی، در دوران مهاجرت، آسیایی‌ها معلمان خود، استادان دین و گوروها را برای گسترش ادیان خود در بین آمریکایی‌ها را با خود آوردند. دسترسی جدید معلمان آسیایی عامل اصلی رشد ادیان جایگزین در نسل گذشته بوده است. برای اولین بار ادیان آسیایی برای جویندگان مذهبی در غرب به گزینه‌ای واقعی تبدیل شد و نقش آسیایی‌ها در فرهنگ مذهبی ایالات متحده در حال افزایش است (ibid). بعضی از این گروه‌ها همچون هاری کریشنا و جنبش راجنیش توانستند توجهات بالایی کسب کنند.

جنبش‌های نوین مذهبی محصول زمانه تغییرات هستند. نمودهای مذهبی در نتیجه درآمیختگی نیروهای مختلف و فرهنگ پذیری ایجاد می‌شوند؛ بنابراین با مهاجرت و یا ورود گروه‌های بیگانه به منطق دیگری، این سیستم‌ها از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. به عنوان مثال آیین وودو (voodoo) که یکی از جنبش‌های نوپدید دینی مهم در آفریقا محسوب می‌شود را در نظر بگیرید. وودو سیستمی دینی-جادویی است که در میان بخش قابل توجهی از مردمان توگو، غنا، نیجریه، هائیتی و بنین در قاره آفریقا رواج دارد. این آیین، در اصل مجموعه‌ای از سنت‌های جادویی، اوراد، نمادها و باورهای آفریقایی است که در قرن هجدهم زمانی که هائیتی مستمره فرانسه بود نظام یافت و بعدها در اثر نفوذ و ورود مسیحیت کاتولیک با آن آمیخته شده و به صورت یک سیستم ناخالص درآمد و تا به امروز به حیات فرهنگی خود ادامه داده است (ن.ک به ابرقوئی، ۱۴۰۰). کثرت گرایی فرهنگی موجود در جامعه غربی (خصوصاً در ایالات متحده)، تاکید بر حمایت از خرده فرهنگ‌های متعدد و به رسمیت شناختن آن‌ها دارد. تفاوت‌های میان گروه‌ها (در اینجا مشخصاً تفاوت‌های مذهبی)، مورد تحمل قرار می‌گیرد. از سوی دیگر مسئله بحران معنویت و افول کلیسا که در بخش‌های قبلی اشاره شد، موجب آن شده است تا ادیان شرقی و معنویت‌هایی که تاکید زیادی بر پیشرفت معنویت فردی دارند (همچون بودیسم)، نقش مهمی را در جنبش‌های نوپدید مذهبی داشته باشند. تکنیک‌های مدیتیشن برای آرامش ذهن شامل فعالیت‌هایی برای آزاد سازی روح است (کنترول و کاوانامی، ۱۳۹۷) و این مسئله برای انسان مضطرب و آشفته عصر جدید (همانگونه که کیرکگارد اشاره کرده بود) می‌تواند به مثابه راهکاری به نظر برسد.

۶- نتیجه‌گیری

تلاش پژوهش حاضر بر آن بود تا با بررسی زمینه‌های شکل‌گیری پدیده جنبش‌های نوپدید دینی، به تبیین گسترش و کارکرد این گروه‌ها در جهان حاضر بپردازد. تز اساسی نویسنده آن بود که این گروه‌ها، تنها زمانی قابل درک خواهند بود که در ارتباط با سایر نهادها و عناصر در جامعه غربی (در تعبیر کلی تر مدرنتیه و جامعه جهانی) و تحولات مهم رخ داده از قرن شانزدهم بدین سمت نگریسته بشوند. افول کلیسای کاتولیک به طور خاص و زوال اشکال ادیان سنتی به طور عام، منجر به افول و ناکارکرد شدن اخلاق مطلق و هدایتگر یهودی-مسیحی شد. همچنین این واقعه به زوال انسجام مکانیکی یاری رساند. این فرایند نهایتاً به نوعی وهم زدایی منجر شد. از سویی به دلیل مواجه اضطراب آمیز و یاس آور انسان مدرن با جهانی عاری از خدایان و احکام سنتی، مسئله انسان جدید پرسش از وجود و معنای وجود می‌شود؛ چنانچه فلسفه این دوران هم به همین سمت حرکت می‌کند. این تز (افول دین سنتی) و آنتی تز (طرح مسئله وجود و معنای وجود) متعاقبش، نوعی سنتز را منجر می‌شود که همان جنبش‌های نوپدید دینی است. همچنین، فردگرایی، دموکراسی و ارزش‌های لیبرالی در کنار فرایند گسترده مهاجرت و ادغام گرایی فرهنگی همراه با آن، این سنتز را تقویت و تز پیشین (دین سنتی) را تضعیف کرده است یا به عبارتی بر آن گواهی داده است. انسان عصر مدرن تعارض میان خود و خدای سنتی را به نفع خود از میان برده است اما برای این جایگاه خالی شده دچار سردرگمی شده است و بر خلاف نگاه اولیه، تلاش‌های او در این راستا به وضوح می‌تواند اثباتی بر فرضیه جهانی شدن (سکولاریسم) در جامعه غربی باشد. می‌توان با کمی جسارت گفت که اساساً ظهور و گسترش جنبش‌های نوپدید دینی، نمایانگر افول دستگاه الهیات در زندگی بشری، حداقل در شکل سنتی آن است.

۱. آروک، الیزابت (۱۳۹۷). «جنبش‌های نوین دینی». در ادیان در دنیای مدرن. ویراستار: لیندا وووهد. ترجمه حمید رضایا و عبدالله غلامرضا کاشی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲. اسکاف، لارنس ای (۱۳۷۹). «ماکس وبر». در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ویراستار: راب استونز. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: مرکز.
۳. ابرقوئی، امید (۱۴۰۰). «رویکردی کارکردی در بررسی جادو». فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی. سال چهارم، شماره ۳. صص ۷۵-۸۴.
۴. پوپ، ویتنی (۱۳۷۹). «امیل دورکیم». در متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ویراستار: راب استونز. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: مرکز.
۵. جفروودی، مازیار (۱۳۹۲). متفکران اجتماعی معاصر. تهران: مرکز.
۶. راسل، برتراند (۱۳۹۶). علم و دین در جامعه. ترجمه علی اصغر مهاجر و احمد ایرانی. تهران: جامی.
۷. فروند، ژولین (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی ماکس وبر. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا.
۸. کنتول، کتی و کاوانامی، هیروکو (۱۳۹۷). «آیین بودا». در ادیان در دنیای مدرن. ویراستار لیندا وووهد. ترجمه حمید رضایا و عبدالله غلامرضا کاشی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی (ویراست چهارم). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
۱۰. لالمان، میشل (۱۳۹۹). تاریخ اندیشه‌های جامعه‌شناسی؛ جلد اول: از آغاز تا ماکس وبر. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: هرمس.
۱۱. نیچه، فریدریش (۱۳۷۷). حکمت شادان. ترجمه جمال آل احمد، سعید کامران و حامد فولادوند. تهران: جامی.
۱۲. نیچه، فریدریش (۱۳۸۷). چنین گفت زرتشت. ترجمه داریوش آشوری. تهران: آگاه.
۱۳. واتو، روبرت (۱۳۹۶). «آزادی معنوی نوین». در فرقه‌ها و جنبش‌های نوین دینی. ویراستار لورن داوسون. ترجمه کوثر طاهری و سمانه غلامی. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۴. وبر، ماکس (۱۳۹۹). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۵. ویلسون لیتل فیلد، هنری (۱۳۹۶). تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ به بعد. ترجمه فریده قرجه داغی. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۶. هالینگ دیل، جان رچینالد (۱۳۸۴). تاریخ فلسفه غرب. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: ققنوس.
17. Beal, T. (2008). Religion in America :A Very Short Introduction. New York: Oxford University Press.
18. Haxham, I. & Poewe, K. (1986). Understanding Cults and New Religions. Michigan: Wm.B. Eerdmans Publishing Company.
19. Liu, W.T. & Yu, E.S.H. (2000). " Asian American Studies" in Encyclopedia of Sociology, Vol 1. edited by E.F. Borgatta & Rhonda J.V. Montgomery. New York: The Gale Group.
20. Melton, J.G. (2009). Melton's Encyclopedia of American Religions. 8th ed. the US: Gale Cengage Learning.
21. Melton, J.G. (2007). "Introducing and Defining the Concept of a New Religion". in Teaching New Religious Movements. edited by David.G. Bromley. New York: Oxford University Press.
22. Melton, J.G. (2013). Encyclopedic Handbook of Cults in America. New York: Routledge.
23. Merriman, John M. (2010). A History of Modern Europe. 3rd ed. London: W.W. Norton & Company.
24. Newcombe, S. (2014). "Cults: history, beliefs, practices". The Open University (UK). <https://www.researchgate.net/publication/291565411>.
25. Olsen, P.J. (2006). "The Public Perception of Cults and New Religious Movements". Journal for the Scientific Study of Religion. 45(1) : 97-106.
26. Rothstein, M. (2006). "Heaven Gate". in Encyclopedia of New Religious Movements . edited by Peter B.Clarke. New York: Routledge.
27. Stein, R. L. and Stein, F. R. (2017). The Anthropology of Religion, Magic and Witchcraft. Fourth edition. New York : Routledge.
28. Woodbridge, J.D. & James III, F.A (2013). Church History. Vol 2 : From Pre-Reformation to the Present Day. Michigan: Zondervan Academic.

فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی

نشانی: کرج، آزادگان، ابتدای بلوار مطهری،
خیابان شهید سبحانی، پلاک ۴۸، واحد ۴
کدپستی: ۳۱۴۳۹۵۳۵۹۵

۰۲۱۳۳۲۰۲۴۸۷
۰۲۶۳۴۴۵۳۱۳۱
www.ASSCS.ir

ISSN: 2645-4475

